



مهندس مهدی بازرگان  
مهندس هاشم صباغیان

دکتر یداله سبحانی  
دکتر ابراهیم یزدی



# ۲ اسفند

سخنرانی چهارتن از نمایندگان مجلس شورای اسلامی در

ورزشگاه امجدیه

دفتر اول

بها ۸۰ ریال

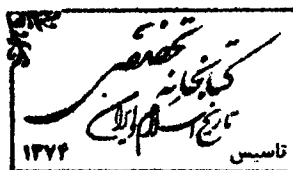
فصلت آزادی ایران  
کمیته تبلیغات و انتشارات

دفتراول

# ۲ اسفند

سخنرانی چهارتن از نمایندگان مجلس شورای اسلامی در

## ورزشگاه امجدیه



فهرست آزادی ایران

کمیته تبلیغات و انتشارات

نهضت آزادی ایران - کمیته تبلیغات و انتشارات

---

نام کتاب: ۷ اسفند سخنرانی چهار تن از نمایندگان مجلس شورای اسلامی  
اردیبهشت ماه ۱۳۶۰

## فهرست

<u>صفحه</u>	<u>عنوان</u>
۵	مقدمه
۹	دعوت عام چهار نماینده از مردم تهران
۱۱	دعوت نهضت آزادی ایران برای شرکت در...
۱۳	مصاحبه مطبوعاتی مهندس بازرگان
۲۱	بیانیه نهضت آزادی ایران درباره توطئه صدای آمریکا
۲۳	اطلاعیه شماره ۱
۲۵	اطلاعیه شماره ۲
۲۶	اطلاعیه شماره ۳
۲۸	اطلاعیه شماره ۴
۳۰	اطلاعیه شماره ۵
۳۳	پیام آیت‌الله پسندیده در مورد اجتماع امروز امجدیه
۳۷	اطلاعیه مهم وزارت کشور در مورد اجتماع امروز امجدیه
۳۸	پشتیبانی از مراسم سخنرانی ۴ نماینده مجلس...
۳۹	قسمتی از شعارهایی که در محوطه امجدیه...

<u>صفحه</u>	<u>عنوان</u>
۱۵۴ تا ۴۳	بخش دوم : سخنرانیها
۴۷	پیشگفتار
۴۹	آیات ۱۰۱ تا ۱۰۵ آل عمران
۵۰	ترجمه آیات
۵۱	معرفی آقای دکتر سبحانی
۶۱	سخنرانی آقای دکتر سبحانی
۶۷	معرفی آقای مهندس بازرگان
۸۷	سخنرانی آقای مهندس بازرگان
۱۰۵	معرفی آقای دکتر یزدی
۱۱۹	سخنرانی آقای دکتر یزدی
۱۴۱	معرفی آقای مهندس صباغیان
۱۴۷	سخنرانی آقای مهندس صباغیان .
۱۵۱	طلسمی که شکست

## بسمه تعالی

الذین یبلغون رسالات اللہ و یخشونہ ولا یخشون احداً " الا اللہ و کفی باللہ حسیباً " . (سوره احزاب ، آیه ۳۹)

کسانی که پیامهای خدائی را می‌رسانند و از او می‌ترسند و از احدی بجز خدا بیمی ندارند و (آنها را) خدا در حسابگری کافی است .

اعضای نهضت آزادی ایران براساس اعتقادات دینی و خط مشی سیاسی - اجتماعی خود که برایمان ، تقوی و عمل صالح استوار است ، در شرایط سخت گذشته همواره به مسئولیتهای خود در حد امکان عمل نموده و بخصوص در کار سازماندهی و رشد حرکت انقلابی مردم چه در داخل و چه در خارج کشور نقش موثر و تعیین کننده ایفا کرده اند .

رهبران و اعضای نهضت آزادی ایران در شرایط خفقان قبل از پیروزی انقلاب حساس ترین مسئولیتهای را تقبل کردند و بعد از آن نیز به ندای امام امت و نیازهای مبرم انقلاب پاسخ مثبت دادند و بیشترین سهم را در قبول مسئولیتهای اجرائی بعهده گرفتند و خود و سازمان خود را فدای حفظ دستاوردهای انقلاب و راه اندازی امور متوقف و برنامه ریزی برای حل مشکلات مملکت نمودند تا اداره امور مملکت را به دست مسئولان منتخب ملت بسپارند .

در آن شرایط حساس مملکت ، اکثر افراد و گروهها به جای قبول مسئولیت در

امور اجرائی و کمک به حل مسائل انقلاب و راه اندازی چرخهای سنگین کارها که بخصوص در طول مبارزات قبل از پیروزی متوقف و یا مختل شده بود تمام نیروی خود را مصرف سازماندهی گروهی و اشغال مواضع قدرت کردند و بتدریج کار شکنی در کارها را آغاز و انواع اتهامات و برچسب‌های ناروا را به اولین دولت موقت انقلاب که از سوی امام امت منصوب شده بود وارد ساختند بطوریکه قبل از اشغال سفارت سابق آمریکا (لانه جاسوسی) دولت چند بار مجبور به استعفاء شد.

بلافاصله پس از گروگان‌گیری، کسانی که برای انتقال قدرت و تصاحب آن برنامه‌ریزی کرده بودند بر موج عظیم ناشی از این اقدام سوار و با استفاده از کلیه امکانات، بخصوص رسانه‌های گروهی، ناجوانمردانه‌ترین اتهامات را بر دولت موقت که با نظر امام و شورای انقلاب انتخاب شده بود وارد ساختند، به امید اینکه این پیشگامان نهضت اسلامی دگر باره قد علم نکنند.

اما ملت آگاه و هوشیار ما علیرغم همه تبلیغات و جوسازی‌هایی که علیه آنان شده بود با آراء دور از انتظارش تنی چند از این افراد شناخته شده، با سابقه مبارزات طولانی و پایه‌گذاران نهضت اسلامی را بعنوان نماینده خود انتخاب کرد. در حالیکه اکثریت قابل ملاحظه کرسی‌های مجلس، تقریباً تمام رسانه‌های گروهی منجمله صدا و سیما جمهوری اسلامی، تریبون نمازهای جمعه و اکثر روزنامه‌ها و مواضع قدرت اجرائی و قضائی در اختیار گروه انحصار طلب قرار گرفت و نمایندگان اقلیت نتوانستند صدای خود را به ملت برسانند و حتی گاهی در حوزه انتخاباتیه خود هم نتوانستند اجازه صحبت با موکلین را پیدا کنند.

حزب حاکم با اتخاذ شیوه‌های استالینی و طرد همه کسانی که نخواهند تابع و یا کارگزار آنان باشند و انجام اعمال بی‌رویه، انتخاب افراد غیر ذیصلاح برای اداره امور و بالا رفتن تورم و گرانی و بیکاری و . . . موجبات نارضایتی شدید مردم و بدبینی آنان را به انقلاب اسلامی و اسلام و روحانیون فراهم ساخت، اما مردم آگاه و شهید پرور ایران بخاطر جنگ تحمیلی عراق و حفظ وحدت در جبهه داخلی با تحمل همه سختی‌ها و فشارها تا آنجا که نتوانستند دم فرو بستند و زبان



نگشوندند .

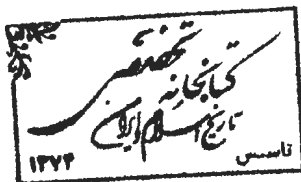
اما دشمنان انقلاب اسلامی و وابستگان داخلی آنان از طریق رادیوهای متعدد و نشریات داخلی، چه کسانی که خود را بهرنگ انقلاب درآورده‌اند و در خط امام و نه با تایید اسلام و روحانیت (قبول قالبها) و چه کسانی که شعار براندازی جمهوری اسلامی (شکستن قالبها) را سرداده‌اند، با شیوه‌های حساب شده و طرح مشکلات کنونی انقلاب به بی‌نظمی و هرج و مرج و نارضایتی دامن می‌زنند .

در این شرایط حساس از انقلاب که همه مردم بخصوص افراد آگاه‌نگران آینده انقلاب و بدنبال چاره‌جویی برای خارج شدن ازین بست کنونی هستند، چهار تن از اعضای نهضت آزادی ایران و نماینده مجلس شورای اسلامی با شکستن سد سکوت و برای جلوگیری از توطئه دشمنان انقلاب، مردم تهران را به تشکیل گردهمایی دعوت کردند و نظرات و تحلیل‌های خود را پیرامون مسائل کنونی انقلاب در اجتماع پرشکوه امجدیه در میان گذاشتند .

با توجه به اهمیت این گردهمایی که برای اولین بار تشکیل شده است و درخواست زیاد مردم برای چاپ سخنرانی‌ها، اینک جریان مشروح سخنرانیها و بازتاب آن در اختیار مردم دلیر و مبارز ایران قرار می‌گیرد .

## نهضت آزادی ایران





## دعوت عام چهار نماینده از مردم تهران

### بسمه تعالی

مردم شریف تهران و موکلین محترم :

وظیفه نمایندگی ما امضاءکنندگان ذیل ایجاب می‌کند که عقاید و نظریات خود درباره مسائل و مشکلات کشور را همواره با شما در میان گذاریم، اما متأسفانه بواسطه محدودیت‌های موجود در مجلس و امکانات و موانعی که در رسانه‌های گروهی فراهم نموده‌اند در این وظیفه توفیق کامل حاصل نگردیده است. چون وضع مملکت در مرحله حساس قرار گرفته است، لذا از شما مردم روشن بین و قهرمان تقاضا داریم که روز پنجشنبه ۷ اسفند ماه ۵۹ ساعت ۳ بعد از ظهر برای استماع توضیحات اجمالی نمایندگان خود در دانشگاه تهران حضور بهم رسانید.

نمایندگان شما در مجلس شورای اسلامی

ید. . . . . سحابی ، مهدی بازرگان ، ابراهیم یزدی ،

هاشم صباغیان



## چرا

با مردم مستقیم سخن می‌گوئیم

هفته گذشته در مراسم سالگرد انقلاب اسلامی، مهندس مهدی بازرگان و دکتر یزدی سخنرانی‌های مهمی در جمع گروه کثیری از مردم قزوین و گرمسار ایراد نمودند که علیرغم اهمیت آن کوچکترین انعکاسی در صدا و سیما جمهوری اسلامی پیدا نکرد. همچنین نطق پیش از دستور چند روز قبل مهندس بازرگان در مجلس شورای اسلامی که در رابطه با علل عدم تکمیل کابینه و نقش دکتر بنی‌صدر، رجائی و بهشتی در این امر ایراد گردید انعکاس وسیعی در سطح جامعه پیدا نمود.

بنابراین اعتقاد ناظران آگاه سیاسی، با توجه به رویدادهای مذکور، برگزاری این میتینگ در دانشگاه (وزارت کشور با برگزاری میتینگ در دانشگاه مخالفت نمود علی‌هذا سخنرانی نمایندگان در امجدیه برگزار شد) می‌تواند از اهمیت خاصی برخوردار باشد و امید می‌رود که انجام اینگونه مراسم و صحبت‌کردنهای مستقیم نمایندگان با مردم بتواند راهشگای بسیاری از مسائل و مشکلات گردد.

## بسمه تعالی

### دعوت نهضت آزادی ایران برای شرکت در اجتماع روز پنج‌شنبه هفتم اسفندماه در دانشگاه تهران

برادران و خواهران ، مردم مبارز و غیور تهران ، اکنون که جمهوری اسلامی ایران در شرایط حساس و خطیری در برابر دشمنان داخلی و خارجی و انبوهی از مشکلات اجتماعی و اقتصادی قرار گرفته و اکنون که تمامیت ارضی ایران و استقلال آن توسط ایادی استعمار و استکبار جهانی مورد تجاوز و تهدید قرار گرفته است و اکنون که دشمنان قسم خورده انقلاب اسلامی ، دوستان نادان و فرصت طلبان داخلی و بازماندگان ارتجاع محمدرضاخانی با تمام قوا برای به بن بست کشاندن جمهوری اسلامی ایران به تکاپو افتاده‌اند و اکنون که بسیاری از اصول مصرح در قانون اساسی ، دانسته یا ندانسته ، خواسته یا نخواستہ ، زیر پا گذاشته شده است و اکنون که ابرقدرت‌های شرق و غرب هر یک طرح استیلای حکومت دست نشانده مورد نظر خود را بشدت دنبال می‌کنند بیش از هر زمان دیگری شناخت و ریشه‌یابی علل

نارسانی‌ها و مشکلات اساسی جامعه و طرح روش‌های قاطع و بنیادی برای مبارزه با دردها و آغاز سازندگی جامعه‌ای مطلوب، بعنوان یکی از میرمترین وظایف نیروهای اصیل انقلابی و خدمتگزاران ملت شریف ایران به حساب می‌آید، بدین‌روی چهار تن از نمایندگان مردم تهران در مجلس شورای اسلامی و از اعضای نهضت آزادی ایران از عموم مردم تهران دعوت بعمل آورده‌اند تا مسائل اساسی جامعه را با موکلین خود در میان گذارند.

نهضت آزادی ایران از همه مردم دلیر و آزاده تهران می‌خواهد که به پیروی از رهنمودهای امام امت خمینی بت شکن که حضور مستمر مردم در صحنه سیاسی را برای حفظ تداوم انقلاب، اصلی مسلم و ضروری اعلام داشته‌اند با شرکت خود در این گردهمایی که برای نخستین بار پس از آغاز کار مجلس شورای اسلامی تشکیل می‌گردد، برنامه فرصت طلبان و دشمنان انقلاب اسلامی و استکبار و استعمار جهانی را خنثی کرده و با حمایت و پشتیبانی از نمایندگان خود برای رفع مشکلات اساسی جامعه قدمی مؤثر بردارند.

### نهضت آزادی ایران

مصاحبه مطبوعاتی مهندس مهدی بازرگان

در تاریخ ۱۳۵۹/۱۲/۱

ما می‌خواهیم با مردم صحبت کنیم و گزارشی  
از عملکردمان در این هشت ماهه بدهیم

در ابتدای مصاحبه سوال شد:

آقای مهندس، شما بعد از مسئله دولت موقت برای یک  
مدتی سکوت کرده بودید و کمتر در صحنه‌های سیاسی ظاهر  
می‌شدید و این مسئله ادامه داشت تا زمانی که نطق پیش از  
دستور فرمودید و بعد از آن مسئله صحبت ۴ نماینده مطرح شد  
و اینطور بنظر می‌رسد که شما مجدداً " وارد صحنه سیاسی  
شده‌اید . لطفاً توضیح بدهید که انگیزه شما در مورد سکوت و  
شروع دوباره چیست؟

مهندس بازرگان در پاسخ گفت:

بسم الله الرحمن الرحيم

از دولت موقت ما استعفا دادیم ولی کنار نرفتیم .

اولاً "عده‌ای از همکاران دولت موقت کماکان وزیر بودند، مثل آقای مهین‌فر، آقای مهندس سبحانی، مثل خود همین آقای رجائی. خود بنده دیگر وزارتخانه‌ای نداشتم و نخست وزیر هم نبودم. ولی در شورای انقلاب بودم و آنجا هم اداره و ترتیب کمیسیونها و تقسیم کارها را من انجام می‌دادم، منتها سروصدا نداشتم. چون ما هیچوقت برای سروصدا کار نمی‌کردیم. چند تا کمیسیون زیر نظر بنده بود. همکاری با همه وزرای جدید دولت داشتم، تا وقتی که مجلس پیش آمد. ما گروهی را تشکیل دادیم بدون اینکه اختصاص به نهضت آزادی داشته باشد (گروه همنام) که با جلب نظر مردم کسانی را که صلاحیت دارند برای وکالت معرفی کنیم. بنابراین در انتخابات مجلس دوستان و بنده فعالیت داشتیم، بدون اسم نهضت، و بعد از اینکه انتخاب شدیم و به مجلس رفتیم در مجلس هم همه ما تا آنجا که می‌پذیرفتند و به ما اعتماد و میل به همکاری داشتند خدمت می‌کردیم. هم در مجلس و هم در بیرون و گاهی در روزنامه میزان مطالب می‌دادیم ولی رسانه‌های گروهی تعمد داشتند که ما را به سکوت وادارند، یعنی جلوه سکوت در ما می‌دادند، و گرنه هیچ وقت هیچیک از دوستان نهضت و بنده کنار نرفته بودیم و ادای وظیفه می‌کردیم و خیلی سخنرانی‌ها انجام می‌شد. منتها خیلی‌ها را مانع می‌شدند و اجازه نمی‌دادند و صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران و رسانه‌های گروهی و روزنامه‌های رسمی اصلاً اصرار داشتند که اسمی از ما برده نشود و ما را مرده تلقی بکنند. علاوه بر اینکه اصرار بود ما را بدنام بکنند و تهمت و افترا بزنند و از آن راه ما را خفه بکنند، ولی مردم خیلی توجه و علاقه و اصرار و از ما انتظار داشتند و ما را ملامت می‌کردند



و اعتراض می‌کردند که شما که در دوران شاه و در آن مشکلات و در آن خطرات، پرچمدار اسلام و ملت و آزادی و حق و عدالت بودید چرا هیچ چیزی نمی‌گوئید . ما می‌گفتیم که ما ساکت نیستیم منتها نمی‌گذارند صدای ما به شما برسد . بنابراین این دعوت را هم بیشتر برای جواب دادن به پرسشهای زیادی که مردم از ماها می‌کنند و انتظارات و توقعاتی که دارند انجام دادیم . برای درمیان گذاشتن مطالب و سیاستی که ما در این مدت اتخاذ کردیم و نظریاتی که داشته‌ایم ، و این جزو وظایف نماینده است و اتفاقاً " یکی از اصول قانون اساسی همین را می‌گوید که نمایندگان در برابر ملت موظفند ، بنابراین ما خواستیم با مردم و با موکلین و غیرموکلین خودمان منطقی و عادلانه و علاقمندی به مملکت و نظام جمهوری اسلامی مطالبی را در میان بگذاریم . نه قصد بلوا و جنجال و تفرقه داشته‌ایم و داریم و نه حرکتی علیه دولت . قصد جاه و مقام و منزلت را هم نداریم ، چون منزلت پیش خدا و مردم داشته‌ایم و هیچوقت هم دنبال کسب قدرت و مقام نبوده‌ایم و گذشته ما هم نشان می‌دهد . هر وقت از ما کسی وظیفه‌ای خواسته انجام داده‌ایم . دولت موقت را هم می‌دانید که روی دستور امام بوده و ما دنبالش نرفته بودیم و از روز اول هم گفتیم که هر وقت که نخواستید ما علاقه‌ای به این مقام و پست نداریم ، استعفای ما دست شما است و تا زمانیکه سد راه نبودند یعنی همکاری بود ما هم کار کردیم .

س: آقای بازرگان ، در رابطه با دیدار امروزتان با امام فرمائید که چه مطالبی مطرح بود و آیا در رابطه با سخنرانی روز پنجشنبه صحبتی نشد؟ بخصوص که بنابه نوشته یکی از

روزنامه‌های صبح، گویا مطالب دیروز امام در ارتباط با این برنامه بوده است.

ج: این عده‌ای که امروز صبح به خدمت امام رسیدیم همه ما تک تک قبلاً "به خدمت امام می‌رسیدیم، منتها چون اینجا چهارتائی دعوت کرده‌ایم فکر کردیم که باهم خدمت ایشان برسیم. ایشان هم نه تنها سعی نکردند بلکه گفتند اصلاً" صحبت‌های روز گذشته من خطاب و اشاره به دسته خاصی نبوده، با عام بوده، و نسبت به آقایان هم از ۳۰ سال پیش (البته نظرشان به بنده بود) و آقایان دیگر را هم از پانزده بیست سال پیش می‌شناسند و آنچه ناراحت و ناراضی هستند سوءظن‌هایی است که در مملکت وجود دارد. یک عده می‌آیند علیه آقای بنی صدر خدمت ایشان بدگوئی می‌کنند. یک عده‌ای علیه ما بدگوئی می‌کنند و یک عده علیه آقایان دیگر مثلاً "حزب جمهوری بدگوئی می‌کنند. گفتند که من از اینها رنج می‌برم چون همه را می‌شناسم و همه هم خدمت‌گزار مملکت بوده‌اند منتها خوب آدمیزاد ممکن است که وحدت هدف داشته باشد ولی وحدت نظر و رأی نداشته باشد. این اختلاف سلیقه هم ایرادی ندارد و ما باید همه کار بکنیم و نیازمندیها و ضرورت‌های انقلاب را برآورده بکنیم، و ما هم برایشان توضیح دادیم که نهضت آزادی اصلاً "جزو مراسم ما" است و پرچمدار همکاری و وحدت بوده و در این مدت هم ما دائماً دعوت می‌کردیم. به بنده ایراد می‌گرفتند که چرا دولت موقت انسجام نداشته و از گروهها و افراد مختلفی بوده و همه به اصطلاح مکتبی نبوده‌اند. این ایرادی که می‌گرفتند به اصطلاح یکی از اصول ما و خدمات ما بوده که می‌خواستیم که کسانی را که در راه اسلام و آزادی و

استقلال علاقمند و خدمتگزار بودند بیایند کار بکنند. بعد از دولت موقت هم همیشه نظر ما این بوده. در نطقهای پیش از دستور و چه در مقالاتی که در روزنامه میزان است همیشه دعوت به وحدت می‌کردم اما متأسفانه از طرف گروهها و روزنامه‌های دیگر عوض اینکه استقبال کنند رد می‌کردند و نسبتها و سوءظنهایی را بوجود می‌آوردند.

در مورد این مراسم ایشان حرفی نداشتند و اصلاً "دیگر ما مطرح هم نکردیم که کجا برگزار می‌شود، کی صحبت می‌کند. در آغاز صحبت، ایشان تأکید کردند که من حرفهای دیشب جنبه عام داشت و عمومی بود و من رنج می‌برم از اینکه گروهها یا افراد با چماق زبان اعتراض بکنند و ما هم توضیح دادیم که ما این مسئله را دو سال است که با پوست و گوشتان حس می‌کنیم برای اینکه این چماقهای زبان و این خنجرهای قلم بیشتر به طرف ما می‌آمده و هنوز هم که هنوز است با اینکه یکسال واندی است که از استعفای دولت موقت گذشته باز هم آن مسائل کهنه را مطرح می‌کنند. و ما بودیم که از آن اتهامات که هنوز هم باز می‌گویند رنج می‌بردیم.

س: آقای بازرگان ممکن است در مورد سخنرانی روز پنجشنبه مطالبی را که قرار است مطرح بشود تیتروار بفرمائید تا مردم در جریان باشند و با یک آگاهی بیشتری شرکت کنند؟  
ج: خلاصه‌اش در آن دعوت گفته شده یعنی ما چهار تا نماینده تهران هستیم و عضو نهضت آزادی ایران می‌باشیم. می‌خواهیم با موکلین خودمان و با مردم دیگر صحبت بکنیم و گزارشی از عملکرد خودمان در این هشت ماهه بدهیم و جواب سوءالاتی که از ما می‌شود مثلاً "چرا استعفا نمی‌دهید و استعفا

بدهید یا که چرا ساکت هستید و چرا کاری نمی‌کنید و یا چرا با دولت همکاری می‌کنید یا نمی‌کنید، می‌خواهیم جواب اینها را بدهیم و سیاست و نظریات کلی خودمان را در رابطه با مسائل مملکت بیان کنیم. البته قرار است هر چهار نفرمان هم صحبت بکنیم و اینطور هم که وزارت کشور خواهش کرده و از ما خواسته‌اند که سخنرانی در امجدیه باشد.

س: آیا شما احتمال برخورد هائی را در این مراسم

می‌دهید؟

ج: خدایم داند. ما اطلاعی نداریم. آنچه مشخص است این است که ما نمی‌خواهیم برخورد بشود. هیچ‌گونه تمایلی، اقدامی و تحریکی هم برای این مسئله نکرده‌ایم و هیچ دست‌هائی هم نمی‌خواهد چنین بکند. از ناحیه دیگران هم دلیلی نمی‌بینیم که اینکار را بکنند، برای اینکه ما نه دشمن مملکت هستیم و نه دشمن ملت و کاری نکرده‌ایم که مستوجب اینها باشیم. در این اجتماع هم که قصد بلوا و آشوب و آشفتگی نداریم، والا اگر کسانی بیایند معلوم می‌شود که آنها سوءنیت دارند. ظاهراً فکر نمی‌کنم ولی اگر آمدند ما در برابر وظیفه‌ای که داریم نمی‌توانیم سرباز بزنیم.

در مورد سکوت که پرسیده بودید اتفاقاً "بنده و دوستان خیلی در اینطرف و آنطرف در اجتماعات بودیم، سخنرانی می‌کردیم. روز ۲۲ بهمن مثلاً" در قزوین دعوت کرده بودند هیئت علمیه قزوین، و در مسجد و خارج از مسجد شاید ۷۰ هزار جمعیت بود ولی اصلاً "و ابدا" در رادیو و تلویزیون گفته نشد که در قزوین خیری بود، کسی رفته بود و یا نرفته بود، و یا در کاشان در ماه رمضان سخنرانی داشتم و بعد هم در

مقالات که در میزان می‌نوشتیم . البته مقالات میزان راهیچوقت رادیو و تلویزیون نمی‌گوید، وقتی بحث جراید کشور را می‌کنند اصلاً " اسم میزان نیست، مثل اینکه میزان خارج این مملکت است. خلاصه "گان لم یکن شیئا مذکوراً" .

در خاتمه سؤال شد :

آقای مهندس بازرگان، در رابطه با مراسم پنجشنبه چه پیامی برای مردم تهران و مردم ایران دارید؟  
ایشان پاسخ داد :

ما چهار نفری می‌خواهیم گزارش ما موریتی را که مردم تهران برای ما داده بودند به مردم بدهیم و جواب سوءالها و ایرادهائی که ملت داشتند و همچنین عرضه کردن سیاست و نظریاتمان و اخذ تایید از مردم، و امیدواریم که امنیت و آرامش برقرار باشد . از طرف اخلاگران اقدام نشود و خود مردم هم خونسردی داشته باشند و شعار ندهند و پرسش و ایرادی نکنند. بگذارند ما حرفهایمان را بزنیم و انشاءالله با سلامتی مردم بیایند و قضایا قدری برایشان روشنتر بشود و انشاءالله گامی باشد در بهبود مملکت و انقلاب .

بلافاصله این خبر را چماق کرده و بر سرپاکترین فرزندان ملت مبارز ایران خواهند کوبید .

چندی پیش نیز در اجرای همین شیوه "نعلوارونه" استعمار، ریگان اعلام کرده که خواهان روی کار آمدن "میانروها" در ایران است. حال منظور از میانرو چیست و در جامعه انقلابی ایران چه کسی انقلابی واقعی و چه فردی میانرو است بجای خود، ولی هنوز این سخن در بیشتر رسانه‌های گروهی اعلام نشده بود که حزب توده و اقمار رنگارنگ آن و چپ‌نماهای آمریکائی و فرصت طلبین داخلی و مزدوران شرق و غرب چون صدام بعثی، از روی برنامه‌ای حساب شده حمله به انقلاب پناک و صادقی را که ممکن است عامل وحدت و بهبود رشد انقلاب شوند آغاز کردند تا کماکان بخیال باطل برنامه به بن بست کشیدن انقلاب اسلامی را عملی سازند. نهضت آزادی ایران ضمن محکوم کردن این گونه اعمال مزورانه از همه مردم دلیر و مبارز ایران می‌خواهد که با سعه صدر، مشت استعمارگران شرق و غرب را باز کرده با ایمان و وحدت و تقوای خود، همانگونه که به رهبری امام امت تاکنون انقلاب اسلامی را در دریای پرتلاطم توطئه و عداوت تا باین مرحله رسانیده‌اند، این تحریکات و برچسب‌زنی‌ها را نیز خنثی سازند و آنرا مایه خیری در جهت شناختن دشمنان واقعی انقلاب قرار دهند .

نهضت آزادی ایران از همه مردم دلیر و مبارز ایران می‌خواهد که با شرکت خود در این سخنرانی آرزوی دشمنان قسم خورده انقلاب اسلامی را مبدل به یأس سازند و قدمی برای بازسازی و رشد بیشتر انقلاب اسلامی فراهم آورند .

نهضت آزادی ایران

۵۹/۱۲/۲

بسمه تعالی

اطلاعیه شماره ۱

ستاد برگزاری سخنرانی ۴ نماینده مردم تهران

بطوریکه مردم دلیر و مبارز تهران اطلاع دارند روز پنجشنبه ۷ اسفند ماه جاری ساعت ۳ بعد از ظهر چهار تن از نمایندگان مردم تهران در مجلس شورای اسلامی، آقایان دکتر یدآ... سبحانی، مهندس بازرگان، دکتر ابراهیم یزدی و مهندس هاشم صباغیان در دانشگاه تهران با مردم سخن می‌گویند.

این اجتماع بعد از تشکیل مجلس شورای اسلامی برای اولین بار در شهر تهران تشکیل می‌شود تا نمایندگان مردم بتوانند نظرات و تحلیل‌های خود را در مورد مسائل و مشکلات کنونی کشور با مردم مستقیماً " در میان بگذارند .

ستاد برگزاری این سخنرانی از کلیه مردم واقشار و گروه‌های مؤمن به انقلاب دعوت می‌نماید با شرکت وسیع و همه جانبه خود در این گردهمایی که آغاز حرکت جدیدی در روند کار مجلس شورای اسلامی و تحولات اجتماعی خواهد بود بار

دیگر وحدت و حضور خود را در صحنه نشان دهند . بدون تردید چنین اجتماعی به همه ابرقدرتها و وابستگان داخلی آنان و کسانی که موجبات تضعیف همبستگی و مشارکت مردم را در تداوم انقلاب فراهم ساخته اند ثابت می کند که ملت به ندای امام است لبیک گفته و با آگاهی و هوشیاری ، بار تداوم انقلاب را بدوش می کشد و قادر است از انحراف انقلاب اسلامی جلوگیری کند .

ستاد برگزاری سخنرانی از مسئولان انتظامی انتظار دارد بر اساس درخواست قبلی چهار نماینده تهران ، ضمن ایجاد هماهنگی با ستاد ، پیش بینی های لازم را برای حفظ نظم معمول دارند .

ستاد اطمینان دارد همه شرکت کنندگان ، با متانت و صبر انقلابی و رعایت نظم و راهنمایی مأموران انتظامی ، راه را بر دشمنان انقلاب و جماقداران حرفه ای خواهند بست .

ستاد برگزاری سخنرانی چهار نماینده مردم تهران

۵۹/۱۲/۳



بسمه تعالی  
اطلاعیه شماره ۲

از کلیه خبرنگاران داخلی و خارجی که مایل به شرکت در گردهمایی روز پنجشنبه ۷ اسفند ماه جاری در دانشگاه تهران که بنابه دعوت چهار تن از نمایندگان مجلس شورای اسلامی بعمل آمده است، می باشند، خواهشمند است برای اخذ کارت مخصوص خبرنگاران روزهای سه شنبه و چهارشنبه هفته جاری از ساعت ۱۵ تا ۱۹ به دفتر ستاد واقع در خیابان استاد مطهری نزدیک چهارراه مبارزان شماره ۲۳۴ طبقه همکف مراجعه فرمایند.

ستاد برگزاری سخنرانی چهار نماینده مردم تهران

۵۹/۱۲/۳

بسمه تعالی  
اطلاعیه شماره ۳

استقبال مردم از گردهمایی روزپنجشنبه دانشگاه تهران

خبر تشکیل گردهمایی مردم در دانشگاه تهران در روزپنجشنبه هفتمه جاری به دعوت چهارتن از نمایندگان تهران در مجلس شورای اسلامی بین اقشار مختلف بازتاب وسیعی داشت و موجی از امید و انتظار بوجود آورد.

رهنمودهای امام امت در این شرایط حساس که از یک سوی به مسئولان و مقامات برای حفظ نظم هشدار دادند و از سوی دیگر سخنرانان اینگونه اجتماعات عمومی را راهنمایی و ارشاد فرمودند، نمودار نقش حساس چنین گردهمایی‌های مردمی و ضرورت تشکیل و نقش سازنده آنها می باشد.

اگر سخن گفتن افراد مسئول و آگاه جامعه با مردم موجب نگرانی انحصارطلبان و گروهگرایان می شود، ولی با باب امام و امت که نگران حفظ تداوم انقلاب و ضایع نشدن خون پاک شهدای انقلاب و تلاش همه مجاهدان می باشند، امیدبخش

است .

طبیعی است ایجاد و حفظ روح امید در مردم و وحدت در صفوف ملت چه در شرایط صلح و چه جنگ فقط در خط مستقیم اسلام راستین و تداوم انقلاب امکان پذیر است نه در شرایط انحراف از مسیر انقلاب و سکوت و خفقان .

ستاد برگزاری سخنرانی لازم می داند موارد زیر را با اطلاع مردم دلیر و مبارز تهران برساند :

۱- برای اینکه نمایندگان مردم از سوءالات، نظرات و پیشنهادهای اصولی شما مطلع شوند تلفن شماره ۶۶۲۲۵۹ ستاد از ساعت ۸ صبح تا ۸ شب در اختیار همشهریان عزیز می باشد .

۲- پیرو اطلاعیه شماره دوازدهم کلیه خبرنگاران داخلی و خارجی درخواست می شود بهنگام مراجعه برای اخذ کارت مخصوص خبرنگاران دو قطعه عکس و معرفی نامه مؤسسه متبوع خود را همراه داشته باشند .

۳- از مقامات انتظامی و مقامات مسئول درخواست می شود با پیروی از رهنمودهای امام ، بمنظور برگزاری هرچه با شکوهتر این اجتماع مردمی ، همکاری و هماهنگی لازم را با این ستاد معمول بفرمایند .

ستاد برگزاری سخنرانی چهارنماینده مردم تهران

۵۹/۱۲/۴

بسمه تعالی  
اطلاعیه شماره ۴

سخنرانی چهار نماینده بجای دانشگاه  
در امجدیه برگزار می‌شود

مردم دلیر و مبارز تهران :

همانطور که اطلاع دارید چهارتن از نمایندگان مردم تهران در مجلس شورای اسلامی براساس موافقت شفاهی وزارت کشور، دانشگاه تهران را برای اجتماع مردم در روز پنجشنبه انتخاب کرده بودند تا در سنگر آزادی و مبارزه و پایگاه بیش از ۳۰ سال مبارزات فکری-سیاسی-اجتماعی خود با شماسخن بگویند. متأسفانه امروز وزارت کشور برگزاری این گردهمایی را در محیط دانشگاه به مصلحت ندانست و نمایندگان شما برای رعایت نظر وزارت کشور و تقویت نهادهای جمهوری اسلامی با برگزاری برنامه در محل ورزشگاه امجدیه واقع در خیابان مبارزان موافقت نمودند. لذا برنامه گردهمایی روز پنجشنبه هفتم اسفند ماه بجای دانشگاه تهران در محل ورزشگاه امجدیه در همان

ساعت ۳ بعد از ظهر برگزار خواهد شد .  
ستاد از همه اقشار مردم که در این گردهمایی شرکت  
می‌کنند درخواست می‌کند برای خنثی کردن توطئه دشمنان  
انقلاب ، فرصت طلبان و انحصارگران که نمی‌خواهند نمایندگان  
شما در محیطی آزاد و آرام نظرات خود را پیرامون مسائل انقلاب  
و دردهای ملت بازگو کنند و احتمالاً " در صدد اخلال و برهم  
زدن نظم هستند ، با رعایت کامل دستورات مأموران انتظامی  
برای هر چه باشکوه‌تر برگزار شدن این گردهمایی تلاش و همکاری  
نمایند تا بهانه‌های بدست مخالفان تشکیل اجتماعات آزاد مردمی  
داده نشود و با حضور مردم در صحنه و مشارکت همه اقشار و  
گروههای مسلمان و مؤمن به انقلاب اسلامی ، حفظ و تداوم  
انقلاب امکان پذیر گردد .

سناد برگزاری سخنرانی چهار نماینده مردم تهران

۵۹/۱۲/۵

بسمه تعالی  
اطلاعیه شماره ۵  
ستاد برگزاری سخنرانی ۴ نماینده در امجدیه

مردم آگاه و دلیر تهران:

سخنرانی چهارتن از نمایندگان شما در مجلس شورای اسلامی امروز پنجشنبه در محل ورزشگاه امجدیه و با موافقت وزارت کشور برگزار می شود.

از مقامات مسئول بخصوص پلیس تهران و همه شرکت کنندگان انتظار دایود با هوشیاری و قاطعیت، تمام تلاش خود را برای حفظ نظم و آرامش و هرچه با شکوه تر برگزار شدن این گردهمایی بکار گیرند تا مخالفان حضور مردم در صحنه یعنی دشمنان انقلاب اسلامی، فرصت طلبان و انحصارگران، خلع سلاح گشته و با حضور و مشارکت طبیعی و اصولی مردم در امور، حفظ دستاوردهای انقلاب و تداوم آن امکان پذیر گردد.

ستاد برگزاری سخنرانی ضمن تشکر قبلی از تلاش و همکاری ما موران انتظامی و همه افرادی که ما را در اجرای این برنامه یاری نموده اند انتظار دارد همه شرکت کنندگان موارد

زیر را دقیقاً " توجه و رعایت فرمایند .

۱- شرکت کنندگان از درب جنوبی و جنوب غربی  
امجدیه وارد محیط ورزشگاه می شوند . درب های ورودی ساعت  
۱/۵ بعد از ظهر باز خواهند شد . برای جلوگیری از ازدحام  
بهنگام خروج پس از پایان برنامه کلیه درب ها باز خواهند بود .

۲- شخصیت های مملکتی با ارائه کارت دعوت و مخبرین  
با ارائه کارت مخصوص از درب غربی وارد خواهند شد .

۳- چون خیابان مبارزان حدفاصل بین خیابان طالقانی  
و میدان رضائی ها براساس طرح اداره راهنمایی و رانندگی بروی  
اتومبیل های سواری بسته خواهد بود ، مدعوین و مخبرین با  
ارائه کارت مخصوص از این قسمت عبور خواهند کرد . علیهذا  
ضروری است کارت های مذکور را همراه داشته باشند .

۴- چون قرار است شرکت واحد ، اتوبوس های بیشتری  
را بخصوص برای برگشت جمعیت در خطوط این محدوده بسیج  
نماید انتظار دارد برای جلوگیری از ازدحام و تراکم ترافیک  
حتی المقدور از وسائل نقلیه عمومی استفاده بفرمائید .

۵- از کلیه شرکت کنندگان بخصوص خانمها انتظار  
دارد ضوابط و حجاب اسلامی را کاملاً رعایت بفرمایند .

۶- مسئولیت حفظ نظم با مأموران انتظامی است و  
افراد راهنمای ستاد ، شما راه مخل اجتماع هدایت خواهند کرد .  
انتظار دارد دقیقاً " به دستورات و راهنمایی مأموران توجه  
بفرمائید .

۷- از حمل هرگونه پلاکارت مخصوص گروهی جدا  
خودداری بفرمایند .

۸- در صورت مشاهده اخلاص و بی نظمی و عمل بر -

خلاف مراتب بالا و یا تذاکراتی که از بلندگو اعلام می‌شود، بدون نشان دادن عکس‌العمل مراتب را به افراد راهنمای ستاد و یا مأموران انتظامی اطلاع بفرمایند .

۹- کمکهای اولیه در کنار درب‌های جنوبی ، جنوب غربی و غربی مستقر خواهد بود .

۱۰- محل نگهداری اطفال و یا اشیاء گمشده کیوسک درب غربی خواهد بود .

ستاد برگزاری سخنرانی چهار نماینده مردم تهران

۵۹/۱۲/۶



پیام آیت‌الله پسندیده  
در مورد اجتماع امروز امجدیه

این اطلاعیه از سوی آیت‌الله پسندیده برادر امام در  
مورد اجتماع ۵۹/۱۲/۷ امجدیه انتشار یافت:

بسمه تعالی

خدمت جنابان آقایان دکتر سحابی، مهندس بازرگان،  
دکتر یزدی و مهندس صباغیان، با عرض دعا و سلام چون در  
نظر دارید برای تصور محدودیتهای موجود در مملکت مشکلات  
و عقاید خود را به اطلاع عامه برسانید و متأسفانه دعاگو وقت  
اظهار عقیده صریح ندارم فقط در چند سطر نظر خود را بعرض  
می‌رسانم. "مالا یدرک کله لا یترک کله". چون سالیان دراز است  
به جنابان عالی "علاقه" و "اعتماد" داشته‌ام و در "حق جوئی"،  
"حق گوئی"، "اسلام خواهی" و "وطن دوستی" هیچکدام  
تردیدی ندارم مستدعیم با مطالعه و مذاقه مشکلات مملکت و  
امنیت قضائی و اجرائی و انتظامی و حق تصمیم‌گیری و تفکیک  
قاطع و حقیقی قوای ثلاثه و دخالت‌های ناروای مقامات غیر مجاز

و غیرمسئول و اقدامات و عملیات افراد و جماعات و احزاب را در امور غیرمربوط صاف و ساده و آسان تجزیه و تفکیک نموده حتی نسبت به مسئله پاکسازی ادارات و بالخصوص آموزش و پرورش عطف توجهی مبذول و پس از آن راه‌حلهائی برای رفع مشکلات بدون توجه به نظرات خاص اشخاص یا آگاهیهای خداخواهانه که در نهاد آقایان سرشته است پیشنهاد نموده بدون جبهه‌گیری و اعتراض به صورت شخصی راه اصلاح را بنمایانید .

: امید می‌رود مصادر تصمیم‌گیری زودتر عمل و اقدام مبذول داشته تا گرفتاریها تدریجا " مرتفع و رسیدگی بشکایات عدیده مورد توجه قرار گیرد .

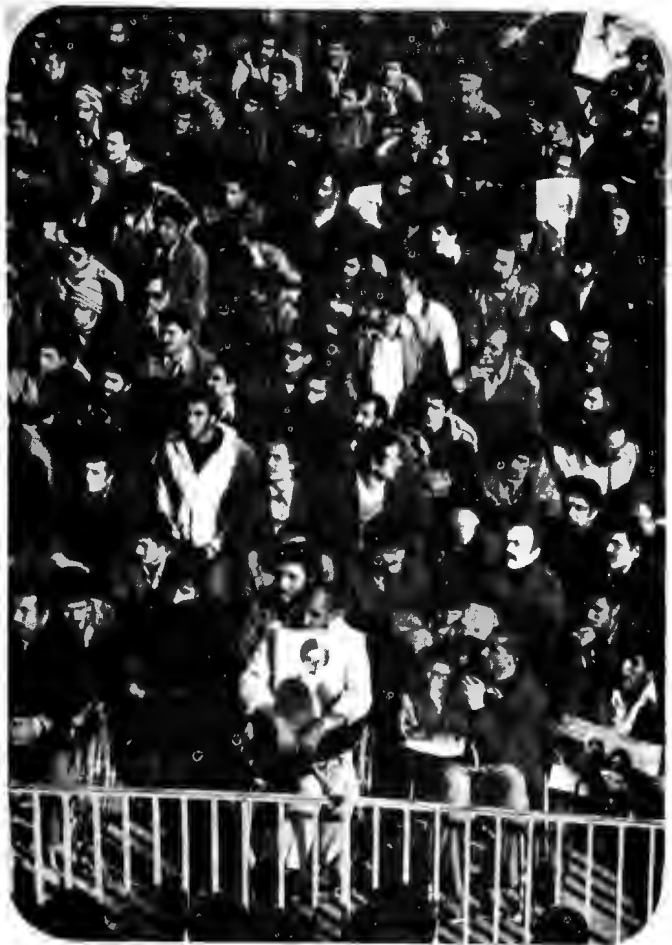
انتظار واقع داریم که وحدت و همکاری برای حفظ اسلام و صیانت مملکت مراعات و انضباط و آسایش برقرار گردد.

والسلام ؎ ایکم

سید مرتضی پسندیده

۵۹/۱۲/۶

گروهی از معلولین انقلاب، این سربازان راستین اسلام، بدعوت  
نمایندگان واقعی خود در اجتماع پرشکوه امجدیه شرکت کردند. و اینک  
عکسهائی از این برادران عزیز و مردم مسلمان و مبارز...





اطلاعیه مهم وزارت کشور  
در مورد اجتماع امروز امجدیه

بسمه تعالی

مواظب باشید در اجتماعات یک دسته اشرار وارد  
نشوند و درگیری ایجاد کنند. (امام خمینی)

نظر به اینکه چهار تن از نمایندگان تهران در مجلس  
شورای اسلامی روز پنجشنبه ۵۹/۱۲/۷ اعلام سخنرانی در  
امجدیه کرده‌اند وزارت کشور جمهوری اسلامی ایران از مردم  
آگاه و مبارز تهران انتظار دارد با هوشیاری و آگاهی جلوی  
هرگونه بی‌نظمی و اغتشاش را بگیرند و مأمورین انتظامی را در  
شناسائی اخلاص‌گران یاری نمایند.

بدیهی است مأمورین انتظامی با قاطعیت و بیداری  
عمل کرده و کسانی را که سعی در برهم زدن اجتماعات و ایجاد  
جو اغتشاش و آشوب داشته باشند دستگیر و به مقامات قضائی  
تحویل خواهند داد.

۵۹/۱۲/۶

## پشتیبانی از مراسم سخنرانی ۴ نماینده مجلس اطلاعیه بازاریان مسلمان و انقلابی تهران

اطلاعیه‌ای از سوی گروهی از بازاریان تهران در پشتیبانی از مراسم سخنرانی ۴ نماینده مجلس انتشار یافت که در آن حمایت و شرکت خود را در مراسم روز پنجشنبه اعلام نمودند. متن اطلاعیه بدین شرح است: در این برهه از زمان که انقلاب اسلامی ایران برهبری امام امت، حضرت آیت‌الله العظمی خمینی، شکل تازه بخود گرفته و جمعی از نمایندگان محترم تهران روز پنجشنبه ۷ اسفندماه ۵۹ ساعت ۳ بعدازظهر در دانشگاه تهران جهت روشن شدن موکلین خود از اوضاع روز دعوتی نموده‌اند، بازار تهران که در کلیه انقلابات از صدر مشروطیت تا بحال در صف مقدم جنبه مبارزات ملت ایران شرکت داشته، باین دعوت نمایندگان تهران لبیک گفته و در این مراسم شرکت خواهد کرد.

قسمتی از شعارهایی که در محوطه امجدیه محل  
برگزاری سخنرانی بچشم می خورد

درود به مردم غیور خوزستان و ایلام و کرمانشاه که از مال و جان خود  
می گذرند و ننگ تسلیم را نمی پذیرند .

نهضت آزادی ایران

آیه الله طالقانی :

همین مردمند که باید حاکم باشند و لاغیر .

نهضت آزادی ایران

حضرت علی (ع)

هیچ ثروت انباشته ای را ندیدم مگر آنکه در کنار آن حقی ضایع شده باشد .

نهضت آزادی ایران

هرگونه اختناق و خفقان و دیکتاتوری و زورگوئی را محکوم می کنیم .

نهضت آزادی ایران

انحصارگری و تنگ نظری قدرت پرستان بزرگترین آفت انقلاب اسلامی است .

نهضت آزادی ایران

هرگونه انحراف از شعار نه شرقی ، نه غربی - جمهوری اسلامی " را محکوم می کنیم .

نهضت آزادی ایران

مردم مسلمان با حضور فعال در صحنه اجازه نخواهند داد که اهداف انقلاب اسلامی دستخوش اغراض انحصار طلبان گردد .

نهضت آزادی ایران

ما خواهان آزادیهای مردم در چهارچوب قانون اساسی هستیم .

نهضت آزادی ایران

مبارزه با امپریالیستهای شرق و غرب تنها با شعار میسر نیست .

نهضت آزادی ایران

انحصار ، اختناق ، ارتجاع ، چپ‌گرا ، آفت انقلاب‌اند .

نهضت آزادی ایران

درود به‌روان پاک آیه‌الله طالقانی- دکتر علی شریعتی و رحیم عطائی ،

یاران مجاهد ما .

نهضت آزادی ایران

ما از کلیه نهضت‌های آزادیبخش که برای رهایی خود از سلطه شرق و غرب

می‌کوشند حمایت می‌کنیم .

نهضت آزادی ایران

مام خمینی :

ما با کمونیسم بین‌الملل بهمان اندازه در ستیزیم که با جهان‌خواران غرب

به‌سرکردگی آمریکا .

نهضت آزادی ایران

صدام باید بداند ملتی که در راه دین و میهن خود از جان می‌گذرد

شکست ناپذیر است .

نهضت آزادی ایران

اجرای کامل قانون اساسی را که خونبهای شهدای انقلاب است خواستاریم .

نهضت آزادی ایران



حفظ و تداوم انقلاب اسلامی بدون حاکمیت قانون و استقرار امنیت امکان

پذیر نیست .

نهضت آزادی ایران

تا تحقق واقعی اهداف مقدس انقلاب "استقلال-آزادی، جمهوری اسلامی"

نهضت ادامه دارد .

نهضت آزادی ایران

*لا اکراه فی الدین قد تبین الرشد من الغی* : اکراه و اجباری در دین نیست،

راه هدایت از ضلال بر همه کس روشن است .

*انما المؤمنون اخوه فاصحبوا بین اخویکم و اتقوا الله لعلکم ترحمون* : ایمان

آوردگان همه برادر یکدیگرند پس همیشه بین برادران خود اصلاح کنید و از خدا

پروا بگیرید تا مورد لطف و رحمت او گردید .

*یا ایها الذین آمنوا ان جائکم فاسق بنیا فتبینوا ان تصیبوا قوما "بجهاله*

*فتصبحوا علی ما فعلتم نادمین* : ای گروه مؤمنان هرگاه فاسقی برای شما خبری آورد

صحت آنرا تحقیق کنید مبادا بنادانی بر اساس لحن چنین فاسق قومی را مصیبت

اندازید و بعداً " سخت پشیمان شوید .

*الذین یبلغون رسالات الله و یخشونه ولا یخشون احدا " الا الله و کفی*

*بالله حسیبا* " : آنانکه پیامهای خدا را می‌رسانند و از او می‌ترسند و جز از او از

احدی بیم ندارند و خدا بحسابگری کافیست .



بخش دوم

سخنرانیها



الَّذِينَ يَبْلِغُونَ سَأَلَ اللَّهِ

وَيَخْشَوْنَ وَلَا يَخْشَوْنَ أَحَدًا إِلَّا اللَّهَ

وَكَفَى بِاللَّهِ حَسِيبًا

سورة احزاب آية ٣٩ -

کنیکه پیاپی حُرث انزل امرتند

وارز او میترسند و از احدی بجز خدا بیم ندارند

و (آنها) خدا و حسابگر کافر است.

## بسم الله الرحمن الرحيم

با سلام بر همه شهیدان راه خدا از هابیل تا طفل ۱۲ ساله اهوازی، و درود بر رزمندگان جان برکف اسلام که مردانه در مقابل متجاوزین بعثی پایداری می‌کنند و برای ایران و ایرانی افتخار می‌آفرینند، و با سلام به امام رهبر خردمند انقلاب.

امروز در این اجتماع عظیم صحبت مردانی است که در شرایط حساس کنونی که جو اختناق و خفقان سایه منحوس خود را بر اندیشه و قلم و سخن انداخته است، بیاری خدا سکوت را می‌شکنند و با شما مردم که آنها را به نمایندگی خود برگزیده‌اید لب به سخن می‌کشایند. مردانی که نه سرنیزه قداره بندگان طاغوت به سکوتشان واداشت و نه امروز چماق بدستان حرفه‌ای صدای عدالت خواهی آنها را خاموش تواند کرد.

امروز این اجتماع شما مردم آزاده نشانگر تائید نمایندگان آزاده شما در مجلس شورای اسلامی است. درود به شما مردم آزاده، درود به شما عاشقان اسلام راستین. بیایید همه با هم چون بنیان مرصوص در یک صف درآئیم و تا تحقق آرمانهای آزادی بخش انقلاب اسلامی از پا ننشینیم، بگذار امروز روز عطفی در تاریخ نوپای انقلاب اسلامی ایران باشد بگذار همه با هم امروز نوای آزادی سردهیم و به استقلال وطن کوشیم و جمهوری اسلامی را از انحراف و انهدام

باز داریم .

قبل از آغاز سخنرانیها بهآیاتی از کلامالله مجید گوش فرادهید .





يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ حَقَّ تَقَاتِهِ وَلَا تَمُوتُنَّ إِلَّا وَأَنتُمْ مُسْلِمُونَ.

وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا وَاذْكُرُوا نِعْمَتَ اللَّهِ

عَلَيْكُمْ إِذْ كُنْتُمْ أَعْدَاءً فَأَلَّفَ بَيْنَ قُلُوبِكُمْ فَأَصْبَحْتُمْ

بِنِعْمَتِهِ إِخْوَانًا وَكُنْتُمْ عَلَى شَفَا حُفْرَةٍ مِنَ النَّارِ فَأَنْقَذَكُمْ مِنْهَا

كَذَلِكَ يَبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ آيَاتِهِ لَعَلَّكُمْ تَهْتَدُونَ.

وَلْتَكُنْ مِنْكُمْ أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ وَيَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ

وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ.

وَلَا تَكُونُوا كَالَّذِينَ تَفَرَّقُوا وَاخْتَلَفُوا مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَهُمُ

الْبَيِّنَاتُ وَأُولَئِكَ لَهُمْ عَذَابٌ عَظِيمٌ.

آيات ١٠٢ الى ١٠٥ (سورة آل عمران)

ای کسانی که ایمان آورده‌اید از خدا پروا گیرید بدانسان که شایسته اوست  
و از دنیا نروید مگر اینکه مسلمان باشید .

همه بر بسمان خدا جنگ زنید و پراکنده نشوید و بیاد آورید نعمت‌های  
خدا را بشما وقتی که شما دشمن همدیگر بودید . و خدا بین دلهای شما آنچه  
الفت انداخت که به نعمت آن برادر یکدیگر شدید در صورتیکه قبل از آن در پرتگاه  
آتش بودید و خدا شما را نجات بخشید بدینسان خدا آیات خود را بر شما بیان  
می‌کند باشد سعادت هدایت یابید .

بگذار از شما مسلمانان برخی که داناترند خلق را بخیر و صلاح دعوت  
کنند و به نیکی‌ها بخوانند و از تباهیها باز دارند و حقیقت که این رهروان هدایت  
رستگارانند . و همچون مللی نباشید که پس از آنکه آیات بینات خدا برای هدایت  
آنها آمد راه تفرقه در پیش گرفتند و باهم اختلاف پیدا کردند پایان کار چنین  
مردمی عذابی سخت خواهد بود .



مرفی آقای دکتر سحابی :

این مظهر شجاعت و پایداری و مرد تقوی و عمل مجاهد خستگی-  
ناپذیر، از بنیان گذاران نهضت آزادی ایران جناب آقای دکتر سحابی با  
شما سخن می گویند .

شعار: درود بروان پاک شهیدای انقلاب  
که با خون خود نهال آزادی را  
را آبیاری کردند .



## بسمه تعالی

### دکتر یدالله سبحانی

دکتر یدالله سبحانی در سال ۱۲۸۴ هجری شمسی در تهران متولد شد. دروس ابتدائی را در دبستانهای "شرف"، "احمدی" و "اتحادیه" و تحصیلات متوسطه را در مدارس "شرف"، "دارالفنون" و سپس در "دارالمعلمین مرکزی" که از مدارس بسبک جدید و بریاست مرحوم میرزا ابوالحسن خان فروغی اداره می شد در سال ۱۳۰۴ به پایان رساند.

با افتتاح "دارالمعلمین عالی" در سال ۱۳۰۷ که بعداً بنام "دانشسرای عالی" موسوم گشت، باین مؤسسه وارد گردید و دره ۱۳۱ در رشته علوم طبیعی با رتبه اول بدرجه لیسانس نائل شد و پس از یکسال تدریس در دبیرستانهای تهران، جزو محصلین ممتاز اعزامی دولت بفرانسه عزیمت نمود و در دانشگاه لیل (Lille) به تکمیل تحصیلات پرداخت و پس از ۴/۵ سال موفق بدریافت درجه دکترا در زمین شناسی گردید.

## سوابق خدمات فنی و فرهنگی

دکتر سحابی خدمات فرهنگی خود را با سمت دانشیاری در رشته زمین شناسی در دانشگاه و دانشسرای عالی تهران شروع کرد و پس از ۵ سال بمقام استادی رسید و بمدت ۲۶ سال این وظیفه را ادامه داد. او از جمله استادان معدودی است که از مقام ساده آموزگاری بخدمت استادی رسیده است. سحابی بکار معلمی عشق میورزد و از صاحب نظران در تعلیم و تربیت است. ایشان مدتها عضو شورای عالی فرهنگ سابق بوده و مساعی فراوانی برای اصلاح دستگاههای تربیت معلم کشور کرده است که از نظر دست اندرکاران آموزش کشور دور نمی باشد.

خدمات فرهنگی دکتر سحابی منحصر بخدمت تعلیمات او در دانشگاه نبوده بلکه در تعلیمات عمومی و ملی کشور تلاش بسیار داشته است. ایجاد دبیرستان "کمال" نارمک که بمدت ۱۵ سال در خدمت تعلیم و دین دائر بود و در سال ۱۳۵۲ بعنوان مرکز تبلیغ ضد رژیم تعطیل گردید، همچنین آموزشگاه ملی تربیت معلم تعلیمات دینی که بمدت ۱۶ سال با افاده کامل برقرار بوده و در سال ۱۳۴۷ بدستور ساواک تعطیل شد. در مسائل فنی و علمی نیز دکتر سحابی بخاطر مطالعات گسترده ای که در زمین شناسی و خصوصا "آبهای زیرزمینی در نقاط مختلف کشور دارد توانسته است منشاء خدماتی در حفر قنات و چاههای عمیق و چاههای آرتزین شود که امروزه بهره برداری چشمگیری از آنها می شود.

## سوابق سیاسی و مبارزاتی

دکتر سحابی از رجال سرشناس مؤمن و ملی است و

استقامت و خدمات او در راه دین و حصول آزادی بر مسلمانان راستین و آزادگان پوشیده نیست. ایشان از یاران همگام و هم مسلکان با وفای مهندس مهدی بازرگان در خدمات دینی و فرهنگی و مبارزات ملی می باشد که تلاش سیاسی خود را همراه نامبرده پس از کودتای ننگین شاه و عمال خائن داخلی و خارجی او در ۱۳۳۲ و سقوط حکومت ملی مرحوم دکتر مصدق شدت داد و در دوران بعد از کودتا که سکوت و خفقان همه جا را فرا گرفته بود، وی مشارکت در تأسیس نهضت مقاومت ملی (تنها سازمان سیاسی نیمه مخفی موجود تا سالها بعد) و بنیانگذاری نهضت آزادی ایران در همکاری با جبهه ملی ایران داشت. در اول بهمن ۱۳۴۱ قبل از رفراندوم کذائی ۶ بهمن، دکتر سبحانی همراه با سایر رهبران نهضت آزادی و جبهه ملی ایران دستگیر شد و به ۶ سال زندان محکوم گردید و در سختی های زندانهای تهران و تبریز استقامت و شایستگی اسلامی و انسانی ارزنده ای از خود نشان داد.

### آثار قلمی

دکتر سبحانی در مسائل علمی و اجتماعی و اسلامی صاحب تألیفات متعددی بصورت کتاب، مقاله و گزارش می باشد. یکی از آنها کتاب "خلقت انسان" است که پیوستگی سلسله موجودات و انسان را با استفاده از آیات و نصوص نشان می دهد و این کتاب بکرات تجدید چاپ شده و مورد استقبال فراوان دانش پژوهان قرار گرفته است.

امام خمینی در تاریخ ۱۹ صفر ۱۳۹۹ ( ۲۹ دیماه ۱۳۵۷) طی پیامی کتبی از ایشان می خواهند که اعتصابات

مردمی کشور را تنظیم و تقویت نمایند تا هرگونه مقاومت رژیم در مقابل ملت بپاخاسته ایران درهم شکند .

دکتر سبحانی این نقش حساس و خطیر را با اتکاء به ایمان و عمل، آنچنان بشایستگی ایفاء می نماید که سخت ترین ضربات برپیکر رژیم استبدادی وارد می گردد ، و ناراحتی ها و مشکلاتی که در زندگی مردم در اثر اعتصابات بوجود آمده بود به حداقل تقلیل می یابد .

پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران ، آقای مهندس مهدی بازرگان نخست وزیر دولت موقت جهت جلب مشارکت کلیه مردم در تدوین سیاستهای دراز مدت توسعه و تکامل (اقتصادی- اجتماعی- فرهنگی- قضائی- کالبدی ) کشور و شریک کردن مردم در طرح ریزی و سپس ساختن "خانه خود" شورای عالی طرحهای انقلاب را تشکیل دادند .

آقای دکتر یدالله سبحانی با سمت وزیر مشاور در طرحهای انقلاب از متخصصان و کارشناسان جهت اظهار نظر در مورد سیاستهای درازمدت جمهوری اسلامی دعوت به همکاری بعمل آوردند . بیش از ۲۴۰ نفر از اساتید محترم دانشگاهها ، متخصصان و کارشناسان متعهد ، دانشمندان ، صنعتگران و کشاورزان با ایمان بخشهای مختلف مملکتی با کمال علاقه و دلسوزی و ایمان به انقلاب اسلامی ایران و بطور افتخاری این دعوت را پذیرفتند و با صرف ۷۸۰۰ ساعت وقت و نهایت صداقت آقای دکتر سبحانی را برای انجام این امر مهم یاری نمودند که ثمره این تلاشها و کوششهای خستگی ناپذیر گزارش نهائی "سیاستهای توسعه و تکامل جمهوری اسلامی" در ۲۲۵ صفحه است ، با رهنمودهایی برای مرحله زمانی کوتاه مدت ( ۲



ساله) و میان مدت (۸ تا ۱۲ ساله) و دراز مدت (۱۲ تا ۱۶ ساله) و بیان چگونگی انتقال از جامعه کنونی و رسیدن به جامعه اسلامی.

بپاس خدمات صادقانه و نقش ارزنده‌ئی که دکتر یدالله سحابی در پیروزی انقلاب اسلامی و دوران سازندگی جمهوری داشت مردم حقشناس تهران او را بنماینده‌گی مجلس شورای اسلامی برگزیدند و سپس با تائید نمایندگان محترم، ریاست سنی خانه ملت را عهده‌دار گشت.



پیام قائد بزرگ اسلام امام خمینی دام‌ظله  
به مناسبت تشکیل کمیته اشراف بر اعتصابات - ۱۹ صفر ۱۳۹۹

بسم الله الرحمن الرحيم

جناب آقای دکتر یدالله سبحانی ، بطوریکه اطلاع دارید ملت مسلمان و غیور ایران و جمع کثیری از کارمندان و کارگران در استخدام دولت به منظور درهم شکستن مقاومت لجوجانه نظام استبدادی کهن از چهار ماه قبل باین طرف با قبول انواع محرومیتها و فداکاریها دست با اعتصابهای عمومی زده و تدریجا " قدرت عمل را از شاه مخلوع و دولتهای زیر فرمانش گرفته‌اند ، رجاء واثق داریم که بفضل الهی و به‌همت مبارزین آگاه بساط ننگین فساد و ظلم شاهنشاهی به زودی از سرزمین ما برچیده شده جای خود را به حکومت عدل و رحمت اسلامی می‌دهد .

نظر باینکه بعضی از اعتصابها و متوقف بودن وسائل حمل‌آذوقه و مواد غذایی مورد نیاز مردم خصوصا " گندم و یا تعطیل برنامه‌های نگهداری و تعمیرات دستگاههای صنعتی

ممکن است سبب محرومیت‌های مشقت‌بار و فلج‌کننده برای مردم زیر ستم یا رکود فعالیت‌های اقتصادی و سبب خسارت‌های غیر قابل جبران گردد و نیز دستاویز تبلیغاتی و حربه جنگی به دست حریف بدهد باید سعی شود که ضمن ابراز انزجار و بزانو درآوردن دستگاه غاصب حاکم که هدف اصلی اعتصاب است زیان‌های ناشی کمتر متوجه ملت شجاع و مردم بیداری که سربازان این کارزار می‌باشند گردد.

بدین وسیله به جناب‌عالی مأوریت داده می‌شود که به اتفاق جناب آقای حجت الاسلام آشیخ محمد جواد باهنر و جناب آقای مهندس علی اکبر معین فر و دونفر دیگر که با مشورت آقایان تعیین خواهید کرد هیئتی برای تقویت و تنظیم اعتصابات تشکیل دهید، این هیئت با کسب نظر و همکاری گروه‌های شرافتمند در حال اعتصاب تدابیر و ترتیباتی اتخاذ نمایند که تا سقوط نهائی نظام استبدادی حاضر اعتصابها در حد ضرورت ادامه یافته و ضمن حداکثر فشار بر دستگاه غاصب حداقل خسارت را برای ملت و مملکت در زمینه‌های احتیاجات ضروری و گردش چرخ‌های اقتصادی و حفظ سرمایه‌های انسانی و صنعتی با رعایت الهم فی الهم فراهم آورد. از عموم اعتصاب‌کنندگان محترم تشکر می‌کنم. والسلام علیکم ورحمت‌الله

روح الله الموسوی الخمینی

به‌هنگامیکه آقای دکتریدالله‌سحابی پشت تریبون قرار گرفتند مردم  
چنین شعار می‌دادند . ( درود برخمینی - سلام برسحابی )

بسم الله الرحمن الرحيم

قل انما اعطکم بواحدہ ان تقوموالله مثنی و فرادی . . .  
سپاس خدای سبحان را بجا می‌آوریم که در کشاکش مشکلات و علیرغم  
خطرات ، کشور ما را محفوظ و ملت بهاخاسته ما را مرهون عنایات بی‌پایان خود قرار  
داده است و از درگاه پرکرمش توفیق و نصرت سپاهیان و پاسداران و مبارزان اسلام  
را که با فداکاری و جانبازی در حفظ حدود و ثغور مملکت و مقابله با متجاوزان خارجی  
و دشمنان داخلی می‌کوشند استدعا می‌کنیم و باز از پیشگاه سراسر رحمتش مسئلت  
می‌نمائیم که نعمت وحدت و الفت و گذشت را بما بازگرداند و ملت و مذهبمان را  
در جمهوری اسلامی با رهبری صدق امام عزیز موفق و محفوظ بدارد . ( آمین ، توسط  
اجتماع کنندگان ) اینک خواهش می‌کنیم که قیام فرمائید و برای شادی روح و مغفرت  
شہیدان راه وطن فاتحہای قرائت نمائید . ( سه‌بار تکبیر توسط اجتماع کنندگان پس  
از قرائت فاتحہ )

همشهریهای مبارز و موکلین محترم ، از اینکه امروز دعوت ما چهار نفر نمایندگان  
مجلس و اعضاء نهضت آزادی ایران را پذیرفته و برای استماع سخنانمان به اینجا

تشریف آورده‌اید کمال امتنان را اظهار می‌داریم و از اینکه پس از یکسال که از شروع انتخابات تهران می‌گذرد و فرصت دیدار شما حاصل شده است جا دارد که نسبت به عنایت و حسن ظنی که بما داشته‌اید و ما را بنمایندگی خود در مجلس مفتخر نموده‌اید شکر و سپاس فراوان تقدیمتان نمائیم .

در تقسیم وظائفی که با دوستان راجع به صحبت امروز داشته‌ایم و در سهمی که برای سیاست‌گذاری و ذکر کلیات بعهده من محول شده است ناچارم که مقدمتاً " و خارج از موضوع وظیفه مطلبی را اضافه کنم و آن عذرخواهی از شما و ابراز تأسفاز تصمیم دولت و مجریان امر است که محل برگزاری دیدار ما را از دانشگاه تغییر داده‌اند و ما را از صحبت با شما در محلی که قریب سی سال به خدمت تعلیم در آن مشغول و از بنیانگزاران علمی آن مؤسسه بودیم محروم ساخته‌اند! "

ما به صحبت در دانشگاه علاقمند بودیم چون آنجا را محلی روحانی و خانه معنوی خود می‌دانیم و این دل‌بستگی نه فقط از نظر علمی بلکه بیشتر از جنبه‌های دینی و عقیدتی است زیرا ما اول کسانی بودیم که با خفقان استبدادی و جو ضد دینی دوره سیاه پهلوی ، اسلام را عملاً " در سیستم تعلیماتی خود پیاده کردیم و از پیوند علم و دین در آن محیط نناجیح چشمگیری در مقابله با افکار الحادی و ایجاد هسته‌های مقاومت در جلو ظلم و فساد طاغوتی بدست آوردیم و آرزو مندیم که این مرکز با احراز کامل مقام معنوی و حقیقی خود ، علاوه بر نقشی که در سازندگی علمی و فنی کشور و بر مبنای اسلامی خواهد داشت ، الهام دهنده رفع مشکلات سیاسی و اجتماعی مملکت نیز باشد . در هر حال از اینکه توفیق دیدار شما را در دانشگاه از ما سلب نمودند ، چون سرستیز نداریم ، بناچار اظهار تأسف عمیق می‌نمائیم .

یکی از موضوعهائی که باید با استحضارتان برسانم اینکه صحبت مایکطرفه است، یعنی گزارشی اجمالی است که از عملکرد هشت ماهه نمایندگی خود بعرض موکلین می‌رسانیم . ضمناً " این گزارش، توضیح و پاسخ به پاره‌ای از پرسشهاست که هموطنان ما در قبال رویدادها و حوادث جاری مملکت و یا مشکلات اجتماعی نموده‌اند و در چنین دیدار مطلقاً " قصد تحریک نسبت به مسئولان مملکت و یا انتقاعهای خصوصی

نمی‌باشد .

تعبیرات و تبلیغات سوء و بناحقی که از طرف افراد و یا جماعات مغرض و یا بی‌اطلاع و از جمله تعبیر زشت و ناپسندی که پیروز بعد از ظهر در رادیو تهران راجع به برگزاری این دیدار نموده است و آنرا وسیله تحریک برای سقوط دولت و بهره‌گیری برای اشغال صدارت مملکت معرفی کرده است بکلی بی‌اساس و دور از حقیقت است و هرگز با روحیه و طرز فکر ما انطباق ندارد .

ما در این دیدار بقدر مقدور جز حق‌گوئی و حق خواهی و روشنگری و چاره‌اندیشی نسبت بوضع آشفته و خطرناک موجود وطن نظری نداریم و تعبیرهای ناصواب را دور از شأن دینی و ملی و اجتماعی خویش می‌دانیم . از این جهت از حاضران محترم تقاضا داریم که سکوت و کمال متانت و آرامش را در استماع صحبت‌ها رعایت فرمایند و در مدت قریب دو ساعت که قرار است این اجتماع بطول انجامد، امکان ایجاد تشنج و تحریک را از بدخواهان و فرصت‌طلبان سلب نمایند .

اما انگیزه دعوت و موضوع دعوتنامه - بنا بر مبنای حقوق اجتماعی و آزادی و بنا باصل ۸۴ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، که هر نماینده در برابر ملت مسئول است و حق دارد در همه مسائل داخلی و خارجی کشور اظهار نظر نماید ، تماس و صحبت با شما مردم و موکلین محترم تهران و بیان حال از وضع مملکت حق طبیعی و مسلم و متقابل ما و شما می‌باشد. بنا بر این استعجاب و نگرانی بعضی افراد و مقامات که برای چه در این موقع بحرانی مملکت ، اقدام به چنین دیدار شده است بیمورد می‌باشد و از اینکه در دعوتنامه ذکر محدودیت‌هایی در مجلس شده است این توضیح لازم میباشد که در مجلس شورای اسلامی در روابط فردی ما با سایر نمایندگان و با کوششی که در حفظ حدود و مراتب اخلاقی می‌شود ، احترام متقابل برقرار است. اما از نظر جمعی و طبقه شورائی ، نمایندگان اقلیت از آزادی کامل برخوردار نمی‌باشند . چنین محدودیت‌ها بعضاً " فرع مقررات و آئین نامه اجرائی مجلس از قبیل عدم امکان وسیع و سریع در نطق‌های قبل از دستور و یا اظهار نظر به موقع و دلخواه در طرح لوایح است. اما قسمت دیگر در توقف و گرفتگی‌ها و برعکس

تصریحی که آقای هاشمی رفسنجانی رئیس مجلس در مصاحبه خود در انکار وجود محدودیت برای نمایندگان اقلیت نموده‌اند، نسبت بنظریات نمایندگان اقلیت در مجلس شورای اسلامی توجه کاملی نمی‌شود و محدودیت‌های اعمال می‌گردد. ذکر شواهد و نمونه‌های این محدودیتها موردی ندارد اما عنداللزوم و بموقع و بطور خصوصی بریاست مجلس و یا در جلسه علنی با حضور نمایندگان بیان خواهدگردید. و نیز راجع بموانع و تبعیضاتی که در رادیو و تلویزیون در پخش صحبت و نظریات نمایندگان اقلیت اعمال می‌شود و در دعوتنامه اشاره‌ای بآن شده‌است، تصدیق و قضاوت را از موکلین محترم باید استفسار کرد که تاکنون چندبار و تا چه حد انتقادات و تذکرات نمایندگان اقلیت مجلس شورای اسلامی را بطور مشروح و عادی از صدا و سیمای ایران شنیده و یا دیده‌اید؟! - ربنا آتنا من لدنک رحمه و هیئتی لنا من امرنا رشد .

والسلام علیکم ورحمة الله و برکاته



دکتر سحابی - مهندس بازرگان - صدر حاج سید جوادی - دکتر یزدی - مهندس صباغیان -  
محمد مهدی جعفری - محمد جواد رجائیان - مهندس کتیرا ائی - در مراسم سخنرانی هفتم اسفند.





مهندس معین فر- دکتر رضا صدر- دکتر توسلی- بدیع زادگان- تهرانچی





معرفی آقای مهندس بازرگان :

برادران و خواهران عزیز ، چریک پیر ، افتخار ایران ، پایه‌گذار  
حرکت‌های اسلامی روشنفکران ، لبیک‌گوی امام چه در دوره اختناق و چه در  
دوره سازندگی انقلاب ، مبارز نستوه بازرگان از بنیان‌گذاران نهضت‌آزادی  
ایران سخن می‌گوید .

شعار : درود بمردم غیور خوزستان و  
ایلام و کرمانشاه که از مال و جان  
خود می‌گذرند و ننگ تسلیم را  
نمی‌پذیرند .



## بسمه تعالی

### مهندس مهدی بازرگان

مهندس مهدی بازرگان ، دانشمند اسلام شناس و مبارز آگاه و اولین نخست وزیر که در تاریخ طولانی کشور ایران ، فرمان نخست وزیری خود را نه از شاه بلکه از رهبر و امام امت دریافت کرده است ، زندگی پرفراز و نشیبی دارد . در رویارویی و پیکار مستمر با ظلم و بیدادگریهای رژیم گذشته رنجها و محرومیت های بسیاری را متحمل گردیده است . بازرگان در سالهایی که اختناق بر سراسر شئون زندگی مردم حکمفرمایی می کرد با کمال شجاعت و شهامت فریاد اعتراض خود را علیه رژیم بلند کرد و بارها بخاطر آزادیخواهی و اعتراضاتی که علیه آن دستگاه ظلم و جور می نمود بزندان افتاد . مهندس بازرگان در جواب کسانی که با او توصیه می کردند با دست خالی و یاران معدود نمی توان مبارزه کرد می گفت "گرفتار شدن در این زندانهای تاریک لااقل این فایده را خواهد داشت که سالها بعد وقتی فرزندان ما تاریخ را ورق می زنند نخواهند گفت پدران ما آدمهای

بزدل و ترسوئی بودند و در میان تاریکی و ظلمتی که دودمان پهلوی بر سراسر این مرز و بوم گسترده بودند هیچ صدائی، هیچ مبارزه‌ای و هیچ مخالفتی وجود نداشت... وجود ما در زندانها روزنه‌ایست در قلب این تاریکی..."

مروری کوتاه در زندگی پرتلاش و مبارزات مهندس بازرگان ما را با اخلاق و روحیات و خط مشی این چهره درخشان نهضت اسلامی که در مرحله‌ای فوق‌العاده دشوار از تاریخ این مرز و بوم بعنوان اولین نخست‌وزیر منصوب امام خمینی، سکان کشتی طوفانزده جامعه را بدست گرفت آشنا می‌کند؛ که برای تشریح بیشتر آنرا در چهار مرحله بیان می‌کنیم:

### مرحله اول: دوران سازندگی

مهندس بازرگان در سال ۱۲۸۷ هجری شمسی در خانواده‌ای مذهبی بدینا آمد. پدرش حاج عباسقلی بازرگان از افراد سرشناس و خیر و روشنفکر متعهد زمان خود بود و با مرحوم حجة الاسلام سید ابوالحسن طالقانی (پدر مرحوم آیت الله سید محمود طالقانی) مراد و همکاری نزدیک داشت، و باتفاق یکدیگر بنیانگذار مجالس سخنرانیهای دینی به سبک جدید و عهده‌دار تبلیغ اسلام در نسل جوان گردیدند. بازرگان تحصیلات ابتدائی خود را در مدرسه سلطانی و تحصیلات متوسطه را در دارالمعلمین مرکزی که از اولین مدارس به سبک جدید بود به پایان رسانید و پس از خاتمه تحصیلات در سال ۱۳۰۶ شمسی برای ادامه تحصیلات همراه محصلین ممتاز اعزامی دولت، به کشور فرانسه رفت.

بازرگان ضمن تحصیل در کشور فرانسه، به بررسی

زندگی اجتماعی فرانسویان پرداخت و ملاحظه آزادیهای اجتماعی و وسائل رفاهی و آسایش آن مردم در مقایسه با مردم کشور ایران که در آن زمان از وسائل و آزادیهای اولیه زندگی نیز محروم بودند وی را به تفکر و اندیشه و پیدا کردن تناقضها و یافتن راه حلهای لازم واداشت. بازرگان علیرغم تمدن و پیشرفتی که مشاهده می‌کرد، برای اسلام و مسلمانان و ایرانیان قائل به شخصیت و ابتکار و خلاقیت بود و بهمین دلیل اولین نطق خود را تحت عنوان "مقلد نباشیم" در مقابل گفته‌های یکی از روشنفکران آن زمان که گفته بود ملت ایران برای پیشرفت بایستی سرتاپا مقلد غرب باشند، برای دانشجویان ایرانی مقیم فرانسه در سال ۱۳۰۶ ایراد نمود. و از این رو می‌توان او را از اولین مبارزین علیه غرب زدگی دانست.

مهندس بازرگان پس از تحصیلات در رشته ترمودینامیک در سال ۱۳۱۳ با آرزوی خدمت به مردم به ایران بازگشت. پس از پایان خدمت نظام وظیفه در سال ۱۳۱۵ بعنوان دانشیار در دانشکده فنی به کار مشغول شد. در سال ۱۳۱۹ با سید محمود طالقانی در کانون اسلام آشنا شد و دوران جدیدی در زندگی او آغاز گردید که باید آنرا دوران جدیدی در تجدید حیات اسلام نام گذاشت. دوستی و همکاری در فعالیتهای مذهبی و تفاهم سیاسی که میان بازرگان و طالقانی از این روزها و در کانون اسلام آغاز شد برای همیشه پایدار ماند و علیرغم بعضی جدائیهای اجباری این دو چه در میدان مبارزه و چه در گرفتاریهای ساواک و زندان و... همراه و همگام یکدیگر بوده‌اند. خود او در این باره می‌گوید " ... من و آیت‌الله طالقانی به ارث و عقیده چنین تربیت شده‌ایم که به موازات وظیفه فردی و وظیفه

خانوادگی، خدمت اجتماعی و اسلامی را نیز جزء برنامه خود بدانیم. مسافرت به اروپا و مطالعات آنجا ضرورت این طرز تفکر را در بنده تقویت کرد..."

این ضرورت بود که او را به همکاری فعال با کانون اسلام و تأسیس انجمن اسلامی دانشجویان و درکنار آن تأسیس کانون مهندسین (۱۳۲۱) و کوشش برای آمیختن مذهب با تکنیک و فنون جدید کشاند.

### مرحله دوم: دوران دکتر مصدق یا آغاز فعالیتهای سیاسی

در سالهای ملی شدن صنعت نفت با اینکه او مردی نبود که در زمینه‌های سیاسی فعالیت زیادی داشته باشد، مرحوم دکتر محمد مصدق او را برای یکی از مهمترین پستهای تاریخی یعنی نخستین مدیر شرکت ملی شده نفت ایران برگزید. بازرگان این مأموریت بزرگ را صادقانه و صمیمانه به انجام رساند، بی آنکه پس از آن توقع مقامی داشته باشد. هنگام کودتای ننگین ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ و سقوط حکومت مردمی دکتر محمد مصدق، سرپرستی سازمان آب تهران را بعهده داشت و چون دولت کودتا استفاده از نام نیک و اطلاعات فنی او را مایه آبرومندی خود می‌شمرد، بازرگان نمی‌توانست خاموش بماند و چون دیگ بر آتش باشد و بجوشد. بنابراین بخاطر امضای نامه‌ای اعتراض آمیز علیه انتخابات غیرقانونی مجلس از سازمان دولتی کنارجداره شد (بهمن ۱۳۳۲).

از این پس بازرگان وارد فعالیتهای سیاسی شد و با قاطعیت در جناح تندرو جبهه ملی مبارزه بی‌وقفه‌ای را آغاز نمود و همراه با دانشجویان مبارز دانشگاه به فعالیتهای مستمر



سیاسی وارد گردید . پس از سقوط مصدق ، دانشگاه و بازار تهران دو کانون متفاوت بودند که مردم را به ایستادگی در برابر نظامیان تشویق و ترغیب می نمودند و مهندس بازرگان ، استاد محبوب دانشکده فنی ، همراه یاران دانشگاهی و مذهبی خود چون مرحوم طالقانی ، آیت الله زنجانی ، دکتر سحابی و مرحوم رحیم عطائی وارد میدان شد و نهضت مقاومت ملی را پایه گذاری نمود .

معلم بزرگ ، مرحوم علی شریعتی که بعدها از سخنوران و نویسندگان مشهور مذهبی و اجتماعی شد در آن زمان همراه پدرش استاد تقی شریعتی نهضت را در مشهد اداره می کردند . آقای احمد صدر حاج سید جوادی نیز این حرکت را در قزوین هدایت می نمود و تعدادی دیگر از شاگردان بازرگان چون معین فر ، کنیرائی ، عزت اله سحابی ، طاهری قزوینی و یزدی نیز در نهضت فعالیت می نمودند و در پی این هدف بودند تا همه هواداران دکتر مصدق و مخالفان رژیم استبدادی پس از او را در یک جبهه متشکل کنند .

در آذر ۱۳۳۲ ، هنگام مذاکرات با کنسرسیوم نفت ، بازرگان و ده تن از استادان دانشگاه نامه اعتراضی به کمیسیون نفت مجلس فرستادند که باعث شد همگی آنان از دانشگاه اخراج گردند .

در سال ۱۳۳۳ چاپخانه مخفی نهضت مقاومت ملی کشف شد و بازرگان و سحابی و چند تن دیگر دستگیر و زندانی شدند . این نخستین بار بود که بازرگان به زندان می افتاد . او به مدت ۸ ماه در زندان لشکر ۲ زرهی محبوس ماند و در همین زندان بود که کتاب معروف " عشق و پرستش " را برشته تحریر در آورد .

نهضت مقاومت ملی مبارزه خود را بهمین شیوه تا سال ۱۳۳۹ ادامه داد و دو هدف اصلی را پیگیری می نمود: اول، زنده نگهداشتن روحیه مقاومت در مردم؛ دوم، جلوگیری از سازش سران جبهه ملی با دولت‌های برگزیده شاه و با همین هدف مانع شرکت الهیار صالح و رهبر حزب ایران و چند تن دیگر در دولت حسین علاء شدند.

در اردیبهشت سال ۱۳۴۰ بازرگان، مرحوم آیت الله طالقانی و دکتر یدالله سجابی نهضت آزادی ایران را، که یک سازمان سیاسی اسلامی بود، بوجود آوردند.

خود بازرگان درباره تأسیس نهضت آزادی ایران چنین می گوید: "جبهه ملی ایران همانطور که از اسامش پیداست جبهه بود، یعنی اجتماع و اتحادی از واحدها یا مکتب‌های اجتماعی و بعضی افراد شاخص که دارای مقصد مشترک استقلال کشور و آزادی ملت بودند، ولی مقصد مشترک داشتن ملازم محرک مشترک داشتن نیست. چنین انتظاری نباید داشت. محرک بعضی ممکن است ناسیونالیسم، بعضی دیگر عواطف انسانی یا تعصبات نژادی و محرک بعضیها مثلاً "سوسیالیسم" باشد... جبهه ملی در همه‌جای دنیا مجمعی از سنن و افکار و رنگ‌های مختلف می تواند باشد. ولی برای ما و برای عده‌ای زیاد از همفکران و شاید اکثریت مردم ایران محرکی جز مابانی و معتقدات مذهبی و اسلامی نمی توانست وجود داشته باشد. نمی گویم سایرین مسلمان نبودند یا مخالفت با اسلام داشتند. برای آنها اسلام، ایدئولوژی اجتماعی و سیاسی حساب نمی شد ولی برای ما مبنای فکری و محرک و موجب فعالیت اجتماعی و سیاسی بود..."

### مرحله سوم: طلوع انقلاب

در روز اول بهمن ماه ۱۳۴۱ (۵ روز قبل از فروردین دوم کذائی ۶ بهمن انقلاب سفید) مهندس بازرگان همراه با یاران صدیق و فداکارش چون مرحوم آیت الله طالقانی و دکتر سجایی که در نهضت آزادی ایران سرسختانه با رژیم مخالفت می نمودند همراه با سران جبهه ملی دستگیر شدند. شاه این مخالفین را در زندان قزل قلعه محبوس کرد اما بعد از چند ماه سران جبهه ملی را بخاطر اینکه روش مبارزه شان "ضد دولت امینی، نه ضد شاه" بود آزاد کرد و تنها رهبران نهضت آزادی را به محاکمه کشید و در بیدادگاه نظامی به اتهام ضدیت با سلطنت مشروطه و قیام علیه امنیت عمومی به ده سال زندان محکوم کرد. بازرگان همراه با یارانش که از مؤسسين نهضت آزادی بودند، دوران زندان را با بردباری گذراندند اما فعالیت نهضت آزادی قطع نشد. عده ای از یاران در داخل کشور با سختی و استتار و همسنگران دیگر در خارج با امکانات بیشتر این راه را ادامه دادند.

پس از تجربه خونین ۱۵ خرداد ۱۳۴۲ و سرکوبی وحشیانه آن توسط رژیم، عده ای از اعضای جوان و انقلابی نهضت آزادی بعد از دستگیری و محکومیت رهبران خود که جرمی جز مخالفت با قانون شکنی و استبداد نداشتند به این نتیجه رسیدند که دیگر مبارزه قانونی راه به جایی نمی برد و باید مبارزه مسلحانه را آغاز نمود. این جوانان پرشور، سازمان انقلابی جداگانه ای با ضوابط کار انقلابی بنام "سازمان مجاهدین خلق" تأسیس کردند که نهضت آزادی ابتدا با ارگانهای سیاسی خود در داخل و خارج کشور از آنها حمایت نمود ولی بعدها

که دسته‌های کمونیستی چپ‌نما در آن کودتا کردند و رهبری قسمتی از آنرا بعهدہ گرفتند، با آن مخالفت نمود.

همزمان با تشکیل نهضت آزادی، نهضت دیگری در شهر مذهبی قم جان می‌گرفت که رهبری آنرا امام خمینی بعهدہ داشتند. مهندس بازرگان با گروه مذهبی مقاوم در قم ارتباط برقرار کرد و به پیشنهاد نهضت آزادی گروه‌هایی از دانشجویان برای نخستین بار به قم رفتند و با آیات عظام، خمینی و شریعتمداری ملاقات کردند. در جزوه کوچکی که از طرف نهضت آزادی انتشار یافت در این باره چنین آمده است: "... نهضت آزادی بعنوان پلی بین دانشگاه و حوزه‌های علمیه عمل می‌کرد. نهضت آزادی از یکطرف از جبهه ملی حمایت می‌کرد و از جانب دیگر از علمای دینی و مذهبی، و خود را جزء هردو جنبش می‌دانست. ... و اصولاً " ورود رهبران دینی و مذهبی به مبارزه نیاز زمان و خواست مردم بود ... "

از آن پس همزمان با ازدیاد اختناق در جامعه، مبارزه نیز ابعاد تازه‌ای یافت و از محیط دانشگاه و بازار فراتر می‌رفت گوا اینکه بیشتر گروه‌ها مبارزه را بی‌فایده می‌دانستند ولی مهندس بازرگان، روحانیون و قشرهای مختلف مردم را به ادامه فعالیت تشویق می‌کرد. در نامه‌ای که در ۱۷ تیر ماه ۱۳۵۷ در مورد محکومیت آیت‌الله طالقانی توسط رژیم به مراجع عظام نوشت اظهار داشت: "... در این مملکت بی‌پناه که امر قضا و قانون در یکجا جمع شده و نه می‌توان تظلم به نزد ظالم برد و نه قبول ظلم کرد و ساکت نشست شکوه و درد دل بحضور پیشوایان دین و مأموران دفاع از حق و عدل می‌آورم ... " که باین وسیله ضمن استمداد از آیات عظام برای کمک و رهایی آیت‌الله طالقانی

از بندر رژیم ، حضور بیشتر آنان را بعنوان مأمورین دفاع از حق و عدل در مبارزه درخواست می‌نماید .

نقش مهندس بازرگان با سوابق طولانی مبارزاتش و با آن شناخت و بینش سیاسی و مذهبی ، در دو سال آخر مبارزه علیه رژیم شاه و بالاخره برانداختن رژیم حائز اهمیت می‌باشد. وی با شرکت مستقیم در تظاهرات خیابانی همراه دیگر یاران خویش و در راه پیمائشها و سخنرانیها در محافل مذهبی و ملی و سیاسی ، نقش خویش را بعنوان یک عضو برجسته و فعال نهضت آزادی ایران در جهت بسیج وهماهنگ ساختن مبارزات مردم ایفا کرد و پلی که می‌بایست بین روحانیت و روشنفکران متعهد زده شود توسط بازرگان و یارانش زده شد .

نهضت آزادی ایران در اعلامیه مورخ ششم شهریور ۱۳۵۷ ضمن تحلیل مسائل و وقایع جاری خاطرنشان ساخت که دو راه حل بیشتر قابل تصور نیست :

۱- ملت تا آخرین فرد ارزنده‌اش در زیر ساطور سلطنت نابود شود .

۲- شاه برود . . . .

و در پایان آمده است که " با ماندن شاه هیچ کاری چاره نخواهد شد و راه حل مفیدی نخواهد یافت " .

امام خمینی در تاریخ ۲۸ محرم ۹۹ ( ۸ دیماه ۵۷ ) طی پیامی کتبی اداره منابع عظیم نفت کشور و نظارت بر استخراج جهت تأمین مصارف داخلی را به ایشان واگذار می‌نماید .

**مرحله چهارم : پیروزی انقلاب و دولت موقت جمهوری اسلامی**  
از آنجائیکه خارج کردن غده سرطانی عظیم ریشه‌دار

طاغوتی ۲۵۰۰ ساله از پیکر ملت و مملکت کاری باور نکردنی و شگفت‌انگیزی نمود، مهندس بازرگان مراحلی را پیشنهاد کرد که منطقی "به‌نابودی دیکتاتوری و بدست گرفتن قدرت توسط مردم و برپائی نظم می‌انجامید. لیکن امام خمینی با توکلی علی‌وار و قاطعیتی استثنائی در تاریخ انقلابهای جهان، و در جهت واژگون کردن نظام طاغوت همچون بولدوزری قدرتمند به‌جلورفت و شاه مخلوع را در زمانی کوتاه‌تر از حد تصور از مملکت بیرون راند و در میان استقبال تاریخی ملت و چشمان شگفت‌زده جهانیان به‌ایران وارد شد و در شرایطی چنین متلاطم و مبهم و بحرانی، مهندس بازرگان را در تاریخ ۱۵ بهمن ۱۳۵۷ به‌نخست‌وزیری برگزید. روز بعدامت نیز با راه‌پیمایی چندین میلیونی خود در سراسر کشور، انتصاب امام را با شعار "درد بر خمینی، سلام بر بازرگان" تائید نمود.

بازرگان هنگام دریافت حکم نخست‌وزیری چنین به امام پاسخ می‌دهد: "ما موریت محوله در شرایط بحرانی حاضر بزرگترین افتخار و عظیم‌ترین وظیفه‌ای است که به‌من داده شده است... بقیاس حقارت شخصی و ضعف و سوابقم نمی‌بایستی زیر بار آن رفته باشم، اما با توجه به‌ضرورت و حساسیت‌اوضاع و تأسی به‌روشی که خود آیت‌الله با عزم راسخ از ابتدای نهضت داشته و ایمان به‌خدا و حمایت او را نصب العین قرار داده... بنده هم با امید بخدا، امتنان از آیت‌الله و انتظار خدمت از ملت ایران و دنیا، این سأموریت و خدمت را قبول و تعهد نمودم، و آماده‌ خطرات و زحماتش هستم و نهایت کوشش و دعا را برای توفیق و ادای خدمت مورد انتظار مردم ایران خواهم کرد."

در شرایطی این مسئولیت پذیرفته شد که هنوز بختیار بر سر کار بود و ارتش در مقابل مردم ایستادگی می کرد و هر روز احتمال دستگیری، اعدام، کودتا و خطرات عظیم و صدمات ناشی از آن بشدت وجود داشت، بطوریکه بازرگان، همچو چریکی منتظر حمله، هر شب در نقطه و محلی مخفی و نامعلوم بسر می برد.

در شب ۲۲ بهمن ۱۳۵۷ در حالیکه صغیر گلوله از فراز مخفی گاه او و یارانش قطع نمی گردید و گلوله های سرخ و آتشین در تاریکی شب از مقابل چشمانش عبور می کرد، شهادت را هر لحظه شاهد بود. تا صبح نخوابید و نماز گزارد. تا آنکه اراده خداوند در نیمروز بعد تحقق یافت و ارتشیان به مردم پیوستد و انقلاب، گام اول پیروزی خود را برداشت. طی چند ساعت تشکیلات نظامی و پلیس طاغوت فرو ریخت. " فجعلهم کعصف ما کول".

با پیروزی انقلاب، تمام تشکیلات سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی جامعه طاغوتی فرو ریخت، و بار سنگین و طاقت فرسای ساختن جامعه ای سالم بر اساس موازین و معیارهای اسلامی بردوش پیرتحمیل و پرتوان مهندس بازرگان قرار گرفت. طی ۹ ماه مبارزه مستمر با بحرانهای داخلی و خارجی و علیرغم تعدد مراکز قدرت و تصمیم گیری و دخالتها و مزاحمتها و کار شکنی ها، نهایت تلاش و مجاهدت شبانه روزی را میدول داشت و بخاطر حفظ وحدت امت دم فرو بست و با محبوبیتی که به پشتوانه دهها سال خدمت در میان طبقات مختلف داشت، توانست گامهای اساسی و بزرگی را در جهت دگرگونی نظام منفور پیشین و نیل به جامعه مطلوب به پیش بردارد. تصویب

حدود ۳۰۰ لایحه و ۵۰۰ تصویب‌نامه در این مدت نشان‌دهنده تلاش دائمی دولت موقت بود.  
بعنوان نمونه به فهرست بعضی از کارهای انجام شده در زمان دولت بازرگان می‌توان اشاره کرد:

**در امور خارجی و قطع وابستگی به قدرتهای بزرگ و امپریالیست**  
۱- قطع رابطه سیاسی و اقتصادی با دولت صهیونیستی اسرائیل.

۲- قطع رابطه با دولت نژادپرست افریقای جنوبی.  
۳- قطع رابطه سیاسی با دولت مصر، کارگزار امپریالیزم در خاورمیانه.

۴- برقراری روابط سیاسی با دولت کوبا و به رسمیت شناختن دولت آنگولا.

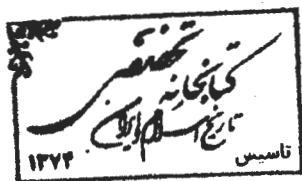
۵- خلع ید کامل از کنسرسیوم نفت و اخراج کارمندان خارجی.

۶- اخراج مستشاران نظامی آمریکا.  
۷- خارج شدن از سازمان پیمان مرکزی (سنتو).  
۸- برجیدن پایگاههای جاسوسی استراق سمع آمریکا.  
۹- لغو قراردادهای نظامی و دفاعی شوروی ۱۹۲۱.  
۱۰- لغو قراردادهای نظامی ایران و آمریکا ۱۹۵۹.  
۱۱- ورود ایران به سازمان کشورهای غیرمتعهد جهان.  
۱۲- لغو کاپیتولاسیون و دهها کار ارزنده دیگر.

#### در امور داخلی

۱۳- بانکها را که خون ملت را می‌مکیدند ملی کرد.





۱۴- صنایع بزرگ وابسته را ملی کرد .

۱۵- شرکتهای بیمه را ملی کرد .

۱۶- جهاد سازندگی را آغاز نمود .

۱۷- حقوق کارگران را از ۲۱۷ ریال به ۵۶۷ ریال در

روز افزایش داد .

۱۸- صندوق ملی ترمیم خسارات دوران انقلاب را

تأسیس کرد و این صندوق، خسارات بیش از هزار خانواده خسارت دیده و قربانی داده را جبران کرده است .

۱۹- زمینهای بایر و موات را ملی کرد و به بورس بازی

پایان داد .

۲۰- از تاراج ذخائر نفتی جلوگیری کرد و استخراج

بی رویه آنرا کاهش داد .

۲۱- تعطیلات کارمندی و کارگری را یکسان کرد و

تبعیضات را از بین برد .

۲۲- ساختن هزاران کیلومتر راه را آغاز کرد و پیش

برد .

• و صدها کار دیگر مانند فسخ قراردادهای نیروگاههای

اتمی به ارزش تقریبی -/۵۰۰،۰۰۰،۰۰۰،۰۰۰ ریال، لغو

قراردادهای خرید جنگ افزارهای آمریکائی به ارزش

-/۶۳۰،۰۰۰،۰۰۰،۰۰۰ ریال، لغو قراردادهای خرید

زیردریائی از آمریکا به ارزش -/۴۰۰،۰۰۰،۰۰۰،۰۰۰ ریال،

قطع رابطه پول ایران با دلار، فسخ قرارداد خرید ۲۰۰۰ تانک

جیپتن از انگلستان، اخراج کارمندان خارجی و مستشاران نظامی،

بازنشسته کردن امرای مشکوک نیروهای سه گانه در حدود ۱۵۰۰

نفر، تعطیل مراکز فساد، اختصاص یک روز درآمد نفت برای

عمران هریک از استانها معادل ۴۰۰ میلیون تومان، ممنوعیت ورود اتومبیلهای خارجی، بخشودگی مالیات حقوق تا ۳۰۰۰ تومان، اختصاص ۲ میلیارد تومان برای تأمین مسکن . . . .  
تصمیمات و اعمال مهندس بازرگان در دوران نخست وزیری متأثر از بینش خاص او نسبت به انقلاب اسلامی ایران و شناختش از انقلاب "اسلام" بوسیله حضرت محمد (ص) و علی (ع) و براساس قرآن بود. ویژگیهای مهم این بینش از انقلاب اسلام اینگونه است:

- ۱- دوستی، برادری و همکاری، بجای نفرت، انتقام، برادرکشی، خصومت و تضاد، بین ملت مسلمان.
- ۲- رحمت و مهربانی و ایثار و وحدت.
- ۳- حیثیت دادن به مردم و خروج از اسارت دولت زر و زور.
- ۴- آزادی، حق طلبی، و مخالفت با دیکتاتوری و سلطه داخلی و خارجی.
- ۵- علاوه بر شعار، کار و عمل.
- ۶- تحول درونی و اخلاقی: جهاد اکبر.
- ۷- حرکت مستمر و مستقیم و براساس صبر و تقوی در جهت ساختن جامعه نمونه "اسوه".
- ۸- جهاد سازندگی در کلیه ابعاد آن (عمل صالح).
- ۹- فراهم ساختن امکانات آموزشی در کلیه سطوح بطور مساوی برای همه مردم.
- ۱۰- توزیع قدرت سیاسی در سراسر کشور برای اداره خودکفای مناطق و استانها در چارچوب وحدت ملت و امت.
- ۱۱- تقسیم و توزیع عادلانه ثروت و درآمدها بین مردم

طبق موازین شرعی و معیارهای اسلامی، نه هرج و مرج .  
۱۲- و بالاخره نفی ظلم ، کفر ، و شرک و فساد  
و زدودن آثار استبداد ، استعمار و استثمار در کلیه ابعاد آن.  
هرچند شرح حالی که از مهندس بازرگان از نظرتان  
گذشت ، بر سرگذشت سیاسی او تأکید داشت ، لیکن ابعاد اخلاقی ،  
اجتماعی ، علمی و فنی زندگی ، این شخصیت اسلامی و ملی را  
نباید کم اهمیت تر از بعد سیاسی او دانست . معرفی وجوه دیگر  
این روح بزرگ ، نیازمند صفحات جدیدی است که در این مختصر  
نمی گنجد . ولی از آنجائیکه آثار اسلامی و علمی و سیاسی  
بازرگان که طی ۳۸ سال گذشته به رشته نگارش درآمد ، از زاویه  
علمی و انتقادی به معرفی اسلام خالص و راستین علوی ، و نفی  
اسلام فاسد و دروغین صفوی ، پرداخته است ، و این آثار در  
پیدایش نهضت اسلامی و ضد استبدادی ایران نقش حیاتی  
ایفاء نموده ، و پیدایش گروههای اسلامی ، و آثار درخشان و  
انقلابی مجاهد و متفکر محبوب ، دکتر علی شریعتی را در پی  
داشت ، سعی می کنیم قسمتی از مقالات و کتابهای او را که  
متجاوز از ۵۰ اثر علمی ، اجتماعی ، سیاسی و اسلامی است  
فهرست وار نقل کنیم :

از سال ۱۳۲۰ تا ۱۳۴۰

۱- یادداشت های ترمودینامیک

۲- ترمودینامیک صنعتی

۳- مطهرات در اسلام

۴- راه طی شده

۵- بینهایت کوچکها

- ۶- مذهب در اروپا
- ۷- ضریب تبادل مادیات و معنویات
- ۸- آثار عظیم اجتماع
- ۹- آموزش قرآن
- ۱۰- (۱- خدا پرستی و افکار روز
- ۱- عشق و پرستش یا ترمودینامیک انسان
- ۲- انسان و خدا
- ۱۳- از خدا پرستی تا خود پرستی
- ۱۴- احتیاج روز
- ۱۵- دل و دماغ
- ۱۶- پراگماتیسم در اسلام
- ۱۷- خدا در اجتماع
- ۱۸- یادداشت‌هایی از سفر حج
- ۱۹- سرچشمه استقلال
- ۲۰- اسلام جوان
- ۲۱- خودجوشی
- ۲۲- اختیار
- ۲۳- مرز میان دین و سیاست
- ۲۴- سازگاری ایرانی
- ۲۵- انگیزه و انگیزنده

از سال ۱۳۴۰ تا ۱۳۵۰

- ۱- درس دینداری
- ۲- اسلام، مکتب مبارز و مولد
- ۳- علی و اسلام

- ۴- تبلیغ پیغمبر
- ۵- دعا
- ۶- حکومت جهانی واحد
- ۷- مسلمان اجتماعی و جهانی
- ۸- کار در اسلام و ایران
- ۹- آزادی هند
- ۱۰- پیروزی حتمی
- ۱۱- خانه مردم
- ۱۲- مسئله وحی
- ۱۳- ذره بی انتها
- ۱۴- خلاصه تحلیلی از جنگ شکر در کوبا
- ۱۵- نیک نیازی
- ۱۶- دفاعیات در دادگاه تجدید نظر نظامی
- ۱۷- باد و باران در قرآن
- ۱۸- بعثت و ایدئولوژی
- ۱۹- پدیده‌های جوی

از سال ۱۳۵۰ به بعد

- ۱- دین و تمدن
- ۲- سیر تحویل قرآن
- ۳- بررسی نظریه اریک فروم
- ۴- علمی بودن مارکسیسم
- ۵- آفات توحید
- ۶- توحید ، طبیعت ، تکامل

- ۷- زمان و انسان  
۸- جمله شناسی قرآن  
۹- امام و زمان

شعارهای مردم بهنگامیکه آقای مهندس مهدی بازرگان جهت ایراد  
سخنرانی پشت تریبون قرار گرفتند چنین بود:

درود بر بازرگان

بازرگان بازرگان ، چریک پیر ایران

درود بر خمینی ، سلام بر بازرگان

بسم الله الرحمن الرحيم

درود بر بنی صدر - سلام بر بازرگان

” ”

بارها تکرار شد تا مهندس بازرگان از طرف جناب آقای بنی صدر رئیس  
جمهور از مردم تشکر کردند .

ملت شریف تهران و موکلین عزیز سلام علیکم

ان الله يامرکم ان تودوا الامانات الی اهلها و اذا حکمتم بین الناس

فحکموا بالعدل ان الله نعماً یعظکم به ان الله کان سمیعاً بصیراً (نساء - ۵۸) .

آراء نمایندگی شما به نام ما امانتی است که به دشمنان گذارده‌اید و این

گزارش امروز ما در ادای امانت و بیان ما مورث است . امیدواریم قضاوت و حکومت

همگی برپایه عدل باشد . به تاسی از صفت خدا اظهارات و انتقادهای ما تذکر و وعظ است .

خدا را حاضر و حافظ مجلس و بسیار شنوا و بینا میدانیم ( از کانالهای اطلاعاتی خدا ) .

عرایض یا سهمیه بنده اولاً " علت قبول نمایندگی مجلس ضمن گزارش مختصری از گذشته خودمان و هدف نهضت آزادی ایران که هرچهار نفر عضو آن هستیم میباشد .

ثانیاً " جواب پاره‌ای پرسشها و مراجعات .

ثالثاً " بیان رویه و خط مشی اتخاذی ما در مجلس شورای اسلامی .

۱- گزارش مختصر از گذشته نهضت آزادی ایران و هدف آن و علت داوطلب شدن برای نمایندگی مردم .

نهضت آزادی ایران در سال ۱۳۴۰ ، پس از ۸ سال که از تاسیس و فعالیتان در نهضت مقاومت ملی میگذشت ، در زمانیکه در جامعه روشنفکران و مبارزین ایران اعلام اسلام بعنوان محرک و ایدئولوژی مبارزه همراه با اکراه و اعجاب بود و آنها که اهل دین بودند جزء عده قلیل بقیه خود را برکنار از سیاست میگرفتند ، با بعرضه وجود گذاشت .

در بیانیه تاسیس نهضت اعلام کرده بودیم که ما مسلمانیم ، ایرانی هستیم و مصدقی ( شعار مردم " درود بر مصدق " ) . یعنی به حکم تعبد اسلامی و بعنوان فریضه دینی بمنظور خدمت و ادای دینی که به هموطنان و میهنمان ایران داریم وارد فعالیت سیاسی و مبارزه اجتماعی میشویم . مصدقی بودنمان یعنی طرفداری از آزادی و استقلال کشور ، مبارزه با استیلای خارجی و طرفداری از حکومت قانون و حاکمیت ملی . مصدق مظهر و عامل مبارزه علیه استیلای خارجی و استبداد داخلی بخاطر حقوق ملت بود .

مصدق مرحوم شد ولی اسلام و ایران زنده اند . شعار انقلاب نیز که استقلال ،



آزادی، جمهوری اسلامی است تکامل همان مرام با رهبری شخصیت روحانی و انقلابی بزرگ آیه الله العظمی خمینی (صلوات مردم سهار) پرچم دار امروزان می باشد. قیام ما بخاطر ملت و مملکت و دلسوزی و دفاع از هموطنان نه عیب و ایراد است و نه مخالفت با توحید و اسلام بلکه تأسی به پیغمبران و فرستادگان خدا است که خواسته و ماموریت همه آنها نجات و ارشاد و اعتلای ذریه یا قوم یا امتشان بوده است. مأموریتی که خداوند به موسی میدهد بیرون آوردن قوم بنی اسرائیل از اسارت فرعون بوده و رساندنشان به ارض موعود نعمت و برکت و سعادت است. سراسر سوره هود داستان پیغمبرانی است که مامور دعوت قوم خود به پرستش خدای یگانه و ترک عادات ردیله شده اند. دعای ابراهیم پدر انبیاء اولوالعزم تاریخ و بنیانگذار مذاهب توحیدی امروز دنیا در حق ذریه و امتی است که تأسیس مینماید و برای آنها از خدا روزی فراخ، امنیت، محبت مردم و برانگیخته شدن رسولی از میان خودشان برای توحید و تربیت و تعلیم. همه جا هدف، نجات و ارشاد و خدمت به قوم و ملت است و سوق دادنشان در راه خدا.

خوب اطلاع دارید که پس از تأسیس، نهضت آزادی (خدایشان بیامرزد مرحوم طالقانی، مرحوم رحیم عطائی و مرحوم شریعتی را) که در معرض چه حوادث و جریانها قرار گرفت بدون اینکه بار امانت را بر زمین بگذارد.

در سال ۱۳۴۲ که سران نهضت در زندان قصر بسر میبردند یگانه حزب یا گروه سیاسی بودیم که اعلام پشتیبانی از قیام ۱۵ خرداد کردیم و برای شهدای ۱۵ خرداد در زندان مجلس ترحیم گرفتیم.

در نجف و پاریس ارتباط با امام و خدمت برقرار بود.

در سال ۵۶ از مؤسسه جمعیت ایرانی طرفدار آزادی و حقوق بشر بودیم که در شرایط سیاسی زمان نقش بسیار مفید برای در افتادن با شاه و برداشتن دست حمایت آمریکا از پشت او، دفاع از حقوق زندانیان سیاسی، افشای جنایات و شکنجه های شاه در سطح جهانی و آمدن امام خمینی به ایران داشت. (شعار درود بر بزرگان) (مهندس بزرگان از مردم تقاضای فرستادن صلوات دسته جمعی مینماید.)

نظر بهمین سوابق و آشنائی و اطمینان بود که امام بلافاصله پس از قدم  
به تهران اینجانب را مأمور اداره و تحویل گرفتن مملکت از دولت طاغوتی و تشکیل  
دولت موقت برای انتقال به نظام جمهوری اسلامی فرمودند . ( شعار دسته جمعی  
مردم : مرگ برتوده‌ای )

نهضت آزادی هیچگاه قصدش از ورود به سیاست احراز قدرت و رقابت بر  
سرمقام و منصب نبود بلکه هدف ما دفاع از ایران و خدمت به ملت به امر خدا و در  
راه خدا بود . آن مأموریت را بصورت موقت قبول کردیم . همانطور که امام خواسته  
بودند و در شورای انقلاب عهد شده بود . نه کابینه و کارها را اختصاص و انحصار  
به نهضت آزادی دادیم و نه در آن مدت پیرامون تشکیلات و تبلیغات حزبی گشتیم ،  
بلکه فعالیت و فکر حزبی را کنار گذاشته از همه شخصیتها و گروههای وارد در مبارزه  
و صالح برای انقلاب اعم از روشنفکر و ملی و روحانی دعوت نمودیم .

بنابه جریانها و مسائل و دلایلی که جایش حالا نیست هماهنگی و صمیمیت  
و صداقت متقابلهای دریافت نکردیم و عهد شکنی دیدیم . دولت موقت دچار داخل  
در وظائف و تفرق و موانع شده بود و چون میدید که زیان عدم پیشرفت کار و مقاومت  
و سماجت به ملت و انقلاب میرسد و مملکت احتیاج به یکپارچگی دارد استعفا داد .  
شعار جمعیت حاضر در امجدیه :

— مرگ برتوده‌ای

— توده‌ای ، چماق‌دار پیوندتان مبارک

خیلی‌ها میپرسند که چرا دولت موقت استعفا داد و ایستادگی و مقاومت  
ننمود ؟ جوابش این است که ما منتخب و مسئول ملت و مجلس نبودیم . بنا بر این  
درد دل و درخواست و سپس استعفا پیش کسی بردیم که از او مأموریت و امانت  
دریافت کرده بودیم . در هر حال مربوط به اشغال لانه جاسوسی نبود و اگر چنین  
تصوری بعضی‌ها کرده‌اند خیلی بچگانه است .

(از طرف ستاد برگزاری سخنرانی اعلام شد و از حاضران در امجدیه  
خواسته شد که اگر کسی یا گروهی با بالا آوردن عکس و یا دادن شعار مخالف و محرک

قصد برهم زدن اجتماع را داشتند شما مردم او را تنها گذارده و به سخنرانی توجه فرمائید و سکوت نمائید .)

ما استعفا دادیم ولی قهر نکردیم ، شانه از زیر بار خدمت خالی نکردیم و افتراق و اختلاف ایجاد ننمودیم . غالب همکاران در هیئت دولت و شورای انقلاب و ادارات به همکاری ادامه دادیم و گفته بودیم هر جا که انقلاب و جمهوری اسلامی احتیاج داشته باشد حاضر بخدمت هستیم . همانطور که میدانید این آمادگی در سعه صدر و وحدت به مذاق کسانی که توفیق و معنای انقلاب را در خصومت و انحصار میدیدند و وحدت را در محدوده گروهی و فکری خودشان میخواهند ، خوش نمی آید . بطرق مختلف خدمتگزاران اصیل قدیم را پس زدند .

ایکاش با صراحت و صداقت این کار را میکردند و ناجوانمردی و اتهام و افشاگریهای مفرضانه نمی نمودند و بقول امام چماق قلم و زبان را بکار نمیبردند ! جواب این افتراها و اتهامات را نمیدهیم . در هر حال بحکم کل شیئی يرجع الی اصله به موقعیت و مأوریتی که در دوران نهضت مقاومت و نهضت آزادی داشتیم برگشتیم یعنی به سنگر و کرسی دفاع از ملت و رادی حق . وظیفه خود دیدیم که کاندیدای نمایندگی مجلس بشویم و از این طریق خدمت به مملکت و انقلاب نموده ، هم جلوی اجحافات و تجاوزات به قانون اساسی و حقوق ملت را بگیریم و هم منادی اصول اسلام و اهداف انقلاب و مانع انحراف باشیم .

شما مردم تهران مثل امام به ما اعتماد و عنایت کرده خلعت نمایندگی را به دشمنان انداختید و بار ما را بسیار سنگین کردید . همچنین استقبالها و التفاتهای بعدی همه مردم ایران . حالا برای گزارش این مأوریت و تجدید دیدار با شما اینجا آمده ایم تا به پرسشها و انتقادات و اعتراضهایی که شفاها " و کتبا " داده اید جواب بدهیم و سپس خط مشی و سیاستی را که در وظیفه نمایندگی اتخاذ کرده ایم بیان داریم .

## پرسشها

### ۱- چرا سکوت کرده‌اید؟

بلی ما هو و جنجال و فحاشی راه نیابداخته‌ایم و مجلس را بهم نزده‌ایم . ما اهل اینکارها اصلاً " نیستیم و مخالف آن و طرفدار نظم و اصول و هدف و راههای قانونی هستیم . در عالم اغتشاش و آشوب و اتهام خیلی‌ها از ما جلوترند ! ولی ساکت و بی‌کاره هم نبوده و نیستیم ، با نمایندگان هم درد و همفکر تبادل نظر و همکاری داشته ، در لوایح و طرحها و رأی‌گیریها حرفمان را زده و می‌زنیم ، ولی بالاخره " عدد " حکومت دارد . اصولاً " مجلس دو کار دارد : طرح و تصویب قوانین ، نظارت بردولت ( تذکر - سؤال - استیضاح ) . در کمیسیونها و در مذاکرات و رأی - گیریها شرکت داریم و تذکرات و سوءالات را تا بحال داده‌ایم ولی استیضاح نکرده‌ایم . راه سوم ، نطق‌های قبل از دستور میباشد . نوبت و قرعه‌کشی شده است و تصادفاً " همه ماهها در آخرین فرصت قرار گرفته‌ایم . اما یک جا هست که تصدیق میکنیم و کوتاه آمده‌ایم : جواب فحشها و حملات شخصی و اتهامات ناروا . نمیخواهیم مجلس و مملکت میدان معارضه‌های شخصی و غرض ورزی شود .

حال میپرسم آیا خیال میکنید اگر ما یک داد بزیم کار درست میشود؟ در هر حال تا آنجا که تناسب و موضوع و امکان داشته باشد داد و اعتراض بلند کرده و میکنیم اما صدای ما بگوش شما نمیرسد . سانسور رسانه‌های گروهی و در مقیاس محدودتر مطبوعات عامل و علت آن‌اند .

### ۲- چرا سروصدا و مخالفت میکنید؟

این سؤال و ایراد ، معکوس سؤال بالا است و بیشتر از ناحیه مخالفین ما یا طرفداران راحتی و آرامش عنوان میشود و میگویند چرا در مجلس و روزنامه به ایراد و انتقاد و اختلاف میپردازید . جوابش این است که رطیفه و کار نماینده یا روزنامه‌نویس نظارت بر جریانها و مراقبت بر اعمال دولتها است که از آنچه خطا

و خیانت است با استدلال یا رأی یا تذکر و توضیح جلوگیری نماید. امر بمعروف و نهی از منکر است که امام هم خیلی تاکید کرده‌اند و از ارکان امت اسلامی است. اگر نماینده مجلس یا روزنامه سیاسی این کار را نکند و به سکوت رضا و تمجید بپردازد خیانت به ملت کرده است.

البته ایراد و انتقاد یا بحث مخالفت‌های پارلمانی با کارشکنی و لجاجت و مخالفت‌های شخصی یا گروهی فرق دارد و نباید چنین باشد. در نظام‌های دیکتاتوری و استبدادی یکی از راه‌ها اختناق و فعال مایشائی همین است که وخامت و حساسیت اوضاع و در کمین بودن دشمن را پیش کشیده، بهر کس که دهان باز کند بگویند فریب خورده یا آلت دشمن است یا همصدا و همگام با آمریکا و غیره شده‌است، در حالیکه انتقاد و مخالفت در حد معقول و قانونی معمول خود آنجا هم هست و عیب و ضعف حساب نمیشود.

(شعار دورد بر بازگان از طرف مردم و دعوت مهندس بازگان برای سکوت مردم با گفتن "سکوت بر بازگان" و خنده حاضرین در امجدیه.)

### ۳- چرا انقلاب بمش نرسیده و مملکت روی غلطک نیافتاده است؟

مگر شما انتظار این هلو این گلو را داشته‌اید؟ انقلاب به این عظمت که ابعاد آن از انقلاب‌های دنیا و انبیاء وسیع تر است و میدانید که نابرده رنج گنج میسر نمی‌شود. ما طرفدار تدریج و تأمل و مخالف دست‌پاچگی و تسریع و تحریک بودیم.

معدالک نباید ناراضی و ناامید باشیم. دلائل و موفقیتهای زیاد وجود دارد که انقلاب ما خود را بعد از پیروزی محکمر و مستقرتر و امیدوار کننده‌تر از انقلاب‌های سایر جاها نشان میدهد:

۱- ما در مدت کمتر از یکسال با حداقل درگیری و خونریزی کلیه مراحل انتقال از حالت انقلاب و استقرار قانونی را طی کردیم (رفراندوم تغییر نظام - قانون اساسی و تصویب آن - انتخاب رئیس جمهوری - انتخابات و تشکیل مجلس

– تعیین دولت قانونی .

۲– پایه گرفتن نظام جمهوری و جدی شناخته شدن آن از ناحیه دولتهای

دیگر .

۳– مهمتر از همه عوض شدن واقعی و عمیق ملت که نمونه‌های بارزوبی–

شائبه آن آمادگی و استقبال از شهادت و محرومیت و سخاوت است .

۴– مقاومت و شجاعتی که ارتش و سپاهیان و نیروهای تدافعی در جنگ

غیرمتعادل عراق نشان داده ، در زیر ضربات و صدمات جان فرسا ، خودسازی بعمل

آمد و مصداق "یخرج الحی من المیت" را دیدیم .

۵– دست و پائی که می‌زنیم و تلاشی (خوب و یا بد) که خودمان بدون

آقا بالاسر و حاکم و بیگانه برای حل مصائب و مشکلاتمان مینائیم .

#### ۴– چرا استعفا نمی‌دهید؟

بسیاری از دوستان و همفکران که مدافع ایران و موافق انقلاب و جمهوری

اسلامی ولی مخالف جریانهای ناهنجار هستند و همچنین بعضی از ناراضیان و

سرخوردگان از سیاست و مدیریت بعد از پیروزی انقلاب به ما ملامت می‌کنند ، یا

طعنه و توهین می‌زنند که چرا بعنوان اعتراض و تبری‌گویی خود را کنار نمیکشید و

از نمایندگی مجلس و هم‌نشینی با نمایندگان نایاب استعفا نمیدهید؟ همانطور که

در رژیم شاه اعتراض و انزجار داشتید .

ما ضمن آنکه مخالف و معترض نسبت به خیلی خرابیها و خطاها و خلافتها

هستیم و آنها را نقاط ضعف و زیان و بلکه ننگ برای اسلام و انقلاب و ایران میدانیم

ولی در اصل و اساس با انقلاب و نظامی که خود در ایجاد و استقرار آن شریک

بوده‌ایم مخالف و دشمن نیستیم . ما وظیفه شرعی و ملی خود میدانیم که علیرغم

تلخیها و سختیها و نارواییهایی که درحقیقت شده و میشود ، در صحنه حضور داشته

تا آنجائیکه میتوانیم به اعتراض و اصلاح و اقدام بپردازیم . ما قبول داریم که در

هر انقلاب از این قبیل تلاطم و تخریب و تخاصمها هست و استعفا دادن ، ناشی از

یأس و یک نوع انتحار است . ما معتقد و متوکل بخدا و امیدوار به آینده میباشیم .

## سیاست و خط مشی اتخاذی ما

### ۱- سیاست واگذاری و نظاره

در دوران دولت موقت نظریات و خط مشیی داشتیم و معتقد و مقید به اصولی بودیم (به لحاظ انقلاب ، مدیریت ، انتخاب اشخاص ، سیاست خارجی ، و داخلی وغیره) که نشنیدند و اصرار به خلاف آن داشتند . مانع شدند ، کنار رفتیم . ما مثل آنها معارضه و ممانعت نمی‌نمائیم . یکسره بخودشان واگذار میکنیم که هم مسئول باشند و هم مجری . اصل "یک مامائی" را در نظر میگیریم !

وقتی مسئولیت بدوش شخص افتاد طور دیگر فکر میکند ، توقع و تفکرش عوض میشود . با واقعیت و عمل و با ضروریات روبرو میشود . ناچار بعقل مراجعه میکند . خود بخود در خط درست می‌افتد . چوب لای چرخشان نمیگذاریم ، که هم اشکال ایجاد شود و هم مسئولیت لوٹ شود . از کنار نظاره میکنیم ، اگر نظری و خدمتی خواستند انجام میدهیم و اگر نظر نخواستند و بیراهه رفتند ، تذکر و توجه میدهیم و با شما تجدید دیدار میکنیم ، و گزارش میدهیم که شما اقدام نمائید . این کاری است که میکنیم و خط مشی کلی ما است . حاضریم اگر بیشتر تنگ کردند علی‌وارخانه نشین هم بشویم . علی نخواست صدای اشهدان لاله الاله واشهدان محمدا " رسول الله خاموش شود و وحدت و نطفه اسلام متلاشی گردد .

### ۲- نظر ما در قبال انقلاب و جمهوری اسلامی

سیاسگزار خدا و خلق و مفتخر به پیروزی مرحله اول انقلاب ، و معتقد به اساس و ادامه انقلاب اسلامی میباشیم ، ولی ادامه در سایه قانون و قدرت بصورت تدریجی عمیق و اساسی نه تعجیل و تخریب و تخاصم .

انقلاب اسلامی را با الهام و اجرای اسلام اصیل ، توأم با شعار نه شرقی نه

غربی، جمهوری اسلامی درک کرده، تعرض و تمایل به یک طرف را خطرناک و بدعاقبت می‌بینیم. عمیقاً "نگران تداخل و نفوذ افکار و برنامه‌های مارکسیستی و سیاست شوروی می‌باشیم. احترام متقابل به استقلال و حقوق حقه در چهارچوب موازنه منفی سیاست خارجی داریم. نگران جانشین شدن یک ابرقدرت بجای ابر قدرت دیگر هستیم. معتقد و مدافع نظام جمهوری اسلامی می‌باشیم. جمهوری اسلامی ایران نباید جمهوری خلق ایران یا جمهوری سوسیالیستی ایران یا جمهوری دولتی ایران گردد و تمام شئون و امور و افراد به انحصار و اسارت دولت درآمده، اصول مسلم آزادی، شخصیت انسانی، مالکیت، اقتصاد، انفاق، ایثار، تکامل اجتماعی از بین برود و تکامل و تقرب بخدا تعطیل گردد.

معتقد و مدافع مجلس شورای منتخب مردم می‌باشیم و نظام رأی گیری و اکثریت را قبول داشته به قانونیت و حاکمیت آن گردن می‌نهیم. ضمن آنکه مسئولیت دستجمعی و آزادی و مصونیت اقلیت باید محفوظ و محترم باشد.

### ۳- قانون اساسی

با آنکه آنرا خالی از نقص و عیب و بی‌نیاز از اصلاح و تکمیل از طریق قانونی نمی‌دانیم ولی چون با آرای عمومی قوت قانونی پیدا کرده و نعم البدلی نداشته است تضعیف و تردید در آن واژگون‌کننده اساس نظامان خواهد شد، طرفدار وفادار و مدافع و پاسدار آن هستیم و آنرا دستاورد انقلاب و سرمایه ملی خود میدانیم.

برخلاف دوران شاه، قانون اساسی نباید کتاچه تشریفاتی تظاهراتی و تبعیضی "نوء من بعض و نکفر ببعض" در دست صاحبان قدرت باشد بلکه صادقانه و بتامه احترام و اجرا شود، خصوصاً "با توجه به اصول ذیل:

اصل ۲۲- مصونیت ایرانیان به لحاظ حیثیت جان، مال و حقوق و مسکن و شغل و غیره.

اصل ۲۳- ممنوعیت تفتیش عقاید که شدیداً در آموزش و پرورش و استانها



و وزارتخانه‌ها و غیره بعمل می‌آید .

اصل ۲۴- آزادی مطبوعات که متأسفانه سخت در تزلزل و تهدید است .  
اصول ۲۶ و ۲۷- آزادی اجتماعات که متأسفانه سخت در تزلزل و تهدید  
است و حالت انحصاری پیدا کرده است .

اصل ۳۲- امنیت قضائی که متأسفانه خیلی پای‌آن میلنگد و تا بخواهید  
ناراضی و ناراحت ایجاد کرده ، لکه سیاهی برای عدالت اسلامی و آبروی جمهوری  
اسلامی ایران شده است . البته در انقلاب‌ها تا مدتی امنیت انتظامی و قضائی دچار  
ضعف میشود ولی در مملکت ما از یکطرف دولت در تقویت و تحرک نیروهای انتظامی  
و حفظ شهرها مسامحه می‌ورزد و از طرف دیگر احزاب و افراد غیر مسئولی هستند  
که عامل ناامنی سیاسی میباشند و اگر نگوئیم مامور از طرف حزب حاکم هستند  
لااقل و عملاً " مجاز شده‌اند .

دادگاههای انقلاب با قاضیان شرع خود و اعمال واحکامی که صادر و ظاهراً  
بوسیله پاسداران اجرا میشود ، حالت قلعه‌های مستحکم مرموزی را پیدا کرده‌اند  
که دو حصار استوار ، راه اطلاع و نظارت و نفوذ ملت و مجلس را به آنها بسته است ؛  
یکی حصار شرع و فقه که حدود و ضوابط آن هنوز برای مردم روشن نیست و دیگری  
استقلال قوه قضائیه .

اصل ۳۴ تا ۳۹- حق دادخواهی ، حق وکیل ، انحصار مجازات دادگاه و  
قانون اصل براءت و بالاخره ممنوعیت شکنجه و هتک حرمت و حیثیت .  
اصل ۴۷- مالکیت شخصی مشروع که خیلی پایمال هرج و مرج و افکار مارکسیستی  
شده است .

اصل ۵۷- استقلال قوای سه‌گانه و ارتباط آن از طریق رئیس جمهور .  
اصل ۶۱- اعمال قوه قضائیه بوسیله دادگاههای دادگستری و استقلال آن ،  
لزوم تصفیه و توحید دادگاهها . دادگاههای انقلاب در شرایط حاضر ظرفیت و  
امکانات کافی رسیدگی به همه پرونده‌های سیاسی و اقتصادی فراوان را ندارند و نقطه  
ضعفی برای مملکت محسوب میشوند . جا دارد که رئیس دیوان عالی کشور فعالیت‌های

حزبی و تبلیغاتی و دخالت در قوای دیگر جمهوری اسلامی را کنار گذاشته و به این وظیفه شرعی و قانونی و ملی که خیلی اساسی و ضروری است بپردازند .  
اصل ۸۶- آزادی نمایندگان در مقام ایفای وظایف نمایندگی .  
اصل ۱۰۰- شوراها قانونی .

اصل ۱۷۳- دیوان عدالت اداری برای تظلمات مردم علیه مأمورین دولت که بسیار ضروری و پناهگاهی علیه خود سربها و احکافات مأمورین دولت و حزب حاکم و افراد افراطی میباشد .  
اصل ۱۷۵- بیطرفی رسانه‌های گروهی با آزادی انتشارات و تبلیغات که از عقده‌های بزرگ بعد از پیروزی انقلاب شده ، صدا و سیمای ایران را در انحصار گروه خاص و افراد خطرناک باقیمانده از سابق گذارده ، سهم بسزایی در ایجاد نارضایتی و اختلاف و انحصار دارد .

#### ۴- رهبری و ولایت فقیه و روحانیت

علاوه بر شخصیت والا و حق بزرگ رهبری و پیروزی انقلاب اسلامی ایران که بنا به تشخیص و تبعیت اکثریت قاطع مردم ایران از امتیازات خاصه آیت‌الله العظمی خمینی میباشد و از خداوند سلامت و توفیق و عزت معظم له را خواستاریم ، وظایف و اختیارات رهبری و ولایت فقیه را بر طبق اصول ۱۰۷ تا ۱۰۹ قانون اساسی قبول داریم . بعقیده ما رهبر و رهبری تعلق بعموم داشته در حکم پدرملت میباشد . نباید افراد و گروه‌هایی آن مقام را اختصاص و اتصال بخود داده ، کسب مصونیت و یا سلب مسئولیت نمایند و عناوینی را وسیله امتیاز یا فرار از قانون اساسی قرار داده ، چماقی علیه سایرین بسازند .

برای روحانیت اسلامی بطور کلی با سابقه و خدمات هزار ساله آن ، خصوصاً "حالت استقلال و ارتباطی که روحانیت با مردم داشته است ، احترام و ارزش و نقش اجتماعی قائل هستیم و انتظار علم و تقوی و ارشاد داریم . استقلال روحانیت شیعه از دولت تضمینی برای حیثیت و آزادی میباشد و نمونه‌ای از دموکراسی و انتخاب

مردمی است .

#### ۵- ریاست جمهوری

نسبت به جناب آقای بنی صدر با بیش از ده میلیون آراء ملت و مقام حقوقی ایشان در قانون اساسی احترام و علاقه پیدا کرده ایم .  
ضمناً " به اعتبار اصولی که در دولت موقت ، مدافع و منادی آن بودیم حسابهای شخصی را در روابط با ایشان دخالت نداده ، تصمیم گرفته ایم در انجام وظائف قانونی پشتیبانی کنیم . از جمله بلحاظ ریاست قوه مجریه ، معرفی نخست وزیر به مجلس ، تصویب وزیران ، نظارت بر روابط قوای سه گانه . از فعالیت و فداکاری ایشان ، خصوصاً " در فرماندهی کل نیروهای مسلح و احیاء ارتش نیز تقدیر مینمائیم .

#### ۶- دولت جناب آقای رجائی

ما جزو کسانی نبودیم که رأی تمایل به نخست وزیر و رأی موافق به دولت آقای محمد علی رجائی داده باشیم . ولی بعنوان منتخب و مصوب اکثریت مجلس ، رسمیت و احترام برای ایشان قائل شده ، در صورت تمایل همکاری میکنیم ، ولی بنا بوظیفه نمایندگی ، انتقاد و مخالفت هم مینمائیم .

ایرادهای ما به دولت آقای رجائی به جهات ذیل است :

عدم توجه و اعتقاد ایشان بجنبه های مثبت سازندگی و ضرورت ترمیم و تقویت کشور و بی اعتنائی به خرابیها و خطرات .

عدم توجه و اعتقاد بجنبه های صلاحیت و مدیریت و تخصص و تجربه در انتخاب وزیران و مدیران .

داشتن افکار و برنامه های تخریب و تخاصم و تعجیل انقلابی .

عدم توجه و اعتقاد به ضرورت همکاری و اتحاد گروه های مؤمن و خدمتگزار و تکیه و تبعیت به گروه واحد .

بی توجهی به مقام و حقوق و وظائف ریاست جمهوری که طبق قانون اساسی

برایشان و برهیأت دولت، ریاست و حق نظارت دارد.

## ۷- نهادهای انقلاب

با نهایت احترام و علاقه و ارزشی که برای فداکاربها و خدمات طاقت فرسا و شهادت‌های قهرمانانه جوانان انقلابی خودمان که داوطلبانه وارد نهادهای انقلاب شده‌اند و در پیروزی انقلاب و استقرار جمهوری اسلامی ضرورت داشته است، اولاً " خواهان تزکیه و تقوی و تخصص در امر آنها می‌باشیم و ثانیاً " اینک که دولت و قانون و قدرت در اختیار جمهوری اسلامی قرار دارد و خواهد داشت دوگانگی بردولت و دستگاههای اجرائی و عدم نظارت صحیح بر آنها و احیاناً " دخالت‌های خودسرانه آنها در کارها را منافی با قانون اساسی و مضر برای امنیت و حسن مدیریت و ارتقاء کشور میدانیم .

## ۸- جنگ با عراق

درود بی‌پایان بروان پاک شهیدان و جانبازان و فداشدگان این جنگ نامردانه، تحمیلی دولت بعث عراق می‌فرستیم، سرتعظیم در برابر دل‌وربها و فداکاربها و عملیات معجزه‌آسای رزمندگان خود اعم از ارتشیان، سپاهیان، بسیج، و نیروهای عشایر و داوطلب و مردمی دیگر فرود می‌آوریم و عظمت تاریخی بی‌نظیری برای آنها و فرماندهانشان قائل هستیم .

این جنگ دفاعی باید با مشارکت ملت، با وحدت و پشتیبانی از فرماندهی آن تا اخراج آخرین سرباز دشمن از خاک میهن، با تائید و یاری پروردگار قهار ادامه داشته باشد و هرگونه تهمت و تضعیف فرماندهی را خیانت به استقلال و انقلابمان میدانیم .

(شعار همگی مردم توأم با احساسات " درود بر بازگان " که آقای مهندس بازگان مردم را دعوت به سکوت کرد. در اینجا تعداد معدودی جماقدار برای برهم زدن اجتماع " شعارهای مختلف " سردادند، سپس جمعیت حاضر برای خاموش کردن

گروه محدود چماقدار شعار "مرگ بر توده‌ای" سردادند .

#### ۹- وحدت و همکاری

نهضت آزادی ایران همیشه منادی و مدافع وحدت و همکاری با گروهها و شخصیتها در محور مشترکات مثبت بوده، مخالف تفرقه و تعارض و تخاصم است . انحصارگری و استعلا را که مافوق و مولد استبداد و استکبار و استثمار است بزرگترین دشمن اسلام و استقلال و آزادی و ترقی میدانیم .

در این راه همیشه گام برداشته، دعوت و پیشنهادهایم و علیرغم استقبال منفی که می‌بینیم آماده و علاقمند به آن هستیم .

در شماره ۶ اسفند ماه روزنامه ارگان حزب جمهوری اسلامی سرعنوانی دیده شد که آنرا طلیعه مبارکی در جهت وحدت و حل مشکل بزرگ مملکت میگیریم . نوشته بودند که "جامعه اسلامی امت واحده است ولی جامعه تک حزبی نیست" . در متن مقاله نیز چنین آمده بود: "... احزاب و سازمانها و گروههایی که برستی مسلمانند باهم رابطه برادرانه و مثبت و سازنده دارند ، نه رقابت‌های خصمانه که برادری و وحدت امت را برهم می‌زند و رشک و کینه و تفرقه را بجای آن می‌نشانند ."

اینها آرزوی ما و کلام و توصیه دائمی ما بود که خوشحالیم از قلم حزب حاکم می‌خوانیم . امیدواریم مصداق "لم تقولون ما لا تفعلون" نبوده از این ببعد "تقولون ما تفعلون" باشد .

از جناب دادستان کل کشور هم در همین شماره چنین نقل شده است :

"جای اینکه شخصیتها و اشخاص را مطرح کنیم ارزشها را مطرح سازیم ... بجای قدم برداشتن به سوی نفاق و اختناق قدم بسوی وحدت و اتحاد برداریم..."

#### جانا سخن از زبان ما می‌گوئی

برگشتن از نفاق و اختناق و رفتن بسوی وحدت و اتحاد جز با کنار گذاشتن سوءظن و تهمت و خصومت ، میل به الفت و حسن نیت و همکاری ، اصرار نداشتن

برعایت دقیق و خصوصیات مکتب اتخاذی از ناحیه دیگران و بالاخره جمع شدن  
برحول مشترکات اساسی ضروری امکان پذیر نمی باشد .  
باید از اتهام و افتراق دست برداشته با نیروی التیام و ائتلاف به ترمیم  
جراحات و خسارات و تأمین آنچه رضای خالق و نیاز خلق است پرداخت . (واعتصموا)  
بحبل الله جميعا " و لا تفرقوا .

السلام علیکم ورحمة الله و برکاته









معرفی آقای دکتر یزدی:

اینک بنیان‌گذار حرکت‌های نوین اسلامی در خارج از کشور و یکی از بنیان‌گذاران نهضت آزادی ایران، یار وفادار امام در تمام مدت تبعید، مرد صداقت و تقوی و مظهر اخلاق و انسانیت دکتر ابراهیم یزدی با شما سخن می‌گوید.

شعار: درود به نسل جوان انقلاب که با  
بهره‌گیری از تعلیمات دکتر شریعتی  
بنیان‌گذار نهضت آزادی در اروپا  
ستون محکم انقلاب را تشکیل  
می‌دهند.

Handwritten text in the top right corner, possibly a signature or date.

## بسمه تعالی

### دکتر ابراهیم یزدی

دکتر ابراهیم یزدی در سال ۱۳۱۰ هجری شمسی در شهر قزوین و در یک خانواده متوسط بدینا آمد و پس از حدود شش سال به همراه خانواده اش به تهران مهاجرت کرد. او تحصیلات ابتدائی اش را در دبستان مولوی (گذر معیر) و دبستان ادب (کوچه پشت سپهسالار سابق) ، دوره متوسطه را در دبیرستان دارالفنون و تحصیلات عالی را در دانشکده داروسازی دانشگاه تهران بپایان رسانید و در سال ۱۳۳۹ به خارج از کشور رفت و چون بعلت فعالیت‌های سیاسی علیه رژیم شاه راهی برای بازگشت به وطن نداشت ، ضمن ادامه مبارزه و فعالیت‌های سیاسی ، به تحقیق در زمینه سرطان شناسی پرداخت و در همین رابطه موفق به چاپ مقالات و ایراد سخنرانیهای متعددی در کنفرانسها و مجامع معتبر علمی شده است . دکتر یزدی به لحاظ انجام تحقیقات علمی اش به عضویت انجمنهای معتبر علمی پذیرفته شده و همچنین به سمت استادیاری دانشکده پزشکی دانشگاه

بیلر (Bayler) تکرار انتخاب گردید.

دکتر ابراهیم یزدی فعالیت‌های اسلامی و اجتماعی خود را با تأسیس "انجمن اسلامی امیرکبیر" در دبیرستان دارالفنون آغاز و انتشار مجله "قلندر ویژه دانش آموزان" پی‌آمد آن بود. این فعالیتها بعداً "در دوران تحصیلات عالی در انجمن اسلامی دانشجویان دانشگاه تهران متمرکز شد. دکتر یزدی از شاگردان مکتب مرحوم آیت‌الله طالقانی در مسجد هدایت بود. او در تهیه مطالب و انتشار مجلات "فروغ علم" و "گنج شایگان" که از انتشارات انجمن اسلامی دانشجویان بود نقش فعال و سهم مؤثری داشت. این مجلات بترتیب در زمان رزم آرا و پس از کودتای ۲۸ مرداد توقیف و ممنوع‌الانتشار گردیدند. دکتر یزدی همچنین در انتشار نشریه "دانش آموزان و دانشجویان فارس" و روزنامه "مهد علم" همکاری داشته‌است. دکتر یزدی با فدائیان اسلام و مرحوم شهید نواب صفوی و خلیل طهماسبی از نزدیک تماس و همکاری داشت و در نهضت ملی ایران و جنبش ملی شدن صنعت نفت برهبری دکتر محمد مصدق فعالیت وسیعی داشت. دکتر یزدی، در زمانیکه حزب توده قدرت مطلق در دانشگاه تهران را بدست داشت، با تشکیل سازمان صنفی دانشجویان توانست تمامی دانشگاه‌ها را بسیج نماید و از طرف دانشجویان دانشکده داروسازی به عضویت در شورای مرکزی سازمان و سپس به عضویت دبیران سازمان انتخاب گردید. این سازمان رهبری کلیه مبارزات اسلامی - سیاسی دانشجویان را بعهده داشت و روزنامه "دانشجویان" ارگان همین سازمان بود که زیر نظر هیئت دبیران منتشر می‌شد. بزرگترین تظاهرات و راه‌پیمایی‌های دانشجویان در آن زمان

که از دانشگاه تا بانک ملی مرکز جهت خرید اوراق قرضه ملی توسط همین سازمان تنظیم و رهبری گردید ، تظاهرات وسیع خیابانی دانشجویان از ۲۶ تا ۳۱ تیر وبخصوص در قیام ملی ۳۰ تیر ، مبارزات دانشجویان با کارشکنی ها و تحریکات ضد ملی از چپ و راست علیه نهضت ملی و حکومت دکتر مصدق و مقابله دانشجویان دانشگاه تهران با کودتای نیم بند نهم اسفند برهبری سازمان صنفی دانشجویان دانشگاه تهران بوده است که دکتر یزدی در تمامی این حرکتها از عوامل مؤثر و سازماندهی آنها عهده دار بوده است .

دکتر یزدی پس از کودتای ننگین ۲۸ مرداد به نهضت مقاومت ملی پیوست و از سال ۱۳۳۲ تا ۱۳۳۹ مسئولیت های مختلفی از جمله عضو و مسئول کمیته دانشگاه ، انتشارات (از قبیل روزنامه "راه مصدق" و سایر نشریات ) ، چاپخانه مخفی ، کمیته شهرستانها ، ادارات و کمیته اجرائی را بعهده داشته است .

دکتر یزدی قبل از خروج از ایران در چند مؤسسه تولیدی و تحقیقاتی فعالیت داشته و علاوه بر ممنوع الخروج بودن حتی اجازه صدور گذرنامه هم نمی دادند تا اینکه بعنوان یک مأموریت تجارتي از طرف مؤسسه ای که در آن کار می کرد موفق به اخذ گذرنامه و اجازه خروج گردید و بلافاصله پس از ورود به آمریکا فعالیت های سیاسی و مبارزات علنی علیه شاه را آغاز کرد بطوریکه بکمک سایر همزمانش جنبش دانشجویی و مبارزات خارج از کشور را شکل و شتاب تازه ای بخشید. دکتر یزدی در ادامه مبارزاتش در سال ۱۹۶۴ میلادی بدنبال چند سفر به مصر و الجزایر و ملاقاتهایی با جمال عبدالناصر ، بطور

محرمانه در مصر مستقر شد و هدف اساسی، تهیه مقدمات مبارزات مسلحانه در ایران علیه رژیم شاه بود.

در سال ۱۹۶۵ هنگامیکه امام خمینی از ترکیه به عراق منتقل و در شهر مقدس نجف مستقر شدند، دکتر یزدی به همراه دکتر چمران بخدمت امام رسیدند و پیامهای برادران مسلمان خارج از کشور ایران را بعرض امام رساندند و امام در این دیدار با صراحت تمام فرمودند که انتقال ایشان از ترکیه به نجف متأثر از فعالیت‌های بین المللی برادران خارج از کشور بوده است. دکتر یزدی در سال ۱۹۶۷ مجدداً "به آمریکا بازمی‌گردد و در هدایت و تشکل فکری و اخلاقی و سیاسی هزاران دانشجوی ایرانی در آمریکا نقش فعال و اساسی داشته است.

در سال ۱۳۵۱ امام خمینی طی نامه‌ای به دکتر یزدی ضمن معرفی ایشان بعنوان وکیل نام‌الاختیار خود، اجازه فرمودند تا از محل جمع‌آوری وجوهات، قسمتی را صرف فعالیت‌ها و تبلیغات اسلامی نماید. دکتر یزدی به لحاظ ارتباط دائم با امام در نجف، حامل اکثر پیامهای امام برای دانشجویان مبارز خارج از کشور بود. با همت دکتر یزدی بود که شرکت "انتشار" توانست دفاتری در اروپا و آمریکا برای توزیع یا تکثیر کتب مفید اسلامی افتتاح نماید. پس از تعطیل شدن شرکت "انتشار" در تهران بوسیله ساواک، دکتر یزدی بکمک برادران مبارزش توانست چاپخانه و موسسه دفتر پخش کتاب را تأسیس نماید و از این طریق بود که کتابها و نوارهای اسلامی در سراسر جهان از آمریکا و اروپا گرفته تا افغانستان و عراق، شیخ‌نشین‌های خلیج فارس، هند و پاکستان و فیلیپین و... پخش و منتشر می‌شد و ترجمه کتابهای مفید اسلامی بزبانهای خارجی (کتابهای دکتر شریعتی، مهندس

بازرگان و... ) توسط همین مؤسسه انجام می‌گرفت .

دکتر یزدی از مؤسسين و مسئولين نهضت آزادی ایران در خارج از کشور بود که در سال ۱۹۶۱ توسط برادر مجاهد شهید دکتر علی شریعتی در پاریس آغاز شد و خود عضو شورای مرکزی و مسئول انتشارات نهضت آزادی ایران در خارج از کشور بوده است . آثار قلمی دکتر یزدی در این رابطه عبارتند از :

شورش‌گری و ضد شورش‌گری ، جنگ بی‌پایان ، آمریکا در تدارک و بیتنام دیگر ، سازماندهی مخفی ، مواد انفجاری ، اقتصاد اسلامی و آثار متعدد دیگر که بصورت تحلیل‌های سیاسی بچاپ رسیده‌اند ، همچنین سخنرانیهای سیاسی ، ایدئولوژیک و تحلیل‌های اجتماعی - سیاسی دکتر یزدی که در جلسات مستمر در آمریکا داشته‌است بصورت نوار ، قبل از پیروزی انقلاب اسلامی بطور محرمانه با ایران ارسال و توسط مردم با اشتیاق تمام تکثیر و توزیع می‌گردید . دکتر یزدی با بسیاری از جریان‌ها و سازمان‌های اسلامی و یا اسلامی - انقلابی دنیا ارتباط نزدیک داشته و در جنبش اسلامی مستضعفان آمریکا سهیم بوده است و با جبهه آزادیبخش فلسطین از سال ۱۹۶۵ در تماس نزدیک بوده و همه ساله در سراسر راه خود به نجف و دیدار با امام خمینی یا رهبران فلسطین نیز دیدار و مذاکره داشته است . روزنامه " پیام مجاهد " که زیر نظر مستقیم دکتر یزدی اداره می‌شد از سال ۱۳۵۰ ماهیانه بطور مرتب تا زمان بازگشت امام به ایران همه ماهه در هزاران نسخه در سراسر خارج از کشور توزیع می‌شده است .

دکتر یزدی ، پس از شهادت دکتر شریعتی ، در باز پس گرفتن جنازه آن شهید از مأمورین ساواک جهنمی و انتقال آن به زینبیه در شام همراه با سایر برادران هم‌زم خود فعالیت

مؤثری داشته و در برگزاری مراسم اربعین آن مجاهد شهید در بیروت که با شرکت ۱۸ سازمان سیاسی - انقلابی و به ابتکار و همت نهضت آزادی ایران در خارج از کشور و با همکاری سازمان الفتح انجام شد نقش بسزائی داشته است .

دکتر یزدی از لحظه هجرت امام از نجف به کویت، که به مخالفت دولت کویت انجامید، در خدمت معظم له بود و امام با قبول پیشنهاد دکتر یزدی از سفر به کشور سوریه منصرف و به پاریس هجرت کردند و در طی اقامت امام در پاریس، دکتر یزدی از نزدیکترین مشاورین امام در این دوره بوده است . دکتر یزدی سپس به همراه امام به ایران بازگشت و از طرف امام عضویت در شورای انقلاب انتخاب گردید . او پس از تشکیل دولت موقت بعنوان معاون نخست وزیر در امور انقلاب برگزیده شد و ایجاد نهادهای انقلابی نظیر سپاه پاسداران، دادگاههای ویژه انقلاب، جهاد سازندگی، ایجاد هماهنگی و تمرکز کمیته‌های انقلاب اسلامی، مدیریت کمیته‌های مأمور در مرزهای خروجی و ورودی کشور و تهیه لیست ممنوع الخروجها و ممنوع‌الورودها را پایه‌ریزی نموده است .

دکتر یزدی پس از استعفای دکتر سنجابی، دومین وزیر امور خارجه دولت موقت انقلاب اسلامی ایران است . او در مدت وزارتش در وزارت خارجه نقش مؤثری را در پاکسازی کلیه ادارات وزارت خارجه و نمایندگی‌های جمهوری اسلامی ایران در خارج از کشور از لوث وجود عناصر ساواکی و اعضاء فراماسیون که بزرگترین پایگاهش در وزارت خارجه بود ایفا نماید. او همچنین عناصر فاسد و لایابالی، تنبل و بیکاره‌های وابسته به فرقه‌های ضاله را شناسائی و تصفیه نمود .



اصول برنامه‌های سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران  
توسط دکتر بزدی تدوین و پس از تصویب هیأت دولت موقت  
انقلاب و شورای انقلاب به تأیید امام نیز رسید. در طی دوران  
مسئولیت دکتر بزدی در وزارت امور خارجه:

– روابط دیپلماتی ایران با آمریکا از سطح سفیر به  
سطح کاردار تنزل داده شد و دکتر بزدی به سفیر آمریکا اجازه  
ورود به ایران را نداد.

– قرارداد کاپیتولاسیون لغو گردید.

– خروج ایران از پیمان نظامی "سنتو" و بدنبال آن  
انحلال پیمان "سنتو".

– انتشار کلیه اسناد محرمانه پیمان "سنتو".

– لغو قرارداد استخدام مستشاران آمریکائی مورخه

۱۳۲۶.

– لغو قرارداد دوجانبه ایران و آمریکا مورخه، ۱۳۳۸

و انتشار متن کامل آن.

– اصول ۵ و ۶ قرارداد ۱۹۲۱ بین ایران و شوروی

بلا موضوع اعلام شد.

– بررسی قراردادهای خرید لوازم نظامی از آمریکا و

انتشار اصول کلی این قراردادها که به ۹۴۵ عدد می‌رسید و

مبلغ آن در حدود ۲۱ میلیارد بود، که در ضمن روکردن ادعاهای

دولت آمریکا در مورد خرج این وجوهات، مطالبات ایران مورد

بهره‌گیری شدید قرار گرفت.

– سفارشاتى که در زمان شاه مخلوع با آمریکا داده شده

و بهای آنها بطور کامل پرداخت شده بود و آمریکا از تحویل

آنها خودداری می‌نمود، مطالبه و برخی تحویل گرفته شد.

– با اسرائیل غاصب و رژیم نژادپرست افریقای جنوبی قطع رابطه، همه‌جانبه و با دولت خائن سادات در مصر روابط دیپلماسی قطع گردید .

– با دولت کوبا روابط دیپلماسی برقرار شد .

– با دول ویتنام ، یمن جنوبی و لیبی روابط برقرار

گردید .

– با سازمان آزادبخت فلسطین بعنوان نماینده خلق

فلسطین روابط دیپلماسی برقرار گردید و یاسر عرفات در مورد

کمکهای جمهوری اسلامی ایران به فلسطین از دکتریزدی رسماً

تشکر نمود .

– با نهضت‌های آزادی‌بخش جهان (اریتره ، پولیساریو ،

مسلمانان فیلیپین ، افغانستان ، عراق و ظفار) روابط بسیار

نزدیک برقرار گردید .

– پولیساریو بعنوان نماینده خن صحرای غربی به

رسمیت شناخته شد و با آنها روابط برقرار شد .

– دولت انقلابی نیکاراگوئه برسمیت شناخته شد و

روابط نزدیک سیاسی و دیپلماسی برقرار شد .

– صدور و فروش نفت به فیلیپین قطع شد .

– اسناد مربوط به کمک شاه مخلوع به رژیم‌های ارتجاعی

از جمله اسقف موزوروا منتشر شد .

– اعتبار گذرنامه‌های شاه مخلوع و همراهانش لغو و

به پلیس بین‌المللی کشورهای جهان بطور رسمی ابلاغ شد .

– اقدامات پیگیری برای استرداد اموال شاه خائن از

سوئیس انجام شد .

– بد خالتهای آمریکا در ایران رسماً "وشدیدا" اعتراض

شد (اعتراض به قطعنامه سنای آمریکا) .  
- اعتراض رسمی و شدید به سفر شاه‌خاغن و همراهانش  
با آمریکا و تقاضای استرداد شاه و فرح بایران .  
- درخواست رسمی از آمریکا برای استرداد مجرمین  
و جنایتکاران ایرانی که به آمریکا فرار کرده‌اند .  
- شرکت در ششمین کنفرانس سران دول غیر متعهد  
در کوبا .

- شرکت در سی و چهارمین اجلاسیهٔ مجمع عمومی  
سازمان ملل متحد و ایراد سخنرانی بزبان فارسی برای اولین  
بار در تاریخ سازمان ملل متحد بمنظور معرفی فکری و سیاسی  
انقلاب اسلامی ایران .

- پیشنهاد دکتر یزدی به امام برای اعلام آخرین  
جمعهٔ ماه مبارک رمضان بعنوان روز جهانی قدس .  
- شرکت در بیست و پنجمین سالگرد انقلاب الجزایر .  
- تأسیس نمايشگاه‌های انقلاب در پایتخت کشورهای  
جهان و انتشار مرتب نشریات بزبانهای مختلف جهان بمنظور  
معرفی انقلاب اسلامی و دهها فعالیت چشم‌گیر دیگر .  
دکتر یزدی پس از استعفای دولت موقت انقلاب هیچ  
مسئولیت دولتی نپذیرفت و ترجیح داد که در میان مردم باشد  
و لذا امام رسماً "وی را بسمت نمایندهٔ ویژهٔ خود انتخاب کرد  
تا بشکایات و مشکلات مردم رسیدگی نماید . عین دستخط امام  
به دکتر یزدی چنین است :

بسم الله الرحمن الرحيم

جناب سرکار ابراهیم یزدی

کتابت بسیار از آیتها مختلف گنوده رسیده است جناب که مورد  
اعتراف اینجانب میباشید و مورد عیب نیستی که اینجانب صرف  
خواهد نمود باتفاق گنوده سرگشته نموده برادر سید که کتابت نمودم  
در موارد مختلف و شامل مختلف گزارش تهیه نمائید تا در باره آن  
تعمیر مقصود گرفته شود تا در محاکم صادر رسیده که تمهیدین مجازات شوند  
لغتم است در هر نقطه با علاء معلوم و معین هر تا سر گرفته و با ممالک  
آنانی که موردیت را انجام دهند بر این است آن فرستاد مختلف گنوده  
در نفع ابراهیم از عهده ویرانه شتیبانی میباشید و موضوعات مورد  
اختلاف را با این جهت مطرح نمائید تاریخ ۲۰ اردیبهشت ۵۸

۵۸ مهر ۱۳۰۰  
۲۰ اردیبهشت ۱۳۰۰

دکتر یزدی با تکیه به اعتمادی که امام نسبت به وی ابراز نمودند در سفرهای خود به سیستان و بلوچستان ، بندر لنگه و سایر نقاط و استانها ، بحرانشا را با درایت و تدبیر خاموش و آرام ساخت .

امام در شب ۱۱ بهمن ۵۷ هنگام وداع با دکتر یزدی در حاشیه قرآن وی چنین می نویسد :

#### بسمه تعالی

در سفری که ناچار به پاریس منتهی شد جناب آقای دکتر یزدی از لحظه اول همراهی نمودند و مدت چهار ماه و چند روز تحمل زحماتی ارزنده نمودند و خدمات ارزنده ای به نهضت مقدس کردند و در این چند ماه با کمال صداقت و امانت تقبل اموری چند را نمودند، امید است خدای متعال ایشان را اجر و توفیق عنایت فرماید .

۱۱ بهمن ۵۷ ، ۹۹/۱/۲۰

روح الله الموسوی الخمینی

و در ۵۸/۷/۲۱ بدنبال شایعاتی که ضد انقلاب در مورد دکتر یزدی پراکند امام چنین فرمودند :  
"امروز روز تهمت است ، اینها از یک اشخاصی ترس دارند ، خوف دارند . من بیست و چند سال است که دکتر یزدی را می شناسم ، اینها مردمی متقی هستند که برای اسلام کار می کنند .  
دکتر یزدی یک همسر و شش فرزند و یک نوه دارد و همسر وی ایرانی الاصل و اهل تبریز و از خانواده مرحوم میرزا باقر طلایه می باشد " .



پس از پایان سخنرانی مهندس بازرگان و قبل از ظاهر شدن دکتر یزدی در پشت تریبون عده‌ای حدود ۷۰-۶۰ نفر مخالف در جلوی جایگاه شعار (امیرانتظام جاسوس، اعدام باید گردد) را می‌دادند و جمعیت حاضر در امجدیه باتفاق علیه آنان شعار (آیت‌گودتائی اعدام باید گردد) را می‌دادند و از طرف ستاد برگزاری سخنرانی، مردم را دعوت به سکوت می‌کردند. اما همچنان که شعار (آیت‌گودتائی اعدام باید گردد) را می‌دادند به بیان شعارهای زیر نیز پرداختند:

ما حزب نمی‌خواهیم - ما پیرو قرآنیم

مرگ بر مخالف بنی‌صدر

درود بر یزدی

مسلمان بی‌اخیز - حزب شده رستاخیز

بسم الله الرحمن الرحيم

ولتكن منكم امة يدعون الى الخير و يأمرون بالمعروف و ينهون عن المنكر  
و اولئك هم المفلحون . (آل عمران ۱۰۴)

هموطنان عزیز ، مردم قهرمان ایران ، خواهران و برادران ، با سلام و درود  
فراوان بر شما ، با سلام و درود فراوان بر شهیدان انقلاب اسلامی ، با سلام و درود

فراوان بر همه کسانی که در مرزهای این میهن اسلامی علیه نیروهای تجاوزگر عراق می‌جنگند و با سلام بر امت و امام سخن خود را آغاز می‌کنم .

میهن اسلامی ما اینک حساس‌ترین و بحرانی‌ترین دورانهای تاریخ خود را می‌گذراند؛ دورانی که کمترین اشتباه، کمترین خطا و کمترین بی‌توجهی عواقب وخیم و غیرقابل جبرانی را ببار خواهد آورد .

در این موقع عده‌ای حدود ۷۰-۶ نفر بادر دست داشتن عکس‌هایی از آقای بهشتی و روزنامه «نبرد ملت» شروع کردند به دادن شعارهایی علیه دکتر یزدی بیهوده نفع آقای دکتر بهشتی به قصد برهم زدن میتینگ. آقای دکتر یزدی خطاب به جمعیت چنین گفتند: "قبل از آنیکه من سخنان خود را شروع کنم باید چند نکته را بگویم. ما از این حرفها زیاد شنیدیم. اگر مفهوم توده نفتی را نمی‌دانید ما مفهوم توده نفتی را می‌دانیم. اگر می‌خواهید بدانید که چه کسانی این بلوا را بپا می‌کنند ببینید رادیوی صدای آمریکا و رادیوی بختیار دیروز چه دستوری به اینها داده است برای برهم زدن سخنرانی. اگر اینها طرفداران واقعی امام هستند مگر امام نفرمود که در میتینگ‌ها و در گردهمایی‌ها اخلاص نکنید. بدانید اینهایی که در این میتینگ و در این برنامه زیر پرچم آمریکا می‌خواهند میتینگ ما را برهم بزنند نوکران اجانب هستند".

(پس مردم شعار مرگ برچماقدار - مرگ بر توده‌ای را متفقا" سردادند).

دورانی که ملت ما با بزرگترین مشکلات دست به‌گریبان است؛ مشکلاتی که عمق و گسترش و ابعاد آن به عظمت انقلاب اسلامی ایران می‌باشد؛ این مشکلات کدامند و از کجا ناشی شده و می‌شوند؟ و آیا می‌باید آنها را با مردم مطرح ساخت یا خیر؟ آیا می‌توان بدون طرح مشکلات اساسی مملکت با مردم و آگاه ساختن آنان برای این مشکلات و ریشه‌های آنها، از مردم خواست که مشکلات را تحمل کنند و یا برای حل مشکلات همکاری نمایند!!

آیا با عدم طرح مشکلات، ایرادات، نواقص و نارضایتی‌ها برای مردم که صاحبان اصلی انقلاب هستند، میتوان جلوی تخریقات و توطئه‌های دشمنان انقلاب



اسلامی و همهی خناسانی که مرتب "یوسوس فی صدور الناس" می‌کنند را گرفت؟ آیا چطور میتوان مردم را به تحمل مشکلات دعوت کرد و آماده ساخت؟ سخن اصلی بر سر این نیست که مردم مشکلات را تا کی می‌توانند تحمل کنند و یا چه موقع مشکلات حل خواهند شد. مردم ما قادرند و می‌توانند و آماده‌اند، با تکیه بر نیروی لایزال الله، در برابر تمامی این مشکلات بایستند و تحمل کنند. و برای حل آنها آماده‌ی همه نوع همکاری و مشارکت و فداکاری هستند. اما مسئله بر سر این است که این امر وقتی میسر و ممکن است که با مردم برخورد اصولی و منطقی بشود؛ مشکلات و ایرادات را خودمان و با صراحت به مردم بگوئیم.

اگر مردم در جریان ایرادات و انتقادات و اشکالات و کمبودها قرار نگیرند چطور میتوان از آنها انتظار داشت که تحمل کنند؟

اگر دولت مردان و مسئولین امور نتوانند به مردم نشان دهند و آنها را قانع سازند که طرح‌ها و برنامه‌های حساب شده معقول برای حل مشکلات داخلی و خارجی مملکت دارند، چطور میتوان انتظار همکاری داشت؟ برای آنکه مردم همچنان اعتماد و اطمینان خود را به دولت مردان حفظ کنند و مشکلات را تحمل کنند، بر مسئولین امور است که اولاً "نشان بدهند که صورت مسئله و اصل قضیه را فهمیده‌اند. اگر چنانچه دولت مردان و دست اندرکاران، آنچنان عمل نکنند و یا آنچنان سخن بگویند که بطور وضوح نشان دهند که آنها حتی صورت مسئله را نفهمیده‌اند، و در موارد مختلف تصمیمات ضد و نقیض بگیرند و یا سخنان ضد و نقیض بگویند، مردم چگونه باور کنند که اینها قادر به حل مشکلات خواهند بود؟ ما معتقدیم که این مسئله، اساسی‌ترین و بزرگترین مشکل دولت مردان کنونی است.

ثانیاً "بعد از آنکه صورت مسئله روشن شد، باید بتوان برای حل مشکلات برنامه‌های درازمدت و کوتاه مدت داشت. باید اولویت‌ها را مشخص کرد. و سپس هدفها و برنامه‌ها و اولویت‌ها را در هر مرحله برای مردم تفهیم نمود و آنگاه با همکاری و مشارکت مردم به اجرای برنامه‌ها پرداخت. وقتی مردم ببینند و بفهمند که دولت برای حل مشکلات برنامه دارد و برنامه‌اش منطقی و مطالعه شده است قانع

می‌شوند و همکاری می‌کنند .

همه مردم با امید شروع بکار خواهند کرد و بهمت یکدیگر مشکلات را از سر راه برخواهند داشت . و ضد انقلاب هم هرگز جایی برای وسوسه‌های خود پیدا نخواهد کرد .

امروز مشکلات و کمبودهای فراوانی برسر راه انقلاب اسلامی ما قرار دارد . ما می‌دانیم که قسمتی از این مشکلات از نظام پیشین به ما به ارث رسیده است . بخشی از مشکلات اقتصادی کنونی مملکت حاصل سالیان دراز سلطه استبداد داخلی و استیلای خارجی برمیهن ما بوده است . بعنوان نمونه : صنایع مونتاژ و وابسته و یا نابودی کشاورزی ایران و نیاز مملکت به واردات مواد غذایی ، و مشکلات ناشی از آنها ، از جمله مسائلی هستند که از گذشته به ما رسیده است . همچنین می‌دانیم که بخشی از مشکلات ما ناشی از تغییر نظام گذشته و جانشینی نظام جدید است که با پیروزی انقلاب در ۲۲ بهمن ۵۷ در جامعه بوجود آمده است . مدبران و صاحبان بسیاری از نهادهای مالی ، صنعتی و یا کشاورزی که از متولیان نظام طاغوتی بودند ، بعد از انقلاب ، از دست انتقام ملت فرار کردند . و مسئولیت اداره این نهادها ، با دنیائی از مشکلات مربوطه ، برعهده ما واگذار شده است . این تغییرات در مدیریت ، در مالکیت ، که لازمه انقلاب بوده است ، لاجرم در سطح تولید و سایر مسائل مربوطه اثر گذاشته و می‌گذارد . یا آنکه می‌دانیم که این صنایع مونتاژ برای تولیدات خود به مواد اولیه بسیاری نیازمندند . در رژیم شاه که تمامی ابرقدرتها و قدرتها از خوان بی حساب شاه بهره‌مند می‌شدند ، بمصداق " کدخدا را ببین و ده را بباد غارت بگیر " هر یک به نحوی به چپاول اموال ملت ما مشغول بودند ، تهیه مواد اولیه برای این کارخانجات بسیار سهل و آسان بود . اما همه می‌دانیم که انقلاب اسلامی ایران یک محور اصلی اش ، پایان بخشیدن به همین غارتگری‌ها بود ، پایان دادن به سلطه سیاسی ، نظامی اقتصادی ، و فرهنگی ابرقدرتهای شرقی و غربی بود ، و لذا نمی‌توانست و نمی‌تواند به همان راحتی و سهولت زمان شاه به تهیه این نیازها موفق گردد .

ما این مشکلات را می‌دانیم . اما آیا بدلیل این مشکلات میتوان از طرح

برنامه‌های اصولی و منطقی خودداری کرد؟ یا آنکه با ندانم‌کاریها و بی‌کفایتی‌ها برداشته مشکلات افزوده تا بجائی که خدای نکرده به یک فاجعه بزرگ و متلاشی شدن منجر گردد؟

پس از پیروزی انقلاب در ۲۲ بهمن ۵۷، ما با دو رسالت اساسی روبرو بودیم. یک وظیفه عبارت بود از منظم ساختن و براه انداختن تمامی نهادهای سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی مملکت، که بدلیل انقلاب، و مبارزه ممتد و سرسختانه مردم بهم ریخته و از هم پاشیده شده بودند. رسالت دوم، تغییرات بنیادی و انقلابی در تمامی نهادها بود. بنظر ما هر انقلابی دو مرحله دارد: مرحله سلبی و مرحله ایجابی. در مرحله سلبی، که نفي تمامی معیارها و ارزشها و روابط نظام کهن پیشین است، انقلاب با تخریب هرچه سریع‌تر و عظیم‌تر و انفجار همراه است. نظیر مرحله اول انقلاب اسلامی ایران که با سرعت و شتاب فراوان، همچون یک زلزله، یک صاعقه انجام شد، و نظام شاهنشاهی ۲۵۰۰ ساله را از بین برد و استبداد پهلوی را به‌زباله‌دان تاریخ سرنگون ساخت. به‌سلطه استیلای سالیان‌دراز امپریالیست‌ها، استکبار و تکاثر جهانی خاتمه داد.

اما مرحله دوم، که بعد ایجابی و سازندگی انقلاب است، شیوه کار بکلی باید متفاوت باشد. در مرحله کار ایجابی برنامه‌ریزی، سازماندهی، تمرکز و وحدت و هماهنگی در مدیریت بیش از مرحله اول ضروری است و امری است اجتناب‌ناپذیر. در این مرحله، انقلاب باید دو کار را توأماً انجام دهد. دو کاری که انجام موفقیت‌آمیز هر یک از آنها در شرایط عادی خود، معجزه‌ای خواهد بود. کار اول بعد از پیروزی انقلاب، سازماندهی جدید و ایجاد نظم در تمامی نهادها بود. عدم نظم و سازماندهی در این مرحله از انقلاب موجب تشدید بحرانهای اقتصادی، تشدید تورم و رکود و بیکاری، و موجب بروز هرج و مرج و ناامنی می‌گردد. لذا بعد از انقلاب اولین رسالت و وظیفه ایجاد نظم جدیدی- باشد. اما این امر کافی نیست. دولت بعد از انقلاب نه تنها می‌بایستی نظم را بوجود بیاورد، بلکه باید نظام جدیدی را پایه‌ریزی نماید، و تغییرات بنیادی را

در تمامی شئون و در تمامی ابعاد اجتماعی، سیاسی، اقتصادی، فرهنگی معرفی نماید.

### خطر و نگرانی وقتی است که دولت‌مردان نتوانند مشکلات را درک‌کنند

در تحت شرایط غیرعادی بعد از پیروزی انقلاب، کسانی که مسئولیت پذیرفتند، علاوه بر آنکه شجاع‌ترین و صادق‌ترین یاران این انقلاب اسلامی ایران بودند و هستند، با این دو مشکل روبرو شدند. و در جهت اجرای هردو وظیفه کوشیدند و بطور نسبی هم موفق گردیدند. اگرچه کارشکنی‌ها و دخالت‌های پی‌درپی کسانی که قدرت را می‌خواستند ولی بدون مسئولیت نگذاشت کارسازمان اساسی برسد. مشکل اساسی کشور ما بعد از پیروزی انقلاب، که تا به امروز هم ادامه دارد، منجر به بحران کنونی شده است. بحران در مدیریت مملکت و بینش مسئولان کنونی می‌باشد، که از بدو پیروزی شروع شده است و روز بروز سایه خود را سنگین‌تر کرده است.

قبل از آنکه من به بررسی این مشکل بپردازم لازم میدانم نکته‌ای را تذکر بدهم و آن اینکه اگر در این بررسی ما به مشکلات داخلی توجه عمده و اساسی می‌نمائیم، باین معنا نیست که به عوامل خارجی و توطئه‌های دشمنان انقلاب اسلامی از چپ و راست توجه نداریم و آنرا نادیده می‌گیریم و یا کم‌بها می‌دهیم. خیر، ما عمیقاً معتقدیم که تحریکات و توطئه‌های دشمنان خارجی انقلاب اسلامی ایران، استکبار و تک‌اثر جهانی، امپریالیست‌های شرقی و غربی و ایادی مزدور داخلی آنان هیچکدام تعیین‌کننده سرنوشت انقلاب اسلامی ما نیستند. و تا زمانی که ملت یکپارچه باشد و تا زمانی که اختلافات و مشکلات داخلی قابل مهار کردن باشند، هیچ یک از دشمنان ما، آمریکای جهان‌خوار یا ابرقدرتهایی دیگر، هیچ غلطی نمی‌توانند بکنند. بعبارت دیگر تحریکات و توطئه‌های عوامل خارجی و مزدوران داخلی آنها وقتی تعیین‌کننده و مؤثر واقع می‌شوند که شرایط داخلی مناسب و مساعد گردد. اگر ما بتوانیم مشکلات داخلی خود را مهار کنیم، دولت‌مردان با کفایت و کارآمد، که متعهد به انقلاب اسلامی هم باشند، در رأس امور قرار گیرند که بتوانند با طرح

و تنظیم برنامه‌های اساسی، مشکلات را ارزیابی و مهار کنند و وحدت همه صفوف و اقشار معتقد باسلام و جمهوری اسلامی را فراهم سازیم، توطئه‌های دشمنان انقلاب هرگز قادر نخواهند بود انقلاب را منحرف و یا منهدم سازند. خطر ونگرانی وقتی است که دولتمردان نتوانند مشکلات را درک کنند! صورت مسئله را نفهمند و ادامه وضعیت موجود به تدریج و بسرعت اثرات نامطلوب خود را ظاهر سازد و مردم هم بی تفاوت شده و صفوف پراکنده گردد. آنگاه دشمنان اسلام هرکار غلطی را خواهند توانست که انجام بدهند!

اما آن مشکلی که از بدو انقلاب برکشور ما سایه افکند و روز بروز سایه‌اش سنگین ترمی شود و علت عمده بسیاری از نابسامانی‌های کنونی است عبارت است از اختلافاتی که در سطح بالای مملکت بروز کرده است و امروز تمامی کشور را دچار تب و تاب خود ساخته و جامعه را قطب‌بندی نموده و همه من جمله امام را نگران ساخته است.

امام بارهانگرانی خود را از این اختلافات ابراز نموده‌اند. سرنوشت انقلاب اسلامی ایران به حل این مشکل بستگی پیدا کرده است.

اما این مشکل چیست و از کجا ناشی می‌شود؟ و آیا وحدت را چگونه میتوان بوجود آورد.

### اختلاف برسر دو بینش

بعضی‌ها اختلافات را ناشی از برخوردهای انسانی و منش‌ها و متأثر از خلقیات و نفسانیات اشخاص درگیر می‌دانند. اما بنظر ما این امر تنها یک قسمت از مشکل را بیان می‌کند. اشکال اساسی در جای دیگر است. و آن اختلاف دو بینش و نگرش از فلسفه سیاسی است. یک بینش به جامعه باز و آزاد براساس موازین اسلامی و قانون اساسی اعتقاد دارد. بینش دیگر معتقد به اداره کشور براساس حکومت تک حزبی است.

(در این موقع مجدداً همان عده‌ای که در ابتدای سخنرانی شروع به اخلاص کرده بودند، با دادن شعارهایی به نفع افراد مشخصی قصد ایجاد تشنج را داشتند.)

آقای دکتر یزدی خطاب به جمعیت گفتند:

هر زمان زرم آرا، در دوره ملی شدن صنعت نفت، وقتی که ایادی رزم آرا آمدند توی مسجد شاه سابق شلوغ بکنند، ما از مردم خواستیم که دور و بر این شلوغ کنندگان را خالی کنند و آزادشان بگذارند، بنابراین من از جمعیت می‌خواهم بپایند اینطرف. بفرمائید اینطرف.

(مردم که عصبانی بودند می‌خواستند خودشان این عده را تنبیه کنند، اما بر اثر سخنان دکتر یزدی مردم دور و بر این افراد را خالی کردند، بطوری که عده آنها مشخص شد، که حدود ۶۰ تا ۷۰ نفر بودند. در این موقع ما مورین انتظامی آنها را محاصره کردند و چند نفری را دستگیر و بقیه از صحنه فرار کردند.)

یک گروه و حزبی معتقد است که بعد از پیروزی انقلاب برای انتقال جامعه از جامعه منحط و کهن گذشته به یک جامعه روبه رشد باید بر جامعه استبداد دیکتاتوری حاکم باشد، باید تمامی فعل و انفعالات جامعه، تمامی رسانه‌های خبری، تمامی مراکز و منابع و منابع، همه تحت کنترل شدید و متمرکز یک حزب سیاسی در آیند و چنین عمل کرده و می‌کنند. تز ایجاد و استقرار دیکتاتوری بعد از پیروزی انقلاب، ابتدا توسط مارکسیست‌ها و تحت عنوان دیکتاتوری پرولتاریا مطرح گردید، که در روسیه هم آنرا اجرا کردند.

اما این اندیشه فرسنگها با اندیشه اصیل اسلامی فاصله دارد. اندیشه و فکر و تز و با فلسفه سیاسی دیکتاتوری یک حزب واحد، یا گروه واحد، حکومت تک‌حزبی، چه بنام دیکتاتوری پرولتاریا و چه بنام دیکتاتوری صلحایا مستضعفین و با دیکتاتوری بهر اسم و عنوان دیگری خلاف جهان بینی توحیدی و اندیشه اسلامی است. اسلام با هرگونه انحصارطلبی گروهی، طبقاتی و قشری و... شدیداً مخالف است و مبارزه می‌کند.

طرفداران تز دیکتاتوری پرولتاریا، یا هر نوع دیگری، انقلاب را تغییرات بنیادی در روابط اقتصادی می‌دانند که تنها با ایجاد دیکتاتوری بعد از پیروزی سیاسی میتوان آنرا اعمال کرد. و معتقدند که تغییرات در روابط اقتصادی موجب

تغییرات در اندیشه‌ها می‌گردد. اما انقلاب اسلامی، در نهایت، تغییر انسان است. انقلاب اسلامی در نهایت همان انقلاب فرهنگی است. انقلاب در هویت انسان است. تغییر در نفسانیات است، که این همان تزکیه است. چنین تغییراتی با اکراه، با زور، با چماق صورت نمی‌گیرد. از دیدگاه اسلام، تغییر مطلوب انسان تنها در یک جامعه باز و آزاد، بر اساس ضوابط اسلامی، امکان پذیر است. کوشش برای ایجاد حکومت تک حزبی ولو بنام حزب الله انحراف از اسلام است، چرا که حزب الله به معنای حاکمیت یک حزب یا یک سازمان سیاسی مشخص نیست. حزب الله در قرآن به معنای حاکمیت فکر و اندیشه توحیدی است. سرشت چنین اندیشه‌ای مغایر با سلطه طلبی و سلطه پذیری فردی و یا گروهی و یا حزبی و طبقاتی است. (جمعیت در پایان هر قسمت از سخنان دکتر یزدی با گفتن سه بار تکبیر و سپس خمینی رهبر می‌گفتند مرگ بر مخالف بنی‌صدر)

تنها راه رشد اسلامی جامعه، قبول و ایجاد جامعه باز است، نه جامعه بسته و زیر کنترل و سلطه.

### آیا برخی از نمایندگان از برخی دیگر "نمایندتر" هستند؟

قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران به درستی و به حق همین راه را انتخاب کرده است. دستاورد بزرگ انقلاب اسلامی ایران همین قانون اساسی ماست. قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران ایجاد یک جامعه باز رو به رشد اسلامی را ارائه می‌دهد، نه یک حکومت تک حزبی که با زور و جبر، از طریق تفتیش عقاید و پیرش نامه‌های جور و اجور مرسوم این زمان در ادارات و مراکز فرهنگی و... دیکتاتوری و حاکمیت حزب واحد نه تنها خلاف اسلام و قوانین اساسی است بلکه خلاف سرشت و طبیعت انقلاب اسلامی ایران است.

علاوه بر این وضعیت و شرایط انقلاباتی که بعد از پیروزی، سازمان واحدی حکومت را در دست گرفته است با وضع و شرایط انقلاب در ایران متفاوت می‌باشد. در آن کشورها و آن انقلابات، سازمانی که رهبری و حکومت را بعد از پیروزی

به دست گرفته است ، سالها قبل از پیروزی تأسیس یافته و در طی دوران سخت و پرتلاطم و خطرناک مبارزه بر علیه هیئت حاکمه آزمایش خود را داده است و بارهبری انقلاب و به پیروزی رسانیدن آن توانسته است مورد قبول مردم واقع گردد . اما در ایران هیچ سازمانی و حزبی نیست که بتواند ادعا کند رهبری انقلاب را در دست داشته است . در انقلابات دیگر ، سازمان یا حزب حاکم بعد از پیروزی انقلاب تأسیس نشده است تا حکومت را در دست بگیرد . تازه در همان کشورها هم ، علیرغم اینکه سازمان واحدی رهبری انقلاب را در دست داشته است ، بعد از پیروزی در حکومت بر مردم و اداره جامعه دچار مشکل بوده و با مقاومت مردم روبرو شده اند ، تا چه رسد به حزب و سازمانی که بخواهد بعد از پیروزی انقلاب تشکیل شود و بعضاً " اشخاصی در آن عضویت پیدا کنند که هر کدام دارای نگرشی و اندیشه سیاسی و سوابق سیاسی متفاوت و متضادی بوده اند . و بعضاً " اشخاصی عضو فعال و مدافع می شوند که قبل از انقلاب یا اهل مبارزات سیاسی نبوده اند و یا اصولاً " مخالف فعالیت سیاسی بوده اند ! چطور مردم می توانند زیر بار چنین جریانی بروند و وقتی می بینند که اشخاصی در این بافت سیاسی قدرت حاکم وارد شده اند که تا مدتها قبل از ۲۲ بهمن ۵۷ حتی مخالف فعالیت های سیاسی بوده اند و یا بعضاً " به گروه های غیر اسلامی وابسته بوده اند ! تحقق و احراز سلطه حکومت حزب واحد خصوصاً " در ایران لاجرم با شیوه ای غیر اسلامی و ضد اسلامی ممکن و میسر می گردد . اگر می بینید که در آموزش و پرورش پرسشنامه های تنظیم می گردد و تفتیش عقاید می شود ، و سیستم های خاصی بنام " امور تربیتی " و یا " گزینش " برای کنترل بوجود آورده اند ، اینها انعکاس همان تفکر سیاسی نیست؟ اگر می بینید یک نهاد انقلابی بجای انجام رسالتی که در سازندگی بر عهده دارد ، به موضع گیری سیاسی و گروهی می پردازند و سه نفر از نمایندگان مردم در مجلس شورای اسلامی را به جرم " عدم اشتها در خط امام بودن " از سخن گفتن با مردم محروم می سازد علامت چیست؟ جز گروه گرایی؟ آیا این خطر نیست که انقلاب اسلامی به آنجا رسیده است که فرزند دست پرده مجاهد نستوه ، آیت الله طالقانی ، یکی از بنیانگذاران نهضت آزادی ایران ، که خود نیز یک مبارز



سابقه دار قدیمی و نماینده مردم تهران است فردی نامطلوب و خارج از خط امام، عدم اشتها به خط امام تشخیص داده می شود و در عین حال نماینده یک نهضت آزادی بخش کشور دیگری و یا سفیر یک دولت خارجی، مطلوب و مشهور به خط امام تشخیص داده شده و مجاز برای سخنرانی در سالگرد انقلاب اسلامی ایران! برآستی کجا می رویم؟

ما را چه می شود که در سالگرد برگزاری یادبود انقلاب شکوهمند اسلامی مان اسم اولین نخست وزیر مبعوث امام بعد از پیروزی انقلاب، از تمامی اخبار حذف می گردد، آنچنان که گوئی هرگز امام نخست وزیر دولت موقت را معرفی نکرده بوده است؟ و چنین حادثه‌ای در بهمن سال ۵۷ بوقوع نپیوسته است؟

مگر طرفداران حکومت "دیکتاتوری پرولتاریا" و استالین جز این می کردند که ناگاه بر حسب تشخیص کمیته مرکزی حزب کمونیست ابتدا برخی از مبارزین و هواداران سابق، نامطلوب تشخیص داده می شدند و اسامی آنها از تمام اخبار حذف می شد؟ حتی از کتابهای درسی و تاریخی! و سپس بدنبال تصفیه سیاسی، تصفیه جسدی هم می شدند؟ ببینید از اعضای کمیته مرکزی حزب کمونیست روسیه چند نفر توانستند از ترور استالین جان سالم بدر ببرند!! (تکبیر مردم و سپس شعار مرگ بر مخالف بنی صدر)

آیا چگونه است که صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران که باید به حکم عقل و منطق و رهنمودهای مکرر امام امت وارد گروه بندیها نشود و رعایت بیطرفی را بنماید اخبار فعالیت‌های سیاسی اشخاص وابسته به یک جریان معینی را مرتب و مکرر منتشر می سازد اما سایرین را سانسور می کند؟ چه شد که اخبار مراسم سالگرد انقلاب در قزوین را در ۲۲ بهمن که با حضور یکصد هزار نفر برگزار شد سانسور کردند، و کارگزاران صدا و سیمای جمهوری اسلامی آنرا ندیدند؟ و کمترین خبری از آن منتشر نساختند! آیا اینها تصادفی است؟ مراسم گرمسار چگونه؟ آنهم تصادفی بود؟ (جمعیت با اتفاق شعاری دادند: صدا و سیمای ما از انحصار حزبی آزاد باید گردد)

مردم می پرسند که چطور می شود که سخنرانی قبل از دستور یک نماینده از تلویزیون پخش می شود اما مال نماینده دیگری پخش نمی شود؟ آیا برخی از نمایندگان از برخی "نمایندگتر" هستند؟ (تکبیر مردم و سپس شعار مرگ بر مخالف بنی صدر)

**چرا برخی از نمایندگان مردم تهران حق دارند در نماز جمعه تهران با مردم سخن بگویند و برخی دیگر حق ندارند؟**

اگر اینها انحصار طلبی نیست، اگر اینها گروه‌گرائی نیست، پس چیست؟ مگر حکومت حزب واحد شاخ و دم دارد؟

مردم می پرسند که چطور می شود که نامه دسته جمعی یک گروه از نمایندگان در جلسه رسمی و علنی مجلس خوانده می شود اما نامه گروه دیگری از نمایندگان مردم در همان مجلس قابل خواندن نمی باشد؟

مردم می پرسند که چطور می شود یک نماینده و یا مفسر سیاسی صداوسیما جمهوری اسلامی می تواند هر قدر بخواهد در سخنان خود القاء شبهه نماید و به خدمتگزاران صادق اسلام و امت اسلامی حمله کند اما آنها حق دفاع از خود و توضیح روشنگرانه را نداشته باشند؟

مردم می پرسند که آیا در نماز جمعه وحدت آفرین باید همیشه سخنرانان از یک گروه سیاسی خاصی باشند؟ و سنگین ترین و فجیع ترین تهمت‌ها علیه دولت منتخب امام مجاز باشد؟

چرا برخی از نمایندگان مردم تهران حق دارند در نماز جمعه تهران با مردم سخن بگویند و برخی دیگر حق ندارند؟ (تکبیر مردم و شعار مسلمان بی‌اخیز، حزب شده رستاخیز) و آیا این با فلسفه وحدت آفرینی نماز جمعه تناقض ندارد؟ آیا خطبه‌های سخنرانان نماز جمعه می تواند محلی برای تصفیه حسابهای گروهی باشد و به محلی برای تهمت‌ها و افترا علیه اشخاص تبدیل گردد؟ مردم می پرسند پس آن همه سفارشات امام را چرا اجرا نمی کنند؟ آنهم

توسط کسانی که بیش از هرکس خود را در خط امام می‌دانند! چطور شده است که ادعای یک حزب مارکسیستی مبنی بر خط امام بودن علیرغم آن همه خیانت قابل قبول شده است اما قدیمی‌ترین مبارزان و همراهان امام در طی سالیان دراز، اکنون در خط‌گرایش به غرب و خارج از خط امام هستند! مردم چطور بپذیرند که بقول برادرمان حاج احمد آقا خمینی کسانی که تا دیروز سنگ برسینه امام و یاران و همراهان وی می‌زدند، امروز سنگ امام را برسینه می‌زنند و جز خود، هیچکس را هم قبول ندارند؟ (تکبیر مردم و شعار مرگ بر مخالف بنی‌صدر توسط جمعیت داده شد)

وقتی ما نمایندگان شما مردم از موکلین خود دعوت کردیم، برخی از همکاران ما در مجلس و یا دوستان خارج از مجلس بما گفتند که آیا شما درگردهمایی خود می‌خواهید دولت را ساقط کنید؟ برخی حتی جلوتر رفتند و گفتند که این امر، یعنی سقوط دولت و روی کار آمدن دولت جدیدی که میان‌رو باشد، خواست آمریکا است!!! پاسخ به این حرف این است که اولاً " ما به این دولت بر حسب تکلیف شرعی و وظیفه نمایندگی خود رأی مخالف دادیم. ثانیاً " مسئله ما دولت نیست. دولت سمبل و آلت فعل یک جریان سیاسی حاکم است. تا آن تفکر سیاسی انحصار طلبانه تغییر پیدا نکند و تا آن جریان اصلاح نشود، دولت مطرح نیست. این دولت، مجری نظرات و گرایش‌های همان جریانی است که معتقد به حکومت حزب واحد است. آنرا باید تغییر داد و اصلاح کرد. (شعار جمعیت: درود بر بزرگان، چریک پیر ایران) اگر آنرا اصلاح کنیم و اگر این اندیشه التقاطی اصلاح‌گردد بدون شک زمینه برای بسیاری از تفاهات بوجود خواهد آمد.

همانطور که گفتیم حکومت تک حزبی در جامعه اسلامی جائی ندارد و ذاتاً " فاجعه‌آفرین است، حتی اگر استدلال‌های مبلغین این اندیشه را بپذیریم که برای حل مشکلات بعد از انقلاب استقرار چنین نظامی اجتناب‌ناپذیر است، و اگر این جریان حاکم در عمل توانسته بود رفع مشکلات را نماید، امنیت قضائی و سیاسی را مطابق موازین اسلامی و قانونی بوجود بیاورد و یک برنامه حساب شده و معقولی ارائه دهد و این امید را بوجود بیاورد که قادر است کشور را از این بحران‌ها نجات

دهد شاید ابعاد فاجعه کمتر بشود. اما چکنیم که چنین نیست.

بعنوان نمونه کافی است به عملکرد جریان حاکم در مورد سیاست خارجی توجه کنید. بسیاری از دشمنان انقلاب اسلامی و دوستان نادان، ما را به گرایش به غرب و یا حتی سازش با غرب و آمریکا متهم می سازند، در حالیکه این افراد و این مدعیان نتوانسته اند و هرگز نمی توانند یک سند ارائه دهند که نشان بدهد در دولت موقت، ما در برابر دولت آمریکا قبول سازش کردیم و سندی را علیه مصالح ملت امضاء نمودیم و یا به آنها تسلیم شدیم! غیرممکن است و هرگز نخواهند توانست دلیل و سندی را ارائه دهند! **قلی ها تو برها نمک ان گنتم صادقین!** (تکبیر مردم و شعار مرگ بر مخالف بنی صدر - درود بر بزرگان، چریک پیر ایران، توسط جمعیت داده شد)

#### چه کسانی مجلس را واقعا " تضعیف می کنند؟

اما ما سؤال می کنیم که آیا این در شان جمهوری اسلامی و انقلاب اسلامی ایران بود که برای آزادی گروگانها بزرگترین قرارداد مالی و اقتصادی را با آمریکا امضاء کنند بدون آنکه درباره آن کمترین بحثی در مجلس بشود! و ساده ترین و ابتدائی ترین درخواست عده ای از نمایندگان برای بحث درباره آن هم چنان مسکوت بماند؟ آیا بهتر نیست اجازه بدهند مسائل اساسی دور از جنجالها در مجلس نمایندگان مردم به بحث و گفتگو گذاشته شود؟ آیا واقعا " آنچه را که انجام دادند، مطابق بود با شرایط مصوبه مجلس شورای اسلامی؟ چه کسانی مجلس را واقعا " تضعیف می کنند، و کرده اند؟ آنهائی که در یکجا آن چنان تعزیه سیاسی راه انداختند که حتی مذاکرات غیرمستقیم را حرام دانستند و سپس بدترین نوع مذاکرات را انجام دادند و توافق نامه را در بدترین شرایط و شکل امضاء کردند؟ یا آنهائی که از ابتدا سعی و تلاش کردند تا مسائل و مشکلات را با واقع بینی برای مردم بیان کنند و هرگز امری را از مردم پنهان نساختند، و اکنون هم تمام حرفشان این است که چرا از مصوبات تخلف شده است؟ آیا معنای سیاست خارجی فعال این است که در یکجا

گفته شود که تمامی کشورهای سوسیالیست جهان با آمریکا همکاری دارند و لذا مطرودند و در جای دیگر یک هیئت عالی رتبه به کشور روسیه بفرستند تا از تجربه انقلاب فرهنگی آنها درس بیاموزند!؟ یا گفته شود تا می‌توانیم نفت بفروشیم و اسلحه بخریم!! براستی که بر سر شعار نه شرقی نه غربی یا موازنه، عدمی و منفی مدرس‌ها و مصدق‌ها چه آمده است؟ آیا سیاست خارجی فعال به این معناست که در بحبوحه جنگ نظامی رژیم بعثی عراق به شیوخ عرب حمله کنیم و آنها را خنازیر الخلیج (خوکان خلیج) بنامیم! و آنها را علیه خودمان و به نفع عراق متحد کنیم؟ آیا سیاست خارجی فعال آن است که بعد از گذشت چند ماه هنوز وزیر خارجه نداشته باشیم؟ مگر همین دیروز نبود که داد نمایندگان مجلس هم بلند شده بود که باز پشت پرده چه خبر است؟ این سفرهای مکرر نماینده‌والدهایم به ایران برای چیست؟ مردم می‌پرسند چگونه است که اشخاص که مسئولیت در امور خارجه مملکت ندارند، مذاکرات آنان خبری ندارد! (تکبیر مردم و سپس شعار درود بر بزرگان، چریک‌پیر ایران) و حتی نمایندگان مردم بی‌خبرند؟ کمیسیون امور خارجه، مجلس بی‌خبر است؟ و کمترین اطلاعی از آنچه می‌گذرد ندارد! آیا اینها تضعیف مجلس نیست؟ (یزدی، یزدی افشاکن، شعار جمعیت حاضر در امجدیه.)

امام بارها فرموده‌اند که اگر هرکس در هر کجا که هست کار خود را خوب انجام بدهد تمام مملکت اصلاح خواهد شد. ما می‌پرسیم وقتی که امنیت قضائی وجود ندارد، هزاران مشکل در دادگاهها و زندانها وجود دارند، آیا مقامات مسئول قوه قضائیه بهتر نیست بجای پرداختن بهر کار دیگری به اصلاح امور قضائی همت گمارند! تا شاید امنیت قضائی بوجود آید؟ تا نارضایتی‌ها بیش از این اوج نگیرد؟

و بالاخره بعد از اینهمه رفت و آمدها و دیدارها با نماینده‌والدهایم و یا با سایر مقامات خارجی، آیا برای پایان دادن جنگ با عراق مذاکراتی در جریان هست یا خیر؟ و سیاست خارجی جمهوری اسلامی چه نقشی در این میان بازی می‌کند و چه کسانی بازگیر این صحنه هستند؟ آیا دولت‌مردان و دست‌اندرکاران و متولیان امور برای پایان دادن به جنگ عراق و تحقق اهداف مطلوب ایران چه برنامه‌هایی

در ابعاد نظامی، دیپلماسی، و تبلیغاتی دارند؟ باید با صراحت بگوئیم که اطلاعات ما، بعنوان نمایندگان شما در مجلس، از شما مردم بیشتر نیست - آیا این است شیوه کار صحیح؟!

### آتش بس در جبهه داخلی:

مردم از ما می پرسند اگر جنگ عراق با ایران مطرح است و نباید به مسائل فرعی دیگر پرداخت و باید همه به مسائل اصلی که پیروزی در جنگ علیه دشمنان خارجی است بپردازیم پس چرا در جبهه داخلی و خودی آتش بس داده نمی شود؟ چرا دائم از رسانه های گروهی، از صدا و سیما جمهوری، از مطبوعات وابسته به گروه حاکم، از منابر و تریبونها و سخنرانی ها مرتب علیه عده ای که گناهی جز خدمت به مملکت و قبول مسئولیت از جانب امام در سنگین ترین شرایط تاریخی نداشته اند حمله می شود؟ تهمت می زنند؟ دروغ جعل می کنند؟ ما می پرسیم اگر ایرادات و اتهاماتی که بما می زنند مهم هستند و گویندگان آنها قصد اصلاح دارند، پس چرا یک مناظره و یا یک بحث و گفتگوی آزاد در مجلس و یا در سیما جمهوری تشکیل نمی دهند تا مردم همه حرفها را بشنوند، و سپس قضاوت کنند؟ اگر این مسائل آن اندازه مهم نیستند پس چرا دائم مطرح می کنند و القاء شبهات می نمایند؟

اگر در موقع جنگ باید تمامی نیروها را برای مقابله با دشمن خارجی بسیج کرد پس چرا هر روز جبهه جدیدی را در داخل خودمان باز می کنیم؟ و هر کس را با برجسی می خواهیم از خود و از انقلاب برانیم؟

آیا طرح لایحه کذائی بازسازی جز از بین بردن امنیت شغلی و اداری چه اثراتی دارد؟ آیا به عواقب سوء آن در انقلاب اندیشیده اید؟ آیا طرح لوایحی نظیر بازسازی و یا احزاب بشکلی که عنوان شده است به مصلحت مملکت است؟ یا آنکه خدای نکرده عده ای می خواهند در جو سیاسی کنونی و در شرایط جنگ، از موقعیت استفاده کرده و نظرات و عقاید و طرحهای خود را بر دیگران تحمیل کنند!

## آیا با سقوط مصدق، کاشانی روی کار آمد؟

در حالیکه ما مشغول جنگ با عراق و آمریکا هستیم چه کسانی و برای چه مقاصدی مسئله اختلافات سیاسی ۳۰ سال پیش میان مصدق و کاشانی را مطرح می‌سازند؟ آیا نمی‌دانند که آن اختلافات به کجا رسید؟ آیا نمی‌دانند که سقوط حکومت ملی و قانونی دکتر مصدق به دست آمریکا به نفع چه کسانی تمام شد؟ آیا با سقوط مصدق، کاشانی روی کار آمد؟ آیا چه کسانی در شرایط جنگ این مسائل را عنوان می‌کنند؟ چه کسانی حتی کتب درسی مدارس را هم در جهت اهداف سیاسی خود تحریف کرده‌اند؟

آیا راه حل اساسی دولت برای حل بحران اقتصادی چیست؟ چه برنامه‌ای ارائه داده است؟ آیا راه حل نهایی تورم آنست که مصرف کم شود؟ برای ازدیاد تولید و حل رکود و بیکاری چه فکری کرده‌اند؟

هدف ما برشمردن یک یک مشکلات نبوده است، بلکه نظر ما این است که یک علت اصلی و اساسی برای بحران کنونی کشور وجود دارد و آن سلطه تفکر تک حزبی است. کوشش و تلاش برای بدست آوردن و حفظ چنین موقعیتی باعث بروز بحران و کشمکش در سطح بالای مدیریت مملکت شده است. چنین بحرانی امکان برخورد منطقی با مشکلات و جستجوی راه حل‌ها را از بین برده است. لذا بنظر ما، تنها وقتی می‌توانیم برای مشکلات عظیم کنونی راه حل بیابیم که مشکل اساسی را حل کنیم. تا این مشکل حل نشود قادر بحل مشکلات اساسی نخواهیم بود!

## گروه‌گرایی وقتی است که حزب، معیار حق و باطل گردد:

مخالفت ما با سلطه حزب واحد به معنای مخالفت با حزب نیست. ما که خود از مؤسسين و پایه‌گذاران و یا فعالين نهضت آزادی ایران هستیم به تشکل و انضباط حزبی اعتقاد داریم. نه تنها مخالف تشکل مردم در احزاب اسلامی مورد علاقه و اعتمادشان نیستیم بلکه چنین امری را برای حفظ سلامت سیاسی جامعه ضروری و مفید می‌دانیم. اما ما هرگز به گروه‌گرایی اعتقاد نداریم. گروه‌گرایی وقتی است که

محور اصلی وضابطه قضاوت، حزب یا دسته و یا گروه بشود؛ حزب، معیار حق و باطل گردد. بعبارت دیگر، حزب یا گروه، الهه شود. ما ضمن آنکه به عضویت در نهضت آزادی افتخار می‌کنیم اما نهضت را برای اسلام می‌خواهیم نه اسلام را برای نهضت. اول مسلمانیم و بعد نهضتی. بینش اسلامی، در خط اسلام بودن، در خط انقلاب و امام بودن را هرگز بخود منحصر نمی‌نمائیم. هرکس را هم که به اسلام و امت و انقلاب اسلامی خدمت کند، خواه نهضتی باشد و یا نباشد، عزیز و گرامی می‌داریم و با وی همکاری خواهیم نمود.

### پاسخ به شایعات و دروغها:

در این چند روزه، مرتب از ما خواسته‌اند که به برخی از شایعات و دروغها درباره خودمان و نهضت پاسخ بگوئیم، و باین تهمت‌های بی‌اساس جواب بدهیم. اما ما آنرا ضروری ندانستیم. این مسئله سه طرف دارد. طرف اول ما هستیم که این تهمت‌ها متوجه ما می‌باشد.

چند روز پیش که خدمت‌امام رسیدیم، امام صریحا "فرمودند که من به شماها، بعضی را هم اسم بردند، اعتماد و اطمینان دارم، به دیانتتان، به سیستمتان. در مورد تهاجمات قلمی و زبانی من به امام عرض کردم، هیچ کس، هیچ گروهی، هیچ فردی به اندازه ما زخم و خطر این چماق زبان و قلم را درک نمی‌کند، برای اینکه دو سال است، ما به جرم اینکه اولین لیبیک‌گویان انقلاب بوده‌ایم در معرض شدیدترین و بدترین تهمت‌ها و افتراات بوده‌ایم.

اما ما علاقه‌ای به پاسخ گفتن به آنها نداریم. سوابق فعالیت‌ها و خدمات سالیان دراز ما نیازی به بازگوئی ندارد. سالهاست که بدون لحظه‌ای درنگ، بدون انحراف به چپ و یا راست، در یک خط مستقیم در داخل مملکت و یا خارج مملکت، در هر کجا که بوده‌ایم برای خدمت به مردم و پیروزی اسلام و انقلاب حرکت کرده‌ایم. هر آنچه را که انجام داده‌ایم به قصد رضای خدا بوده است و از هیچ کس انتظار پاداش و اجری را نداریم. و این برجسب‌های ناچسب هم به ما نمی‌چسبند.



از تهمت‌ها و توطئه‌های دشمنان نمی‌ترسیم و از ملامت‌کنندگان هم ملول نمی‌شویم و با این حرف‌ها هم از میدان بدر نمی‌رویم. قرض و محکم، هم‌چون گذشته بیستاده‌ایم و آنچه را که در خیر امت و اسلام بدانیم عمل می‌کنیم. حضور امروز شما و ما در اینجا خود نشانه حرکت ما می‌باشد. ما با دعوت شما در این جا و اجرای این برنامه آغاز گسترش فعالیت‌های نهضت آزادی را اعلام می‌کنیم. (تکبیر مردم، درود بر - بازرگان، چریک پیز ایران، توسط جمعیت)

اما طرف دوم این مسائل شما مردم هستید، شما مردم با ابراز اعتماد خود بمانشان داده‌اید که به این حرف‌ها و به "می‌گویند" ترتیب اثری نمی‌دهید. انتخابات تهران و رأی شما مردم به ما، علیرغم تمامی شایعات و افتراوات، دروغها و تهاجمات سیاسی و ترور شخصیت، علیرغم محدودیت امکانات تبلیغاتی ما، نشان داد که شما مردم، مسائل را می‌فهمید، قضایا را درک می‌کنید. این ابراز اعتماد شما برای ما افتخار است. اگر خدا از ما راضی باشد و شما مردم بمان اعتماد کنید، ما چرا نگران این شایعات باشیم!

اما طرف سوم این قضیه و این مسائل کسانی هستند که شایعات و دروغها را می‌سازند و پخش می‌کنند. مربوط است به دست اندرکاران و دارندگان امکانات. آنها که دانسته این توطئه‌ها را طرح ریزی می‌کنند، دشمنان انقلاب اسلامی ایران، همان توده - نفتی‌ها هستند. ما را با آنها سخنی نیست جز آنکه به آنها بگوئیم که خشت بر آب می‌زنید! و آب درهاون می‌کوبید! (کف زدن و ابراز احساسات شدید جمعیت حاضر در امجدیه) از این توطئه‌های خود طرفی نخواهید بست! اما با آن دسته از کسانی که خود را مسلمان و متعهد به اسلام و انقلاب می‌دانند، حرف داریم. از آنها می‌خواهیم که در دام این جوسازی‌ها گرفتار نشوند. در شأن مسلمانها نیست که شایعه‌پراکنی کنند، غیبت‌کنند، تهمت‌بزنند، افتراء ببندند، و ندانسته سخنان دشمنان اسلام را تکرار کنند. ما دست دوستی بسوی این برادران دراز می‌کنیم. آنها را به حق و رحمت توصیه می‌کنیم. دشمنان اسلام می‌خواهند تمام اعتمادها از بین برود و شخصیت هرکس را که خدمتی باین انقلاب و اسلام کرده است

مخدوش سازند .

### نیاز به وحدت و جذب نیروها

چنین روش‌هایی اسلامی نیست . و به اسلام و انقلاب لطمه می‌زند. و برعهده آنهاست که از این روشها دست بردارند! نه برای خاطر ما ، بلکه برای حفظ سلامت انقلاب . تفکر اسلامی بر پایه جذب همه نیروهای آماده برای پذیرش حق است . روش پیامبر اکرم و ائمه اطهار بر جذب بوده است و نه دفع هرکس بهر بهانه‌ای . در طی دوران انقلاب اسلامی این وحدت کلمه همه نیروهای معتقد به انقلاب بود که ما را به پیروزی رسانید . حفظ و تداوم انقلاب هم جز از طریق وحدت امکان پذیر نیست . انقلاب تمام نشده است ، جنگ علیه دشمنان انقلاب اسلامی تمام نشده است ، و لذا ضروری است که از ارتکاب به اعمالی که منجر به تفرقه و جدائی افراد و جامعه می‌شود خودداری کنیم .

تنها گفتگو از وحدت کافی نیست . برای بوجود آمدن وحدت باید دست از انحصار طلبی برداشت و از هرگونه کوششی برای حذف دیگران خودداری کرد . مردم ما خواستار وحدت هستند و برای وصول به وحدت باید باین جنگ سیاسی - روانی خاتمه داد ؛ سد انحصار طلبی را شکست ؛ با شکستن سد انحصار طلبی‌های حزب حاکم ، راه را برای تقلیل و از بین بردن بحران سیاسی کنونی در سطح بالای مملکت باز نمود . با از بین رفتن چنین بحرانی ، پیدا کردن راه‌حل‌های مناسب و مقبول برای مشکلات و ارائه برنامه‌های دراز مدت و کوتاه مدت جهت هدایت جامعه بسوی وضع مطلوب اسلامی کارآسان‌تری خواهد بود .

تحقق چنین شرایطی است که امیدها را در دلها هم چنان زنده نگه خواهد داشت ، نگرانی‌ها را برطرف خواهد ساخت ، دلها را بهم نزدیک خواهد کرد ، دشمنی‌ها و کینه‌ها و نفرت‌ها را ذوب کرده و بدوستی و صفا و محبت مبدل خواهد ساخت ، و سپس نیروی خلاق مردم را برای سازندگی جامعه نوین به حرکت در خواهد آورد . باید به مردم اعتماد کرد و در صدد جذب همه نیروهای معتقد به اسلام و

انقلاب اسلامی برآمد .

از خداوند می‌طلبیم که ما را در تحقق چنین هدف و برنامه‌ای یاری دهد.  
از خدا می‌طلبیم که بما همت دهد تا در صراط‌المستقیم ، صراط‌آنها که  
مشمول نعم الهی شده‌اند ، در راه انبیاء، راه صدیقین ، راه شهداء و راه صالحین  
هدایت فرماید .

از خدا می‌طلبیم که بما توفیق خدمت با صداقت به اسلام و انقلاب و امت  
را عنایت بفرماید . (آمین)

از خدا می‌طلبیم دشمنان این انقلاب و اسلام و ملت را در هر کجا که  
هستند و زیر هر پوشش که هستند ، اگر قابل هدایت نیستند تا بودشان سازد . (آمین)  
از خدا می‌طلبیم به جنگجویان ما ، به مرزداران ما ، به سپاه رشید اسلام ،  
به همه نیروهای مسلح ، توفیق پیروزی بردشمن را عنایت فرماید . (آمین)

والسلام علیکم ورحمه‌الله وبرکاته





معرفی آقای مهندس صباغیان :

و اینک در پایان سخن خلاصه نظرات چهار نماینده شما را آقای  
صباغیان یار وفادار بازرگان ، نماینده شایسته شما ، از رهروان دلیر نهضت  
آزادی ایران بعرض شما می‌رساند .

شعار: تا تحقق واقعی شعار استقلال

آزادی جمهوری اسلامی نهضت

ادامه دارد .



## بسمه تعالی

### مهندس هاشم صباغیان

مهندس هاشم صباغیان در سال ۱۳۱۶ در جنوب شهر تهران از یک خانواده مذهبی و اصیل و قدیمی تهرانی متولد شد. تحصیلات ابتدائی را در دبستان حافظ بازار و متوسطه را در دبیرستانهای امیرکبیر و مروی و تحصیلات عالی را در دانشکده فنی تهران، رشته راه و ساختمان، در سال ۱۳۳۹ به پایان رساند. فعالیت سیاسی خود را از سال ۱۳۳۱ (دوران حکومت ملی مرحوم دکتر مصدق) آغاز نمود و پس از کودتای ننگین ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ و سقوط حکومت ملی، فعالیت سیاسی خود را در نهضت مقاومت ملی ادامه داد و هنگامیکه جبهه ملی در سال ۱۳۳۹ فعالیت مجدد خود را شروع کرد صباغیان فعالانه در آن تلاش نمود و بعنوان عضو کمیته مرکزی دانشگاه تهران در کنگره جبهه ملی شرکت کرد. در سال ۱۳۴۰ که نهضت آزادی ایران بعنوان یک جمعیت سیاسی - مذهبی با طرز تفکر اصیل ایدئولوژی اسلام آغاز به فعالیت نمود صباغیان فعالیتهای خود

را در این تشکیلات جدید متمرکز ساخت و بعنوان عضو هیئت  
اجرائیه تلاش نمود. نامبرده در این مدت ۴ بار یزدان‌رژیم  
جبار افتاد.

فعالیت‌های فنی و اداری ایشان نیز هیچگاه جدای از  
افکار و آرمان‌هایش نبوده است و از سال ۱۳۴۲ تا ۱۳۵۷ که در  
سازمان مسکن بعنوان مهندس اجرایی مشغول خدمت بوده تمام  
تلاش‌هایش در جهت فراهم آوردن تسهیلاتی برای مستضعفین  
جامعه بوده است. برخی از اقدامات مردمی ایشان در هنگام  
خدمت در سازمان مسکن به‌قرار ذیل می‌باشد:

- ۱- سرپرستی خانه‌سازی و ترمیم نقاط زلزله رده در  
بوئین زهرا (زلزله ۴۰ سال) و خراسان (زلزله ۴۶ سال).
- ۲- سرپرستی خانه‌های سیل‌زده نازی آباد تهران.
- ۳- سرپرستی قسمتی از خانه‌های ارزان قیمت کوی  
یادآوران (نهم آبان سابق).
- ۴- سرپرستی خانه‌های ارزان قیمت بانک رهنی در  
انتهای خیابان پیروزی.
- ۵- سرپرستی خانه‌های ارزان قیمت صد دستگاه نارمک  
و خانه‌های کوی وحیدیه.

در مورد فعالیت‌های اجتماعی- مذهبی، آقای صباغیان  
عضو شورای مرکزی انجمن اسلامی دانشجویان (در دوران  
دانشجویی) و عضو هیئت اجرائیه انجمن اسلامی مهندسين و  
عضو مؤسس هیئت‌امناء مسجد قبا و عضو هیئت مدیره هنرستان  
صنعتی کارآموز (مذهبی- ملی) بوده است.  
در دوران شکوهمند انقلاب اسلامی، به‌هنگام اعتصابات  
عمومی کارگران و کارمندان شجاع صنعت نفت در سال ۱۳۵۷،



طبق فرمان رهبر انقلاب اسلامی، امام خمینی، ایشان در معیت آقای مهندس مهدی بازرگان و سه نفر دیگر از مبارزین، مأموریت عزیمت به مناطق جنوبی کشور برای تأمین مواد نفتی جهت مصرف داخلی را عهده‌دار شدند.

در هنگامیکه امام در پاریس اقامت داشتند ایشان یکی از رابطین دفتر امام با تهران بود و در آن شرایط اختناق اعلامیه‌های امام را تلفنی دریافت و به اتفاق سایر برادران در سطح کشور تکثیر و توزیع می‌نمودند. در جریان تشریف فرمائی امام آقای صباغیان بعنوان عضو ستاد مرکزی کمیته استقبال از امام بطور شبانه‌روزی فعالیت خستگی ناپذیری را در مدرسه رفاه انجام می‌داد. و بعد از پیروزی انقلاب بعنوان معاون نخست‌وزیر در امور انتقال قدرت و سپس بعنوان وزیر کشور دولت موقت انجام وظیفه نمود.

به‌هنگام حوادث کردستان بعنوان نماینده امام و شورای انقلاب، عضو هیئت ویره‌سنفیری دولت برای کردستان شد. تلاش‌های شبانه‌روزی او در راه تدارک پیروزی انقلاب اسلامی ایران باعث گردید که مردم مسلمان و مبارز تهران او را برای اولین دوره مجلس شورای اسلامی برگزیدند. و اینک او این بار امانت را صادقانه و صمیمانه بدوش می‌کشد.



قبل از آغاز سخنرانی آقای مهندس هاشم صباغیان، جمعیت حاضر  
درآمد مجدیہ باتفاق شعار می دادند که: (ما حزب نمی خواهیم - ما پیرو قرآنیم)

### بسم الله الرحمن الرحيم

ما نمایندگان مردم تهران در مجلس شورای اسلامی برای بارور کردن هرچه  
بیشتر مبارزات مردم مسلمان ایران و بخاطر ایجاد جامعه‌ای نمونه که در تمام ابعاد  
زندگانی فردی و اجتماعی اسوه‌ای برای دیگر ملل جهان باشد و از انحرافات و  
نارسائی‌های موجود، خود را تا حدودی رها سازد، رئوس نظریات و مواضع خود را  
در مورد مسائل کنونی جامعه‌ی ایران جمع بندی کرده و در سه قسمت زیر به اطلاع  
شما مردم قهرمان و شهید پرور می‌رسانیم.

#### قسمت اول:

برای حفظ و تداوم انقلاب اسلامی ایران و جلوگیری از انحراف و انهدام

آن.

۱- تقویت رهبری انقلاب یعنی امام امت و احترام به روحانیت اصیل و  
جلوگیری از تضعیف رهبری از طریق سوءاستفاده‌ی انحصار طلبانه کسانی که می‌کوشند  
امام را خرج خود کنند و اشتباهات و اعمال خود را به حساب امام و یا کل روحانیت

بگذارند .

۲- کوشش دائم به منظور حاکمیت ملی و حفظ حضور فعال مردم در صحنه و مشارکت آنان در فعالیت‌ها ، از طریق آگاهی ملت از آنچه در کشور می‌گذرد و مبارزه و مخالفت با اعمالی که موجبات بی‌تفاوتی مردم را فراهم می‌سازد .

۳- اعلام آتش بس در جبهه‌ی داخلی و تلاش در جهت رفع بحران اختلافات کنونی در مدیترانه کشور و تقویت وحدت و همکاری تمامی اقشار ملت که معتقد به جمهوری اسلامی هستند از طریق مبارزه و مخالفت با تفکر سیاسی معتقد به حکومت تک حزبی و انحصار طلبی گروه گرایانه .

۴- شناخت و معرفی و مبارزه با دشمنان انقلاب اسلامی ایران در اشکال گوناگون داخلی و خارجی اش ، در زیر پرپوشش و هر شعاری که باشند ، خصوصا "نیروهای چپ و ضد اسلامی .

#### قسمت دوم :

استقرار جمهوری اسلامی .

۱- اجرای همه جانبه اصول مندرج در قانون اساسی .

۲- پشتیبانی و حمایت از نهادهای قانونی نظیر ریاست جمهوری بر طبق قانون اساسی . (شعار مردم : مرگ بر مخالف بنی‌صدر)

۳- تقویت معنویت اسلامی و حفظ انسجام جمهوری اسلامی ایران از طریق مخالفت و مبارزه با اشکال گوناگون چماقداری ، اعم ازیدی ، زبانی و قلمی و جوشایعه سازی و جنگ سیاسی - روانی تخریبی و ترور شخصیت .

۴- خواهان اجرای اصول مندرج در قانون اساسی در باب حقوق ملت و جلوگیری از تخلفات آشکار از این اصول و بازداشت‌های غیرقانونی ، ارتکاب اعمال بی‌رویه‌ی غیراسلامی و غیرقانونی در زندانها .

۵- تسریع در تنظیم مقررات قانونی مربوط به اصل هفتم قانون اساسی در باب شوراها و اجرای آن در تمامی استانهای کشور .

۶- تأمین و تضمین امنیت قضائی و تمرکز تمام امور مربوط، در دادگاههای صالحه‌ای که بموجب قانون بوجود آمده باشند .

### قسمت سوم :

در مورد مسائل جاری کشور .

۱- تنظیم و اجرای سیاست خارجی براساس شعار نه شرقی ، نه غربی و جلوگیری از هرگونه گرایش به غرب و یا به شرق .

۲- ادامه جنگ تخمیلی عراق با نهایت قدرت و مشارکت تمام ملت تا خروج آخرین سربازان دشمن از خاک ایران .

۳- عدم دخالت نیروهای مسلح ، اعم از نظامی ، انتظامی و پاسپاه پاسداران و کمیته‌ها و نیروهای بسیج ملی در گروه‌بندیهای سیاسی به تبعیت از رهنمودهای صریح امام .

۴- تسریع در تنظیم و اجرای برنامه‌های ستاد انقلاب فرهنگی و بازگشایی هرچه زودتر دانشگاهها در سراسر کشور با معیارهای اسلامی و محکوم کردن هرگونه توطئه برای ایجاد تشنج در مدارس و از مسئولین آموزش و پرورش می‌خواهیم که از اعمال هرگونه نظرات سیاسی و گروهی انحصار طلبانه جدا " خودداری کنند .

۵- متوقف ساختن طرح لوایحی از قبیل لایحه " بازسازی " و طرح کنونی " احزاب و انجمن‌ها " که با قانون اساسی مغایرت دارند و امنیت شغلی و سیاسی را متزلزل می‌سازند .

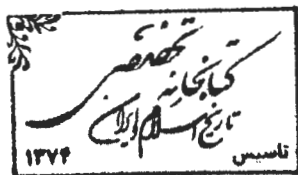
۶- صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران از هرگونه گروه‌گرائی و وابستگی گروهی باید برکنار بماند و بیطرف عمل کند و در خدمت عموم مردم قرار گیرد ، زیرا کارنامه گذشته آن اسفانگیز می‌باشد .

۷- بحث و رسیدگی به مقاوله نامه ایران و آمریکا ، معروف به بیانیه الجزایر در رابطه با آزادی گروگانها برطبق درخواست عده‌ای از نمایندگان هرچه زودتر در مجلس شورای اسلامی آغاز گردد .

در خاتمه از همه برادران و خواهران که دعوت ما را پذیرفتند مجدداً  
صمیمانه تشکر نموده و موفقیت همگی را از خداوند متعال خواستارم .

والسلام

در این موقع شزکت کنندگان باتفاق شعار می دادند:  
صدای و سیمای ما از انحصار حزبی آزاد باید گردد



### طلسمی که شکست

پنجشنبه هفتم اسفند ماه ۵۹ از روزهای فراموش نشدنی در تاریخ مجلس شورای اسلامی ایران بود. این روز بعنوان آغاز شکستن طلسم انحصار طلبی و گروه گرایی در جمهوری نوپای ما تلقی گشت و پشت آن راکه گرفتن مواضع قدرت را بستن دهانها و شکستن قلمها و از بین بردن اندیشه‌های مخالفان خود می‌پنداشتند لرزاند.

آری، مبارزانی که حدود سی سال در میدان مانده و در برابر دیکتاتوری سیاه محمد رضا خانی بزانو در نیامده بودند، قریب یکسال بود که در تارهای عنکبوتی محدودیت‌های ساخته و پرداخته مجبور به سکوت گشته بودند، و به شیوه علی (ع) خار در چشم و استخوان در گلو داشتند. از یک طرف خطری راکه انحصار طلبی گروهی معدود متوجه اسلام نموده بود می‌دیدند و از طرف دیگر، برای حفظ وحدت و بقا جمهوری، مهر بر لب زده و خون دل می‌خوردند و خاموش بودند. اگر علی (ع) را به جرم دشمنی مسلمانان جدید الاسلام خانه نشین کردند، اینان نیز بحکم خصومت تازه مسلمانان امروز مجبور به لب فرو بستن بودند. آخر، در زمان علی (ع) کسی بخانه کفار یا جاسوس خانه حمله‌ور نشده بود تا اسنادی که راویان و وقایع نگارانش همان کفار بودند منتشر کند و علی (ع) را به شهادت کافران، خارج از خط

اسلام بدانند. شاید هم هنوز آیه *ان الذین یحبون ان تشیع الفاحشه فی الذین آمنوا لهم عذاب الیم فی الدنیا والاخره* (آنانکه علاقمندند زشتی‌ها در میان مؤمنان اشاعه پیدا کند عذاب دنیا و آخرت در انتظار ایشان است) در خاطره‌ها زنده بود و روش‌های استالینیستی بنام افشاگری جایی در جامعه اسلامی نداشت. آخر، علی (ع) مردی نبود که پرروی روش‌های ابوسفیان صحنه بگذارد و یا با خاموشی خود او را تشویق کند تا رقیبان را از میدان خارج سازند و صحنه قدرت را خالی از اغیار کنند.

پس از یک سال تحمل محدودیت سخن گفتن در مجلس و سکوت، سرانجام کاسه صبرشان لبریز شد. شاید هم ناله‌های مردم مسلمان از گوشه و کنار به آنها نهیب زد که اسلام در خطر است و کشور در بحران. اگر امروز بخاطر رعایت برخی مصلحت‌ها نگوئید شاید فردا بسیار دیر باشد. اگر پرده از مشکلات بردارید و خطرات را برای مردم بازگو نکنید در برابر خدا و خلق خدا مسوءولید. شاید نارسائی‌ها و نارضایتی مردم و شکایات متعدد باعث آن شد که سکوت را زیان بخش به جمهوری بدانند. بهر حال بحکم وظیفه امر معروف و نهی از منکر بر آن شدند که لب بسخن بگشایند و پاره‌ای از گفتنی‌ها را بگویند.

مردم را به دانشگاه دعوت کردند ولی مسئولان را خوش نیامد و آنان را به امجدیه فرستادند. علیرغم تهدیدها و کارشکنی‌ها گروهی انبوه بدعوتشان لبیک گفتند و فضای امجدیه را با شعارها و فریادهای خود رونقی تازه بخشیدند.

اگر سخنرانان یک کلمه بر زبان نمی‌آوردند باز هم این دعوت با موفقیت روبرو می‌شد. آنها می‌خواستند بگویند، آزادی در چنگال انحصار طلبی آخرین لحظات عمر خود را طی می‌کند و اگر چاره‌ای نیندیشید بزودی خفه خواهد شد. بگفتن چنین سخنی نیاز نبود. کوتاه‌نظران، عوامل خود را در خارج امجدیه و داخل آن متمرکز ساخته بودند. در چهار راه‌های اطراف،



گله به گله تجمع کرده بودند. برابر در ورودی به ارباب خلق... مشغول بودند و آنان را از شرکت در مراسم باز می داشتند. مطمئناً "می توان گفت که شیوه های اخلال را پس از انقلاب آموخته بودند، که در زمان اختناق محمدرضاخانی برههائی سربراه بودند که اگر توده های بودند انقلاب سفید! را نجات بخش ایران و ایرانی می پنداشتند و اگر مسلمان! بودند اسلام را از سیاست جدامی دانستند، ولی پس از پیروزی انقلابی! مسلمان! مدعی پیروی از خط امام! شده اند و مردم را از استماع سخنرانی چریکهای پیری چون سبحانی و بازرگان باز می دارند. آری آنچه در امجدیه می گذشت گواه صادق بیانات سخنرانان بود. آنچه گفتند در فضای امجدیه به اثبات رسید و آنچه نمی توانستند بگویند اخلال گری توده های ها و چماقداران به بهترین بیانی آشکار ساخت.

انحصارطلبی، دیکتاتوری صالحان، خفه کردن مخالفان، برچسب زدن مبارزان، سوءاستفاده از نام امام، چماق ساختن سخنان امام، فراموش شدن شعار نه شرقی نه غربی، اختصاصی بودن صدا و سیما جمهوری، همه و همه در امجدیه تجلی کرد. امجدیه خود صحنه ای برای نشان دادن خطرهای در راه انقلاب گشت و آنچه که سخنرانان در صد بیان آن بودند بی پرده و روشن ساخت.

در عین حال استقبال بی نظیر مردم، در هوای سرد و زیر فشار تهدید گروهکهای که در مسیرشان ایستاده بودند، نشان داد که نه تنها طلسم سکوت نمایندگان شکسته، که عمر قدرت طلبی انحصارگران نیز به آخر رسیده است. گیرم بتوانند چند روز دیگر مواضع قدرت را حفظ کنند. گیرم بتوانند صدا و سیما جمهوری اسلامی را به سخنرانان خود اختصاص دهند و تبلیغات خود را به همه جا بگسترانند. گیرم بتوانند برای مدتی کوتاه همه نارسائی ها را بحساب جنگ بگذارند. گیرم بتوانند زیر پوشش نام بلند امام خود را از اعترافات مصون بدارند. ولی مگر نه این است که رژیم گذشته نیز

همه مواضع را در دست داشتند و با نظمی بهتر و برنامه‌ای منظم تر بکار خود ادامه می‌دادند و بقدرت خود و بقاء آن مطمئن بودند. ولی از آنجا که مردم را به حساب نمی‌آوردند نتوانستند کاری انجام دهند و سرانجام ناچار شدند به اشتباهات خود اعتراف کنند ولی دیر بود. همانطور که رهبر عالیقدر انقلاب فرموده‌اند "میزان، رأی ملت است" و این مردم هستند که با شعار استقلال، آزادی، جمهوری اسلامی، انقلاب را به پیروزی رسانیدند. اجتماع دیروز امجدیه نشان داد که علیرغم همه فشارها باز هم مردم به این شعار معتقدند و حاضر نیستند تحت هیچ نامی از آن دست بردارند. آنان اسلام را نجات بخش خود می‌دانند ولی اسلامی را که تازه مسلمانان چماق بدست عرضه می‌کنند نمی‌پذیرند.

آری اجتماع امجدیه آغازی برای پایان تسلط انحصار طلبان است و چشم ملت رزمنده، ما بتداوم این راه افتخار آفرین دوخته است.

والسلام

مواظب باشید در اجتماعات یک دسته اشرار وارد  
نشوند و درگیری ایجاد کنند.

امام خمینی

این عکسها نشان دهند کسانی است که باید دست گرفتن پلاکار دو حرکت دائمی در بین مردم نظم عمومی سخنرانی را بهم می زدند و تشنج میا فریدند و توجهی به تذاکرات برادران پلیس نمی نمود ه اند.





1244



